



# شهاب

سال سوم، شماره سوم، شماره پیاپی ۹، پاییز ۱۳۷۶

سرخنی در باره شهاب سر مقاله  
مدیر مسؤول ۲

نسخه های نهاییه شیخ طوسی میراث خطی کتاب خانه  
سید محمود مرعشی نجفی ۳

شیفتگان کتاب کلیک و کتاب  
فهرست های فنی کتاب  
سوگندنامه نویسندگان مسلمان  
علی رفیعی علامرودشتی ۵  
ترجمه و نگارش هادی ربانی ۸  
محمد اسفندیاری ۱۳

گونه های کتاب خانه جهان کتاب خانه  
کتاب خانه ملی قطر  
پوری سلطانی و فروردین راستین ۲۰  
میر محمود موسوی ۲۴

گزارش سفر به ازبکستان سفر نامه  
سید محمود مرعشی نجفی ۲۷

آشنایی با بخش فهرست نویسی کتاب های چاپی بخش های کتاب خانه  
نورالدین علی لو ۳۱

تجدید تفاهم نامه کتاب خانه با مرکز فرهنگ و میراث جمعة الماجد • تفاهم نامه همکاری فرهنگی میان کتاب خانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی و مرکز فرهنگ و میراث جمعة الماجد • توافق نامه همکاری فرهنگی میان کتاب خانه و انستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی • قرارداد همکاری • تازه های کتاب • خرید کتاب • کتاب خانه، نهاد عمومی • دیدار از کتاب خانه • بازتاب دیدار ۳۴  
۳۹

تأملی در ریاض الجته انتشارات کتاب خانه  
درنگی در مثنوی ملاصدرا  
محمد صحتی سردودی ۴۳  
علی اصغر حقدار ۴۵

دعا در فرهنگ اسلامی یک کتاب در یک مقاله  
محمد بدیعی ۴۸

نامه ها

## سخنی در باره شهاب

کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی از آن دست کتابخانه‌هایی است که با فیض روح القدس بنیان نهاده شد و بنیان‌گذارش آهنگ آن داشت کتاب‌ها و نسخه‌های خطی از هم پراکنده و فراسوی مرزها رفته راگرد آورد و آب رفته به جوی را برگرداند. و از آنجا که این خواسته، برای خدا بود و فداکاری و جان‌فشانی نیز قرین آن بود، دیری نگذشت که از قوه به فعل درآمد و آنچه در خیال نمی‌گنجید، در کتابخانه‌ای گنجید. بدین سان کتابخانه‌ای پی‌افکننده شد «که از باد و باران نیابد گزند» و صفت «بزرگ» برای آن بزرگ نیست.

شهاب، که اینک نهمین شماره آن منتشر می‌شود، خبرنامه این کتابخانه و حکایت وجد با خواننده است. این شماره آن به گونه‌ای دیگر از شماره‌های پیشین منتشر می‌شود و دیگرگون شده است: اندکی آراسته‌تر، کمی پربرگ‌تر و - شاید هم - کمی پربرتر. ضمن اینکه خبرنامه کتابخانه است، دربردارنده پاره‌ای از مقالات در باره کلک و کتاب نیز است. بر آن نیستیم که دست از خبرنامه بشویم، اما بر آن هستیم که جمود بر خبر نداشته باشیم و در ضمن اخبار داخل کتابخانه، اندکی هم به کتاب پژوهی دست یازیم.

باری، مجله شهاب ضمن اینکه دربردارنده اخبار جاری کتابخانه است، به مسائل ذیل نیز می‌پردازد: معرفی نسخه‌های خطی کتابخانه، معرفی کتاب‌های چاپی نفیس کتابخانه، معرفی انتشارات کتابخانه، گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه، مقالات ویژه کتاب پژوهی، کتاب‌شناسی، کتاب‌داری و نویسندگی.

کتاب در فرهنگ و تمدن اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و همواره به آن عنایتی خاص شده است. زیرا از میان ادیان، تنها دین اسلام معجزه خود را «کتاب» قرار داده است. و طرفه اینکه در کتاب این دین به «کلک» و «کتاب» سوگند یاد شده و یک سوره آن «قلم» نامیده شده و بدین‌گونه به اهمیت و مکانت بلند آنها اشاره گردیده است. و جالب‌تر اینکه پیامبر این دین با اینکه «به مکتب نرفت و خط نوشت»، اما «مرگب عالمان» را برتر از «خون شهیدان» شمرد: مداد العلماء افضل من دماء الشهداء.

با این‌گونه اشارات و تصریحاتی که در اسلام به کتاب و نوشتن شده، مسلمانان به نوشتن و گردآوردن کتاب اهتمام ورزیدند و کتابخانه‌های بزرگی پی‌افکنند. اما - سوگمنده - با یورش اقوام بیگانه به اقلیم قبله، بسیاری از کتابخانه‌ها سوزانده و تاراج شد و شمار زیادی از کتاب‌ها به دست راهزنان فرهنگی افتاد و از دارالاسلام خارج شد. ولی مسلمانان از پا نشستند و به عزلت نخزیدند، بلکه کوشیدند بر ویرانه‌های به‌جا مانده از یورش بیگانگان، کتابخانه‌های آبادی بنا کنند؛ و سپاس خدا را که چنین کردند.

فیض روح القدس از باز مدد فرماید  
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

# نسخه های نهایی شیخ طوسی

سید محمود مرعشی نجفی

در جمادی الاول سال ۷۲۷ ق نوشته است. روی برگ اول اجازه ای است که شیخ عبدالله بن علی خواری ورامینی در سال ۶۹۱ ق برای شیخ زین الدین علی بن حسن عمادی نوشته است. در اول کتاب صوم و مواضع دیگر تصریح شده که با نسخه اصل به خط مبارک شیخ مقابله شده است. جلد تیماج قرمز، عطف تیماج قهوه ای. دارای ۲۷۵ برگ ۲۰ سطری در اندازه ۱۵ $\frac{1}{4}$  x ۲۴ $\frac{1}{4}$  سانتی متر. این نسخه نفیس که قدیمی ترین نسخه موجود از این کتاب است به شماره ۲۴۱ در این کتابخانه موجود است.

۲- کتاب النهایة. از کتاب شناسی این نسخه، چون در نسخه قبل معرفی گردید، صرف نظر می کنیم و به نسخه شناسی آن می پردازیم. این نسخه مانند نسخه قبلی بسیار نفیس و قدیمی است. شامل مجلد اول کتاب که با خط نسخ معرب حیدر بن حسین در شب یکشنبه ۱۵ ماه صفر سال ۵۳۵ ق کتابت شده و در حواشی از روی

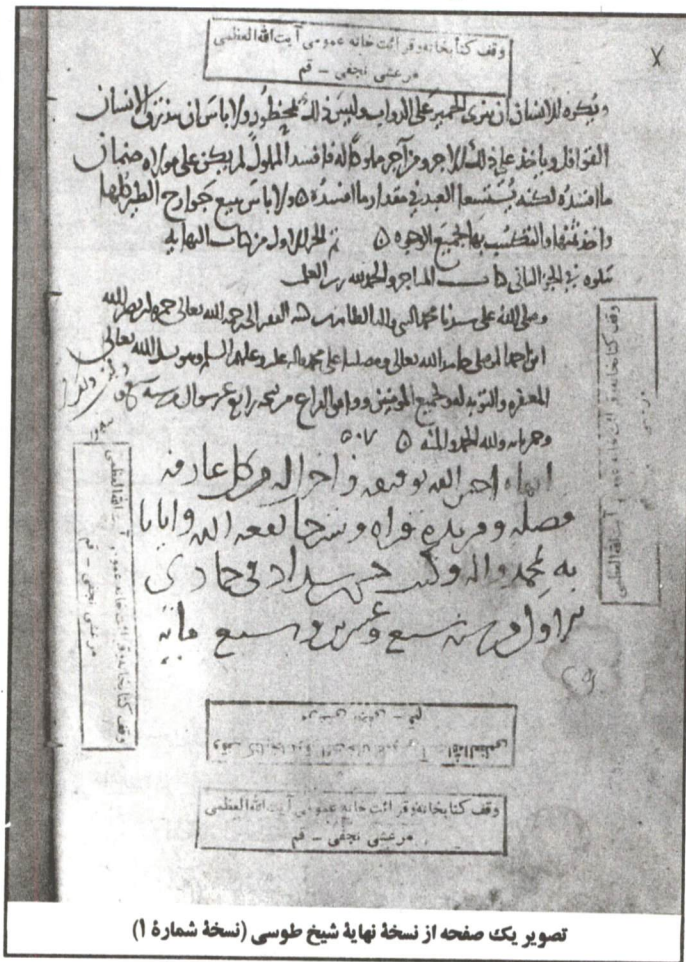
کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، به عربی، از شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (متوفی ۴۶۰ ق)، از آثار فقهی مهم شیعی است که مسائل فتوایی را بدون ذکر ادله برای عمل مقلدان بیان کرده است و مانند دیگر کتاب های فقهی از طهارت شروع و به

دیات پایان می یابد و در دو مجلد تألیف شده است. مشخصات یک نسخه آن در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی چنین است:

۱- کتاب النهایة. آغاز: الحمد لله مستحق الحمد و موجه... کتاب الطهارة، باب ماهیة الطهارة و کیفیت ترتیبها، الطهارة فی الشریعة اللما یستباح به الدخول فی الصلوة.

انجام: فان أتلفه علیه و كان قد أظهره لم یکن علیه شی علی حال. انجام این نسخه افتاده است.

این نسخه، بسیار نفیس و قدیمی است و به خط نسخ حمزة بن نصرالله بن احمد



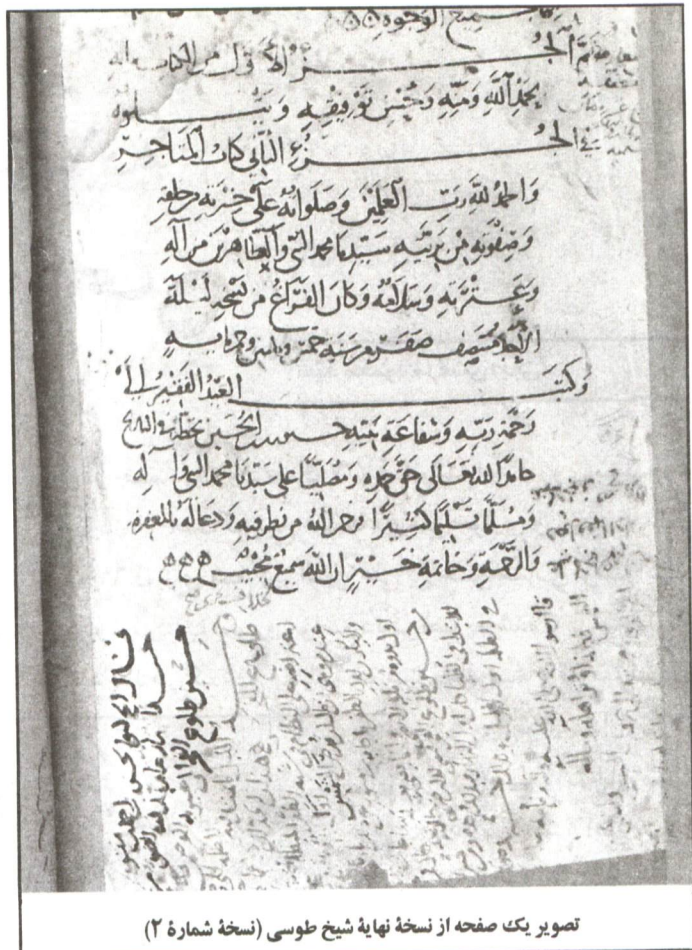
تصویر یک صفحه از نسخه نهایی شیخ طوسی (نسخه شماره ۱)

موصلی در روز ۱۴ شوال سال ۵۰۷ ق «پایان جزء اول» آن کتابت شده است. بعضی از کلمه ها مُعرب، عنوان ها با خط درشت مشکی، در حاشیه تصحیح شده و علامت بلاغ دارد. در آخر جزء اول کتاب انتهایی است که حسن بن سداد حلی

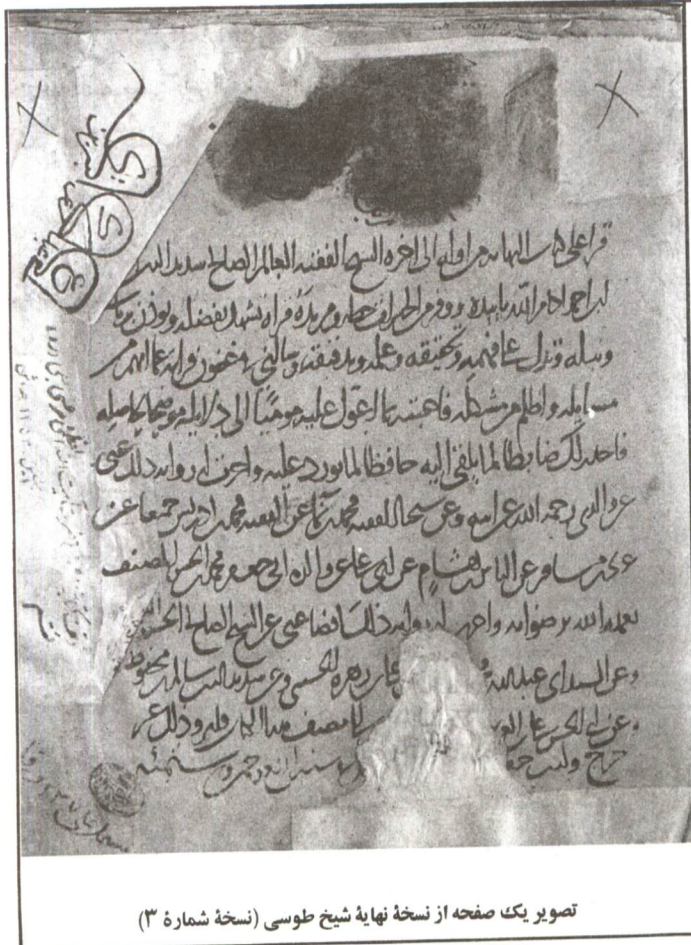
نسخه مؤلف تصحیح و با دو خط علامت بلاغ دارد. در برگي در آغاز نسخه، خط مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی - ره - در سال ۱۳۹۱ ق آمده است که: از محاسن این نسخه آن که با نسخه اصل، به خط مؤلف، مقابله شده و کتاب را مرحوم



مقابله علی بن یحیی بن علی و نیز ورام بن نصر حاضر بوده و حسن بن ابی الفضل بن الحسین ابن الدربی در تاریخ ۵۷۰ و ابن شهریار الخازن و محمد بن علی بن شعره نیز آن را مقابله کرده‌اند. روی برگ دوم نام کتاب و مؤلف آمده و این که با نسخه ابن ادريس، که به خط علی بن محمد بن السکون بوده، مقابله شده است. در پشت برگ ۹ این نسخه، شیخ بهاء‌الدین عاملی دست‌خط و امضای محقق جلی را که اجازه به خط خود برای سدیدالدین ابوالحسن بن احمد به تاریخ ۶۵۴ ق نوشته و در صحافی مقداری از آن رفته است، تصدیق نموده است و نیز در پایان نسخه انتهایی است که محقق جلی در ۱۳ شوال سال ۶۴۵ ق نوشته است. این نسخه دارای ۲۳۷ برگ ۲۰ سطری در ۱۷ × ۱۵ سانتی متر است. این نسخه نیز یکی از معدود نسخه‌های نفیس و قدیمی این کتاب است؛ خصوصاً آن‌که در دو موضع دست‌خط مبارک محقق جلی، صاحب شرائع، در آن آمده و به شماره ۳۱۲۶ در این کتاب‌خانه موجود است.



تصویر یک صفحه از نسخه نهایی شیخ طوسی (نسخه شماره ۲)



تصویر یک صفحه از نسخه نهایی شیخ طوسی (نسخه شماره ۳)

آیه‌الله شیخ ابوالقاسم محمدی گلپایگانی به ایشان هدیه کرده و ایشان در این کتاب‌خانه قرار داده‌اند. روی برگ اول کتاب تملک مرحوم بحر العلوم نجفی حسینی به تاریخ ۲۳ ذیقعد سال ۱۲۹۸ ق نوشته شده است. در ۲۶۰ برگ، با سطور مختلف، اندازه ۱۵ × ۲۴ سانتی متر. این نسخه نیز یکی از قدیمی‌ترین و نفیس‌ترین نسخه‌های خطی موجود به شمار می‌آید و به شماره ۱۸۴۰ در این کتاب‌خانه قرار دارد. ۳- کتاب النهایة. از کتاب‌شناسی این نسخه نفیس و مهم نیز صرف نظر کرده به نسخه‌شناسی آن می‌پردازیم. این نسخه نیز به خط نسخ مُعرب در دهه اول ماه جمادی الاول سال ۵۹۵ ق کتابت شده است. متأسفانه نام کاتب مشخص نیست. عنوان‌های مشککی درشت، در حاشیه تصحیح شده است. پشت برگ اول کتاب صورت آنچه در نسخه ابن ادريس جلی آمده است نقل شده، بدین مضمون که: ابن ادريس مقابله نسخه خود را در نجف اشرف از روی نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۵۷۳ ق به پایان برده و در مجالس



از جانب کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی، به همت تولیت کتابخانه، پا به عرصه مطبوعات نهاد و زمینه‌ای فراهم شد که به این آرزوی دیرین، جامعه عمل بپوشانم.

پیش از ورود به موضوع اصلی این سلسله مقاله‌ها لازم می‌دانم به اختصار به نکاتی درباره کتاب، ارزش، اهمیت و جایگاه آن در اسلام و عالمان و دانشوران، اشارتی کنم، تا تمهید و مقدمه‌ای بر این مقال باشد.

### ارزش کتاب در اسلام

قرآن کریم، معجزه بزرگ پیامبر اسلام و نخستین برنامه علمی و عملی مسلمانان، بیش‌ترین تأکید و ارج‌گذاری را به کتابت و کتاب دارد. نگاهی به آیات و سوره‌هایی که ماده کتاب و اشتقاق آن در آن‌ها به کار رفته، چنان گویاست که نیازی به توضیح و تفصیل ندارد این جایگاه وقتی بیش تر رخ می‌نماید که می‌بینیم خداوند بزرگ، حتی به مواد کتاب: «قلم و دوات» سوگند یاد می‌کند و دستورها و برنامه‌هایی را هم که برای پیامبر اسلام و سایر پیامبران فرستاده کتاب می‌نامد.

پیامبر اسلام نیز بارها بر ارزش و جایگاه کتاب تأکید کرده و این سخن از آن حضرت بسیار مشهور است که فرمود: «قیتدوا العلم بالکتاب»<sup>(۱)</sup>؛ دانش را با نگارش به بند کشید. به عبارت دیگر، دانش را با نوشتن محافظت و ذخیره کنید تا خود و آیندگان بتوانید از آن‌ها بهره‌گیری، زیرا علم و دانستنی‌ها فراوان و فزّار است.

پیشوایان دیگر اسلام و رهبران دینی ما نیز بر این نکته پافشاری کرده‌اند که دانسته‌های خویش را بنویسید تا فراموشتان نشود؛ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: هر یک از اجزای بدن زکاتی دارند، زکات دست و انگشتان نوشتن و یادداشت کردن است. باز از همان حضرت نقل شده است که فرمود: «احتفظوا بکتبکم، فانکم سوف تحتاجون الیها»<sup>(۲)</sup>؛ از کتاب‌ها و نوشته‌های خویش محافظت و پاسداری کنید، زیرا به

## شیفتگان کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

### بخش اول

سی سال پیش، در شهر علم و فضیلت، نجف اشرف، برای نخستین بار با حضرات آیات علامه امینی، صاحب کتاب پراج «الغدیر» و علامه آقا بزرگ تهرانی، صاحب کتاب گران‌قدر «الذریعه»، دو تن از شیفتگان واقعی کتاب، آشنا شدم و معنا و مفهوم عمیق «هواة الکتب» یا «عاشقان کتاب» و یا «شیفتگان کتاب» را دریافتم. انفاس پاک آن بزرگواران مرا به سوی کتاب و عشق به آن سوق داد، چنان‌که از آن تاریخ به صورت مداوم و پی‌گیر به گردآوری و مطالعه کتاب پرداختم و تفحص آثار و تألیفات عالمان و فرزنانگان جهان اسلام و سایر ملل، برنامه اصلی زندگی‌ام شد.

پس از این‌که با حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره الشریف - و فرزند ایشان، حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی و کتابخانه بزرگ آن فقید سعید آشنا شدم، بیش از پیش به ژرفای مفهوم شیفتگان کتاب، پی بردم و از همان زمان به این فکر افتادم که به گردآوری شرح احوال شیفتگان واقعی کتاب در تاریخ اسلام بپردازم و برخی از سخنان و نظریات آنان را در مورد کتاب فراهم آورم، اما در اثر اشتغال فراوان، مدت‌ها از این پژوهش تاریخی محروم ماندم، تا این‌که فصل‌نامه «شهاب»

● مسئول دایرة المعارف کتابخانه‌های جهان، وابسته به کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، و مشاور علمی مجله.  
۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰؛ شهید ثانی، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، ص ۱۵۵.  
۲. همان.

زودی به آن‌ها نیاز پیدا خواهید کرد».

امامان شیعه، نه تنها به دیگران سفارش به نوشتن می‌کردند، بلکه خود نیز، در این راه گام گذاشته‌اند، امام صادق (ع) فرمود: «انّ علیاً (ع) کتب العلم کله و الفرائض؛ علی (ع) همه علوم و فرائض را نوشت.»

از این‌گونه روایات در مورد فضیلت کتاب، تأکید بر نوشتن و ذخیره کردن علوم در کتاب‌ها، فراوان است که مجال پرداختن به آن‌ها در این مقال نیست.<sup>(۱)</sup>

### کتاب از نگاه دانشوران

عالمان دین و دانشوران بزرگ اسلام، به‌ویژه شیفتگان کتاب، در اهمیت و جایگاه کتاب و کتابت سخنان بسیاری دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ذو الرّمّة، شاعر بلند آوازه عرب، به عیسی بن عمر، گفت: شعر مرا بنویس، زیرا کتابت را بیش‌تر از حفظ کردن دوست دارم، به این جهت که دیده شده اگر یک اعرابی، شعری را حفظ کند، سپس کلمه‌ای از آن را فراموش نماید، شب تا صبح بیدار می‌ماند، تا آن کلمه را به یاد آورد و اگر به یادش نیامد، کلمه‌ای هموزن آن کلمه فراموش شده را پیدا می‌کند و در جای آن کلمه قرار می‌دهد و برای مردم می‌خواند، در حالی که اگر آن شعر، ثبت و نوشته شود، نه فراموش می‌شود و نه کسی می‌تواند کلمات آن را تبدیل و تغییر دهد.<sup>(۲)</sup>

۲. ابو عبیده گوید: مهلب در وصیتی به فرزندانش گفت: فرزندانم! هیچ‌گاه در بازارها نایستید، مگر در دو جا که سزاوار است توقف کنید: یکی بر مغازه و زّاق (کتاب یا کاغذ فروش) و یا در مغازه زّراد (زره‌ساز یا کسی که ابزار جنگ می‌سازد). و این توصیه‌ای است در جهت تکمیل فنّ جنگ‌آوری و دانش‌اندوزی.<sup>(۳)</sup>

ابن جهم گوید: هنگامی که خواب، بی‌موقع به سراغم می‌آمد، به یکی از کتاب‌های حکمت پناه می‌بردم و از فایده‌های آن بهره می‌گرفتم و آرامش خاطر می‌یافتم و آن‌گاه که به خواسته‌هایم در آن کتاب دست می‌یافتم، آسایش پیروزمندان‌های در خویش احساس می‌کردم و قلبم شاد می‌شد و خواب از چشمانم رخت برمی‌بست، چنان‌که شدیدترین و هولناک‌ترین صدا هم نمی‌توانست مانند خواندن آن کتاب، خواب را از چشمانم بریاید.<sup>(۴)</sup>

همو گوید: آن‌گاه که کتابی نیکو می‌یافتم و امیدوار بودم که

از آن فایده‌های فراوانی بگیرم، اگر مراد آن حال می‌دید، به خوبی در چهره‌ام، ترس نهفته‌ای را می‌یافتی که نشان می‌داد من، هراسان، هر لحظه به صفحات کتاب می‌نگرم که مبادا زود تمام شود. بر عکس آن‌گاه که کتاب بزرگ و مفصل بود، گویی سرور و شادی وصف‌ناپذیری به من روی آورده و عیش من کامل بود.<sup>(۵)</sup>

۴. عتبی که خود عالمی بزرگ است، از کتابی از قدما یاد کرده و گفته است: اگر آن کتاب بزرگ و پربرگ نبود، آن را استنساخ می‌کردم! ابن جهم که این سخن را شنید، برآشفته و گفت: اما بر خلاف تو که از بزرگی و فراوان بودن اوراق کتاب، فرار می‌کنی، من دوست دارم که کتاب پربرگ باشد، زیرا هیچ‌گاه کتابی بزرگ نخواندم مگر این‌که از آن فایده‌ها و بهره‌ها بردم و خالی از فایده نبود و برعکس نمی‌توانم تعداد کتاب‌های کوچکی را که خوانده‌ام، شماره کنم که از خواندن آن‌ها فایده‌ای نبرده‌ام و به همان شکل از مطالعه آن خارج گشتم که وارد شده بودم.<sup>(۶)</sup>

۵. جاحظ گوید: از حسن لؤلؤی شنیدم که در مورد ارزش و اهمیت کتاب، چنین می‌گفت: چهل سال زندگی کردم و در این مدت هیچ‌گاه به جامه خواب نرفتم و بیدار نماندم و بر چیزی تکیه ندادم و ننشستم، مگر این‌که کتاب بر روی سینه‌ام قرار داشت و می‌خواندم و در همه حال کتاب به همراه بود.<sup>(۷)</sup>

۶. و باز جاحظ گوید: دوستی برایم نقل کرد که نزد عالمی بزرگ، کتابی در اوصاف [قبیله] غطفان می‌خواندم، آن بزرگ گفت: همه مکارم از میان رفته است مگر در کتاب‌ها که باقی مانده است.<sup>(۸)</sup>

۷. خود جاحظ نیز که از شیفتگان کتاب است و شرح حال وی را بعداً خواهیم نگاشت، سخنان بسیاری در مورد کتاب، اهمیت و ارزش آن گفته است که برخی از آن‌ها را در این‌جا می‌آوریم و بقیه را در شرح حال خود او خواهیم نگاشت. او می‌گوید: انسان دانش‌مند نمی‌شود، مگر به واسطه شنیدن

۱. رک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۶۹، باب ۲۲، روایت ۲؛ ج ۳، ص ۵۸، باب ۴، روایت ۱؛ ج ۵، ص ۳۰۰، باب ۱۴، روایت ۴.

۲. جاحظ، ج ۱، ص ۴۱.

۳. همان، ص ۵۱.

۴. همان، ص ۵۳.

۵. همان، ص ۵۳.

۶. همان، ص ۵۳.

۷. همان، ص ۵۲-۵۳.

۸. همان، ص ۵۳.



از اساتید، ناچار باید که کتاب‌ها و نوشته‌هایش، از شنیدنی‌هایش، بیش‌تر باشد، بنابراین، هیچ انسانی عالم نمی‌شود و شاگردانی گرد او فراهم نمی‌آیند و کتاب‌های دیگر را گرد نمی‌آورد، مگر این‌که انفاق مال خودش برای کسب آن‌ها نزدش شیرین‌تر از انفاق مال دشمنانش در این راه باشد.

سپس اضافه می‌کند: آن کس که انفاق مالش در راه کتاب، برایش شیرین‌تر از انفاق عاشقان کنیزکان در راه به دست آوردن آنان نباشد، در علم به جایگاه بلند و پسندیده‌ای نخواهد رسید و از انفاق خود بهره‌ای نمی‌برد، مگر این‌که درباره کتاب، ایثار و از خودگذشتگی از خویش نشان دهد، همان‌طور که یک اعرابی، اسب خویش (یعنی بزرگ‌ترین سند افتخارش) را با یک کاسه شیر برای خانواده‌اش، عوض می‌کند و از خود ایثار نشان می‌دهد.<sup>(۱)</sup>

بهترین تعریف و توصیف از کتاب را، جاحظ، که یکی از شیفته‌ترین عاشقان کتاب است، ارائه داده و در این راه از بهترین، شیواترین و نغزترین کلمات، استفاده کرده است که به اختصار، به این شرح است:

کتاب، بهترین ذخیره و سرمایه، همنشین و دوست، همدم و یار، شغل و حرفه، مونس تنهایی، آشنا در غربت، معاون و وزیر است.

کتاب ظرفی است که لبریز از دانش است و از هرگونه مطالب جدی و جز آن در آن انباشته است، چنان‌که اگر بخواهی می‌توانی از آن استفاده کنی و با خواندن مسائل نادر و ظریف آن شاد شوی و با قرائت مطالب شگفت‌آور و غریب آن دچار حیرت و تعجب شوی و اگر مایل باشی، طرفه‌های آن تو را سرگرم می‌سازد و اگر اراده کنی از مواعظ آن پند و عبرت خواهی گرفت و اندوهگین خواهی شد.

کجا می‌توانی طیبی را از عرب، روم، هند، فارس و یونان مانند کتاب پیدا کنی که در همه حال با تو و همنشین و مراقب توست و چه چیزی را بهتر از کتاب می‌توانی یافت که مطالب و موضوعات و دست‌آورد حامی بشریت را از اول تا آخر، ناقص و کامل، پنهان و آشکار، شاهد و غائب، رفیع و ضعیف، غث و سمین و اجناس و اضداد را یک‌جا در خویش جمع کرده باشد.

کجا بوستانی زیبا و فرحبخش را در یک آستین دیده و کی گلزاری را مشاهده کرده‌ای که به خانه و اتاقی کوچک منتقل شود و چه هنگام سخن‌گویی را دیده‌ای که شرح حال مردگان را

بازگوید و ترجمان زندگان باشد که مانند کتاب باشد.<sup>(۲)</sup> همسایه‌ای نیکوکارتر، معاشرت‌کننده‌ای با انصاف‌تر، رفیقی فرمان‌بردارتر، آموزگاری فروتن‌تر، دوستی با کفایت‌تر و کم‌جنایت‌تر را که کم‌ترین ملال و ناراحتی ایجاد کند، نمی‌شناسم که چون کتاب باشد.

سپس می‌گوید: کسی را نمی‌شناسم که مانند کتاب، پاک‌ترین اخلاق را داشته باشد و کم‌ترین جرم و خلاف را مرتکب شود. همنشینی را نمی‌شناسم که وفادارتر از کتاب باشد. درختی را نمی‌شناسم که عمرش طولانی‌تر از کتاب باشد و چون کتاب خوش‌بوترین میوه بدهد و میوه‌های آن مانند کتاب در دست‌رس باشد.<sup>(۳)</sup>

جاحظ می‌گوید: اگر کتاب تدوین نمی‌شد و حکمت‌ها، دست‌آوردها، دانش‌ها و تجربیات انسان‌ها به شکل کتاب در نمی‌آمد، بیش‌تر آن‌ها فراموش می‌شدند و از میان می‌رفتند و نیروی اهریمنی فراموشی بر دانش و اطلاعات بشری تسلط پیدامی‌کرد و بر جامعه انسانی، سایه می‌گسترده. و اگر انسان‌ها بر قدرت حافظه خویش تکیه می‌کردند و دست‌آوردهای علمی و فکری خویش را در کتاب‌ها ثبت نمی‌کردند، قدرت حافظه، توانایی پاسداری و نگه‌داری آن‌ها را نداشت.<sup>(۴)</sup>

### منابع:

- جاحظ، عمرو بن بحر، *الحيوان*، به کوشش عبدالسلام هارون، بیروت، ۱۳۸۵ هـ. ق / ۱۹۶۵ م.
- شهید ثانی، زین‌الدین علی ابن احمد، *منیة المرید فی آداب المفید* و *المستفید نجف اشرف*، ۱۳۷۰ هـ. ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، ۱۳۸۸ هـ. ق.
- مامقانی، عبدالله، *مقباس الهدایة فی علم الهدایة* و *مستدرکاتها*، به کوشش محمدرضا مامقانی، قم، ۱۴۱۱ هـ. ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- *نشریة سیمینار کتاب و کتابداری* (مجموعه سخنرانیها)، مشهد، ۱۳۶۰ ش.

۱. همان، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۳۸-۴۰.

۳. همان، ص ۴۱-۴۲.

۴. همان، ص ۴۷.

# فهرست‌های فنی کتاب

## ۱. فهرست مآخذ و منابع

### ۱.۱. تفاوت مآخذ و منابع

برخی از استادان نکته‌بین، میان مآخذ و منبع فرق گذارده‌اند. به نظر ایشان مآخذ با مطالب اساسی مرتبط با موضوع پژوهش، ارتباط نزدیک و بدون واسطه دارد؛ مثلاً اگر موضوع پژوهش درباره شاعر یا ادیبی باشد، آثار این ادیب یا دیوان‌های آن شاعر از مآخذ پژوهش به‌شمار می‌آید و آنچه درباره آنان نگاشته شده باشد، منبع محسوب می‌شود.

یا مثلاً اگر پژوهش درباره منطقه‌ای در زمان معین باشد، آنچه در این زمان نگاشته شده و اشعار، خطبه‌ها، وصایا و امثالی که از این زمان به ما رسیده است، از مآخذ پژوهش محسوب می‌شود و آثار پژوهش که درباره این زمان انجام شده، از منابع این پژوهش به‌شمار می‌آید.

بنابراین مآخذ شامل آثار مستند مرتبط با عصری است که به دست ما رسیده است و ما درباره آن عصر پژوهش می‌کنیم. مآخذ ممکن است کتاب، اثر ظاهری، ساختمان یا سند مکتوب باشد. اما منبع، آثاری است که پس از گذشت آن عصر، درباره آن عصر نگاشته شده است و مواد آن برگرفته از مآخذ مختلف مربوط به آن عصر است. هرچه منبع به عصری که شامل آن می‌شود نزدیک‌تر باشد، به مآخذ نزدیکی بیش‌تری دارد و مهم‌تر و دقیق‌تر است، زیرا ما در مورد آرا فقط به منابع مراجعه می‌کنیم، اما مآخذ ما را به شناخت حقایق و آرا هر دو کمک می‌کند. به همین جهت اگر پژوهش‌گر در انجام پژوهش همواره از مآخذ بهره‌جوید، پژوهش ارزش‌مندتر خواهد شد.

برخی آثار هم مآخذ به‌شمار می‌آیند و هم منبع؛ مثلاً کتاب «الکامل فی التاریخ» ابن‌اثیر، نسبت به مطالبی که از آغاز خلقت تا سال ۶۲۲ هجری (۱۲۳۱ م) می‌آورد، منبع به‌شمار می‌آید و نسبت به مطالبی که درباره سال‌های پایانی قرن ششم

دکتر امیل یعقوب

ترجمه و نگارش هادی ربانی

یکی از ویژگی‌های پژوهش روش‌مند، داشتن فهرست‌های پایانی در کتاب است. هر پژوهشی بدون این فهرست‌ها کامل نخواهد بود. فهرست‌های پایانی فایده‌های بسیاری دارد و یکی از معیارهای مهم ارزیابی پژوهش به‌شمار می‌آید. خواننده به کمک این فهرست‌ها می‌تواند به راحتی مطالب مورد نظر خود را، بدون این‌که نیازی به مطالعه تمام کتاب باشد، بیابد. هم‌چنین این فهرست‌ها، حاکی از تسلط و قدرت پژوهش‌گر و نشان علمی بودن اثر است.

فهرست، انواعی دارد و با توجه به موضوع پژوهش تفاوت می‌کند. در هر پژوهشی نیاز به آوردن تمام اقسام فهرست نیست؛ مثلاً فهرست‌هایی که در پژوهش‌های ادبی ضروری است، ممکن است در پژوهش‌های تاریخی غیر مفید باشد؛ مگر برخی از فهرست‌ها که آوردن آن‌ها در هر پژوهش ضروری است؛ مانند فهرست مطالب، فهرست مآخذ و منابع و فهرست اعلام.

مهم‌ترین فهرست‌ها عبارت‌اند از: ۱- فهرست مطالب ۲- فهرست مآخذ و منابع ۳- فهرست اعلام ۴- فهرست آیات قرآن ۵- فهرست احادیث ۶- فهرست اشعار ۷- فهرست اقوال ۸- فهرست اصطلاحات ۹- فهرست مفاهیم ۱۰- فهرست الفاظ ۱۱- فهرست امثال ۱۲- فهرست رویدادها ۱۳- فهرست نقشه‌ها و ...

برخی از این فهرست‌ها را که اهمیت بیش‌تری دارند با اندکی توضیح می‌آوریم:



شهرت آثارشان نیست. به علاوه معمولاً عنوان آثار را بیش تر از پدید آورندگان آنها نمی‌شناسیم.

در این روش، نخست نام مؤلف، به صورت مقلوب (نام خانوادگی، نام) و سپس سایر مشخصات می‌آید.

● کتاب

نام خانوادگی، نام، **عنوان**، محقق یا مترجم، محل نشر: ناشر، تاریخ نشر، نوبت چاپ، تعداد صفحه یا جلد.

● مقاله

نام خانوادگی، نام، **عنوان مقاله**، نام روزنامه یا مجله، دوره یا سال انتشار، شماره، تاریخ.

● پایان‌نامه

نام خانوادگی، نام، **عنوان پایان‌نامه**، عبارت «پایان‌نامه فوق‌لیسانس یا دکترا»، استاد راهنما، استاد مشاور، نام دانشگاه، نام دانشکده، تاریخ.

● گفت و گوهای رادیو تلویزیونی

نام خانوادگی، نام، **عنوان برنامه**، تاریخ برنامه به روز، ماه و ساعت.

● اسناد دولتی

نام کشور، نام مؤسسه‌ای که سند در آن نگه‌داری می‌شود، شماره دوره یا جلسه (اگر سند مجلس نمایندگان یا مانند آن باشد)، **عنوان سند**، مکان انتشار، شماره انتشار، تاریخ انتشار، از ص - ص.

### ۳.۱ نکاتی در تنظیم مآخذ و منابع

- ۱- توضیحات در میان دو قلاب آورده می‌شود.
- ۲- کتاب‌های چند جلدی که هر مجلد آن جداگانه منتشر شده باشد، نخست تاریخ انتشار جلد اول با خط تیره‌ای در کنار و سپس تاریخ انتشار جلد آخر آورده می‌شود.
- ۳- اگر کتاب بیش از یک مؤلف داشته باشد، نام مؤلفان را به دو صورت می‌توان آورد:

الف - نام هر مؤلف به صورت مقلوب (نام خانوادگی، نام شخص) آورده می‌شود و میان هر یک از مؤلفان علامت ویرگول نقطه (!) قرار می‌گیرد.

ب - نام مؤلف اول به صورت مقلوب آورده می‌شود و به جای سایر مؤلفان سه نقطه گذارده می‌شود.

روش دوم برتر است؛ به خصوص اگر مؤلفان بیش از سه نفر باشند. اگر مترجمان و محققان نیز بیش از یک نفر باشند، همین‌گونه عمل می‌شود، بدون آن‌که قلبی در نام آن‌ها صورت گیرد.

۴- اگر نام مؤلف در کتاب نیامده باشد، به جای نام مؤلف،

و سال‌های نخست قرن هفتم آورده، مآخذ شمرده می‌شود. اغلب آثار بزرگ تاریخی، مانند تاریخ طبری، مروج الذهب مسعودی و تاریخ ابن خلدون نیز این‌گونه‌اند.

برخی نیز مآخذ را در معنای وسیع‌تری به کار برده‌اند و آن را بر هر اثری که پیش از رنسانس (۱۷۹۸ م) نگاشته شده اطلاق می‌کنند.

### ۲.۱ روش تنظیم

مآخذ و منابعی در فهرست پژوهش، رساله یا کتاب می‌آید که پژوهش‌گر به نوعی به آن استناد بجوید و یا مطلبی از آن نقل کند. به همین دلیل آن‌چه را پژوهش‌گر در پدید آوردن پژوهش مطالعه کرده و به آن استناد نجسته است، در فهرست نمی‌آورد. برخی فهرست مآخذ و منابع را به لحاظ انواع آن‌ها تقسیم می‌کنند: ۱- کتاب‌های چاپی ۲- کتاب‌های خطی ۳- پایان‌نامه‌های دانشگاهی ۴- دایرةالمعارف‌ها ۵- معجم‌ها ۶- مقاله‌ها ۷- مقدمه کتاب‌ها ۸- مجله‌ها ۹- روزنامه‌ها ۱۰- گفت و گوهای رادیو تلویزیونی ۱۱- مصاحبه‌ها ۱۲- درس‌ها ۱۳- نامه‌ها ۱۴- اسناد رسمی و ...

تقسیمات هر چه بیش تر باشد، دست‌یابی به مآخذ و منابع دشوارتر می‌شود؛ از همین رو باید تا آن‌جا که ممکن است از تعداد تقسیمات کاست و فهرست را به صورت عام‌تر آورد. بنابراین برای تنظیم فهرست مآخذ و منابع دو روش وجود دارد: ۱- قرار دادن یک فهرست برای همه مآخذ و منابع، استفاده از این روش در پژوهش‌های ادبی بهتر است.

۲- مآخذ و منابع به لحاظ انواعی که دارند در فهرست‌های جداگانه تنظیم شوند. استفاده از این روش در پژوهش‌های تاریخی و جغرافیایی مناسب‌تر است.

در هر یک از دو روش، آثار خارجی بدون ترجمه در بخش جداگانه‌ای فهرست و تنظیم می‌شود. هم‌چنین مستقل بودن فهرست نشریات و اسناد بهتر است.

برای مرتب کردن این فهرست‌ها نیز دو روش وجود دارد: - به ترتیب حروف الفبای اول مآخذ و منابع: این روشی است که برخی از مؤلفان در کشورهای اسلامی از آن پیروی می‌کنند. دلیل این گروه مشهور بودن نام کتاب از نام مؤلفان آنان است و اشاره کردن به کتاب گویاتر از اشاره به پدیدآورنده آن است.

- به ترتیب حروف الفبای نام پدیدآورنده: این ترتیب روش پژوهش‌گران غربی است. اغلب پژوهش‌گران معاصر نیز از این روش پیروی می‌کنند. چه بسا این روش مناسب‌تر باشد، زیرا جهانی است. هم‌چنین شهرت پدیدآورندگان کم‌تر از

صفحات بسیاری بطلید، در فصل مستقلی نخست به مآخذ و سپس به منابع پرداخته شود. در این صورت آثار براساس زمان تألیف، طبقه‌بندی می‌شوند. در این فصل گزارش کوتاهی از مآخذ و منابع ارائه می‌شود. این گزارش حاوی نحوه ارتباط میان مآخذ و منابع با موضوع پژوهش است و نظریات، اسلوب و واقع‌بینی مآخذ و منابع مورد بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین به تعداد استفاده از مآخذ و منابع در پژوهش، و مطالبی که پژوهش‌گر هم‌نظر با آنهاست و یا مخالف آن است و ... نیز اشاره می‌شود.

## ۲- فهرست اعلام

در فهرست اعلام نام‌های موجود در متن پژوهش آورده می‌شود. نام، لفظی است که بدان شخص یا چیزی را بخوانند؛ بدون آن‌که برای شناخت مسمای آن نیازی به قرینه باشد. نام به اعتبار تشخص و عدم تشخص معنای آن به خاص<sup>(۱)</sup> و عام<sup>(۲)</sup> تقسیم می‌شود؛ خاص مانند سعید و عام مانند شیر، و به اعتبار لفظ به مفرد<sup>(۳)</sup> و مرکب<sup>(۴)</sup> تقسیم می‌گردد؛ مفرد مانند وحید و مرکب مانند عبدالله. هم‌چنین نام به اعتبار دلالت، به اسم و لقب<sup>(۵)</sup> و کنیه<sup>(۶)</sup> تقسیم می‌شود؛ اسم مانند کاظم و لقب مانند زین‌العابدین و کنیه مانند ابوالحسن.

در فهرست اعلام تمامی نام‌های موجود در اثر آورده می‌شود؛ اعم از نام اشخاص، قبایل، مکان‌ها، حیوانات، گیاهان و ... برخی فهرست اعلام را به چند بخش تقسیم می‌کنند: ۱- فهرست اشخاص، ۲- فهرست قبایل، ۳- فهرست مکان‌ها و ... در پژوهش‌های دانشگاهی مشترک بودن فهرست اعلام توصیه می‌شود؛ مگر آن‌که در پژوهش یا کتابی، فهرست اعلام موجب ضخامت بیش از اندازه حجم آن شود.

فهرست اعلام به ترتیب حروف الفبا تنظیم می‌گردد که به دو صورت انجام می‌گیرد: به ترتیب نام خانوادگی - این روش در کشورهای غربی مرسوم است - و یا به ترتیب نام شخصی. به نظر ما روش نخست برتر است؛ چون این روش در محافل علمی جهان بیش‌تر معمول است. به هر طریق که عمل شود، نام‌هایی

کلمه «مجهول» گذارده می‌شود؛ اما در صورتی که پژوهش‌گر نام مؤلف را بشناسد، آن را در میان دو قلاب [ ] می‌آورد.

۵- مؤلفان قدیمی که نام مشهور آن‌ها شناخته شده‌تر است، نام اصلی آن‌ها را در میان دو پرانتز می‌آوریم؛ مانند شیخ طوسی (ابوجعفر بن الحسن).

۶- اگر کتابی با نام مستعار چاپ شده باشد، همان نام مستعار را فقط در محل نام مؤلف قرار می‌دهیم؛ اما اگر نام حقیقی مؤلف را بشناسیم، نخست نام مستعار را می‌آوریم و بعد نام اصلی مؤلف را در میان دو قلاب [ ] قرار می‌دهیم؛ مانند ه. ا. سایه [هوشنگ ابتهاج].

۷- ذکر نوبت چاپ کتاب مهم است، چون صفحات کتاب گاهی در چاپ‌های مختلف تغییر می‌کند. هم‌چنین لازم است بهترین و جدیدترین چاپ، مورد استفاده قرار گیرد، و هرگاه پژوهش‌گر ناچار به استفاده از دو چاپ باشد، اشاره به هر دو چاپ لازم است.

۸- عنوان کتاب باید به صورت کامل ثبت شود؛ اگرچه به صورت کامل روی جلد کتاب نیامده باشد. هم‌چنین کتاب در صورت داشتن عنوان فرعی، آوردن آن نیز لازم است؛ البته آنگاه که بتوان از طریق عنوان فرعی به محتوای کتاب آگاهی بیش‌تری دست یافت.

۹- اگر کتابی ناشر آن بیش از یکی باشد و یا محل چاپ آن متفاوت باشد، بهتر است همه ناشران و یا محل‌های چاپ آورده شود. یا می‌توان به مهم‌ترین ناشر و محل چاپ اشاره کرد، و یا ناشر و محل چاپی که نخست آمده، آن را آورد.

۱۰- در صورت نبودن نام ناشر، نام چاپ‌خانه به جای آن آورده می‌شود، و اگر هر دو در کتاب نیامده باشد، نوشته می‌شود: [بی‌نا].

۱۱- اگر نام ناشر و محل نشر در کتاب نیامده باشد و پژوهش‌گر از آن آگاه باشد، آن‌ها را میان دو قلاب [ ] می‌آورد.

۱۲- اگر مؤلف بیش از یک کتاب داشته باشد، نام آثار مؤلف یا به ترتیب حروف الفبای نام کتاب‌ها می‌آید و یا به ترتیب زمان تألیف کتاب‌ها براساس چاپ اول هر کتاب. نام مؤلف نیز فقط یک بار همراه با کتاب اول می‌آید. در کتاب‌های بعدی به جای نام مؤلف خط تیره گذارده می‌شود.

## ۴.۱. ارزیابی مآخذ و منابع

خوب است پژوهش‌گر مآخذ و منابعی را که در پژوهش به آن‌ها استناد می‌جوید، ارزیابی نماید. این ارزیابی در مقدمه پژوهش انجام گیرد. البته بهتر است در صورتی که این کار

۱. نامی است که بر فرد مخصوص و معین دلالت کند.

۲. نامی است که شامل اشخاص یا اشیای هم‌جنس می‌شود.

۳. نامی است که دارای بیش از یک جزء معنادار نباشد.

۴. نامی است که در عین برخوردار از مفهوم واحد، بیش از یک جزء داشته باشد.

۵. نامی است که دلالت بر مدح یا ذم شخص کند.

۶. نامی است غیر از اسم اصلی شخص که به منظور تعظیم و تکریم می‌آورند و در آغاز آن لفظ اب یا ابن یا ام یا بنت می‌آید.



۵- نامی که در چند صفحه تکرار شده باشد، نخست شماره کوچک تر و بعد شماره صفحات دیگر به ترتیب به دنبال آن می آید و در میان شماره صفحات خط تیره گذاشته می شود؛ مانند:

ارسطو ۶۰، ۷۱، ۹۵، ۱۵۰

### ۳. فهرست آیات

در پژوهش های دینی، نحوی، لغوی و ... فهرست آیات قرآن ضروری و بسیار مهم است. فهرست آیات براساس ترتیب آن ها در سوره ها، تنظیم می یابند: فاتحه، بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس و ... تنظیم فهرست آیات قرآن چنین است. نام سوره، شماره آن، آیه، شماره آیه، شماره صفحه ای که آیه در آن آمده است؛ مانند:

سوره	شماره سوره	آیه	شماره آیه	صفحه
آل عمران	۳	ان الدین عندالله الاسلام	۱۹	۲۵
ابراهیم	۱۴	و یضرب الله الامثال للناس	۲۵	۵۴
کهف	۱۸	و قل الحق من ربکم	۲۹	۱۲۲
الزمر	۳۹	قل هل یتسوی الذین یعلمون و	۹	۳۷، ۲۰
فصلت	۴۱	ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات	۸	۱۱

### ۴. فهرست احادیث

فهرست احادیثی که در متن پژوهش به کار رفته است، براساس الفبای آغاز آن ها تنظیم می گردد و در برابر هر حدیث شماره صفحه ای که حدیث در آن صفحه آمده، قرار می گیرد. یادآوری این نکته لازم است که در تنظیم فهرست احادیث الف و لام آغاز احادیث در نظر گرفته نمی شود و حرف پس از الف و لام ملاک قرار گرفتن در فهرست است.

۵۱	اطلبوا العلم ولو بالصین
۲۵	عقل و توکل
۱۲۰	إنما الاعمال بالنیات
۷۳	الجنة تحت اقدام الأمهات
۳۴۵	الکبائر: الاشراک بالله، و عقوق الوالدین، و ...
۹۸	المؤمن لا یؤارب

### ۵. فهرست اشعار

شعر سخن موزون و غالباً دارای قافیه است که حاکی از احساس و تخیل باشد. اشعار به کار رفته در متن پژوهش در فهرستی هم چون فهرست احادیث به ترتیب الفبای آغاز آن ها مرتب می شوند و شماره صفحه ای که شعر در آن صفحه به کار رفته در

که لفظ این، اب و ام در آغاز آن ها می آید، در فهرست اعلام در حرف الف در جای خود تنظیم می گردد؛ اما اگر این نام ها، - این، اب و ام - در میان دو علم آمده باشد، در فهرست اعلام قرار نمی گیرد.

در فهرست اعلام نامی که مشهورتر است، مورد استفاده قرار می گیرد و نام اصلی داخل پرانتز می آید؛ مانند شیخ طوسی (ابوجعفر محمد بن الحسن). اما اگر کسی به هر دو نام شهرت داشته باشد، هر دو نام در فهرست اعلام قرار می گیرد. نامی که مشهورتر است شماره صفحه در مقابل آن آورده می شود و نام دیگر به نام مشهورتر ارجاع داده می شود؛ مانند:

صدرالدین شیرازی ← ملاصدرا

۲۵، ۴۷، ۸۹، ۱۵۱

ملاصدرا

فهرست اعلام را در حالی به پایان می رسانیم که در مقابل نام ها، شماره صفحه ای که در آن ها آمده اند، می آوریم. گفتنی است در صورتی که نامی در پژوهش بسیار تکرار شده باشد، هم چون که گویی آن موضوع پژوهش است، در این صورت می توان از آوردن آن در فهرست اعلام صرف نظر کرد، البته اشاره به این نکته لازم است.

### چند نکته

- ۱- در نام های خارجی بهتر است در مقابل نام، لاتین آن نیز نوشته شود.
- ۲- به منظور صرفه جویی در کاغذ، بهتر است فهرست اعلام به شکل دو ستون عمودی در هر صفحه آورده شود.
- ۳- در صورتی که شرح حال کسی در متن یا در حاشیه پژوهش آمده باشد، در فهرست اعلام در مقابل شماره صفحه ای که شرح حال در آن صفحه آمده است، ستاره یا علامت پیگیری قرار می گیرد. علامت ستاره در فهرست اعلام بدین معناست که برای آگاهی از شرح حال آن نام باید به کدام صفحه مراجعه کرد.
- ۴- در تنظیم فهرست اعلام الف و لام نام ها در نظر گرفته نمی شود و حرف پس از الف و لام ملاک قرار گرفتن در فهرست اعلام است. هم چنین چنانچه در نوشتن نامی چند صورت ممکن باشد - مانند هارون، اسحاق، عبدالله، طه - اگر نام رسم الخط واحدی داشته باشد، از آن پیروی می کنیم؛ مانند طه. اما چنانچه نام به دو شکل مختلف نوشته می شود - مانند هارون، هرون و اسحاق، اسحق - در این حال هر دو صورت در فهرست اعلام می آید. در مقابل آن که مشهورتر است، شماره صفحه قرار می گیرد و دیگری به مشهورتر ارجاع داده می شود؛ مانند:

هارون ۵۷، ۱۰۵، ۲۰۹

هرون ← هارون

کنار مصرع دوم هر بیت قرار می‌گیرد؛ مانند:

بر بساط نکته‌دانان خودفروشی شرط نیست

- یا سخن دانسته‌گوی ای مرد عاقل یا خموش ۲۹  
 به کوی عشق بی‌دلیل ره منه قدم  
 که من به خود نمودم صد اهتمام و نشد ۳  
 به نزد من آن کس نکوخواه تست  
 که گوید فلان خار در راه توست ۴۲  
 دلا در عاشقی ثابت قدم باش  
 که در این ره نباشد کار بی‌اجر ۱۷  
 سعی نابرده در این ره به جایی نرسی  
 مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد بپر ۴۱

### ۷. فهرست مطالب

آوردن این فهرست در هر پژوهش یا کتابی لازم است. فهرست مطالب شامل عناوین باب‌ها، فصل‌ها، بخش‌ها و ... است؛ همراه با شماره صفحه در مقابل آن‌ها. این فهرست می‌تواند در آغاز پژوهش قرار گیرد و یا در پایان آن. در این فهرست آوردن همه عناوین موجود در پژوهش لازم است، اعم از این‌که عنوان اصلی باشد یا فرعی.

عناوین اصلی در یک ردیف و عناوین فرعی با اندکی تورفتگی آورده می‌شود. برخی، عناوین اصلی را شماره گذاری می‌کنند و عناوین فرعی را با شماره‌ای فرعی با مقداری تورفتگی در کنار شماره عناوین اصلی قرار می‌دهند؛ مانند فهرست ذیل.

### فهرست مطالب

۹	۱
۱۴	۱.۱
۱۸	۲.۱
۲۵	۱.۲.۱
۳۱	۲.۲.۱
۴۰	۳.۱
۴۸	۲
۵۹	۱.۲
۶۷	۱.۱.۲
۷۶	۲.۱.۲
۸۵	۳.۱.۲
۹۳	۲.۲
۱۰۶	۳
۱۱۸	۱.۳
۱۲۹	۲.۳
۱۳۷	۳.۳
۱۴۳	۱.۳.۳
۱۵۲	۲.۳.۳
۱۶۷	۳.۳.۳
۱۸۰	۴.۳.۳

### ۶. فهرست اصطلاحات

اصطلاحات مجموعه‌ای از کلمات تخصصی و فنی در هر رشته‌ای از علوم است و آن لفظی است که در هر علمی معنای خاصی، غیر از معنای لغوی، برای آن در نظر می‌گیرند. در نحو مانند مسند، مسندالیه، مبتدا، خبر، فاعل، مفعول و ... در بیان مانند حقیقت، مجاز، تشبیه، کنایه، استعاره و ... در فلسفه مانند ماهیت، وجود، علت، معلول، قوه، فعل و ...

فهرست اصطلاحات معمولاً در پژوهش‌های اختصاصی آورده می‌شود؛ مانند: نحو، عروض، بیان، فلسفه، کلام، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ...

در این فهرست، اصطلاحات براساس الفبای آغاز آن‌ها تنظیم می‌گردد و در برابر هر اصطلاح شماره صفحه‌ای که اصطلاح در متن پژوهش به کار رفته می‌آید. برخی نیز پیش از آوردن شماره صفحه، تعریفی از اصطلاح ارائه می‌دهند. چنین کاری بر ارزش پژوهش می‌افزاید و در واقع فهرست اصطلاحات را به فرهنگ کوچکی در موضوع خود تبدیل می‌کند، مانند: (۱)

اتحاد	۱۴۰، ۵۵، ۵۰
اختیار	۲۷۸، ۲۷۶، ۱۹۶، ۸۳
استدلال	۳۵۵، ۲۵۰، ۱۵۰، ۹۷، ۷۹، ۷۱، ۴۹، ۱۰
بسیط	۳۰۶، ۲۶۱
پدیدارشناسی	۱۷۷
تأویل	۳۵۱، ۲۵۸، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۱۰، ۲۰۹، ۱۲۰، ۱۱۸
تباین	۳۸۶، ۳۵۸، ۳۵۷، ۲۳۶، ۱۷۴، ۱۵۳، ۴۲، ۲۵
جوهر	۱۴۲، ۱۳۴، ۷۶
حاذق	۳۳۰، ۳۲۳، ۲۴۱
ذهن	۱۰۹، ۱۰۶، ۶۳، ۳۰

۱. این فهرست از کتاب «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام»، نوشته دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، ص ۴۱۲-۴۲۸ گرفته شده است.



# سوگندنامه

## نویسندگان مسلمان

محمد اسفندیاری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

من، نویسنده مسلمان، با علم به اینکه سوگند یاد کردن به نام خداوند، بس بزرگ و تعهد آفرین است، به نام خداوند دانا و شنوا سوگند یاد می‌کنم که به آنچه در «سوگندنامه نویسندگان مسلمان» آمده است، عمل کنم:

- گمراه کردن مردم را گناهی بزرگ دانم و از نوشتن هر مطلب گمراه کننده، هرچند از زبان دیگری، دوری جویم و همت خود را به هدایت مردم معطوف سازم.

- برای مردم چیزی بنویسم که نیاز دارند، نه هرچه می‌پسندند.

- پاسدار ارزشهای اخلاقی باشم و از درج مطالب غیر اخلاقی، گو اینکه از زبان دیگری، پرهیزم و عفت قلم را پاس دارم.

- فضل تقدّم دیگران را انکار نکنم و کوششهای گذشتگان را کوچک نشمارم.

- از حق نهراسم و شجاعت پذیرفتن و دانستن داشته باشم.

- سخن دیگری را تعبیر به سوء نکنم و، فراتر از آن، آن را حمل به صحت کنم.

- آنچه را می‌دانم، در مقابل آنچه نمی‌دانم، نمی‌ازیمی و کمی از بسی بدانم.

- شجاعت حق گفتن و شهادت حق نیوشیدن داشته باشم و از این و آن نهراسم.

- در تنویر عقول و تطهیر نفوس بکوشم.

- قلمم را نفروشم و برای خوشداشت و بدداشت کسی سخن نگویم.

- گسترش علم، ارتقای سطح علمی مردم و مبارزه با جهل را بر خود فرض شمارم.

- در اندیشه آن نباشم که کسی سختم را نمی‌پذیرد، دربند آن

- تقوای فکری را بس بزرگ و بزرگترین فریضه بشمارم.

- از پرگفتن و یاوه گفتن پرهیزم و کم و پرورده بگویم.

- درباره هیچ موضوعی غلو و تقصیر نکنم.

- حُسن بیان را جانشین قوت برهان نکنم.

- آنچه را نمی‌دانم، نپذیرم و، نیز، انکار نکنم.

- حقیقت را فدای مصلحت نکنم و آن را برتر از هر مصلحتی بدانم.

- حق را از هر کسی، گرچه اهل باطل، بپذیرم و باطل را از هیچ کس، گرچه اهل حق، نپذیرم.

- حق را فدای هیچ کس، هرچند عزیز باشد، نکنم و آن را عزیزتر از هر عزیزی بدانم.

- اختلاف افکار را به رسمیت بشناسم و از تحمیل عقیده بر دیگری پرهیزم.

- هیچ مسلمانی را تکفیر نکنم و هیچ سخنگویی را به سخنی که نگفته است، منسوب و محکوم نکنم.

- در دوستی و دشمنی عدالت بورزم و در بیان خوبیها یا بدیهای هر کس انصاف بدهم.

- از سفسطه و مغالطه پرهیزم و هیچ کس را اغرا و اغوان نکنم.

- راه بر اندیشه‌های دیگران نبندم و آزادی اندیشه و بیان را پاس دارم.

دیگر آن غفلت نورزم و از یکسونگری پرهیزم.  
 - درباره آنچه نمی دانم و یا دانسته هایم کافی نیست، توقف کنم  
 و از اظهار نظر پرهیزم.  
 - به تحسین ارباب اغماض و تقبیح اصحاب اغراض التفات نکنم.  
 - ماورای فکر خود را ماورای حقیقت قلمداد نکنم.  
 - چنانکه خوب سخن گفتن را می آموزم، خوب سخن شنیدن را  
 بیاموزم.  
 - به پر بار بودن نوشته ام بیندیشم، نه پر برگ بودن آن.  
 - با حب و بغض داوری نکنم و، نیز، در داوری درنگ و از  
 شتابزدگی و پیشداوری و یکسونگری و مطلق بینی  
 دوری کنم.  
 - راه سوء استفاده از نوشته هایم را ببندم و اجازه ندهم که سوء  
 استفاده کنندگان دستاویز سوئی از آن بسازند.  
 - به دانسته های خود اقتصار و از دانسته های دیگران اعراض  
 نکنم، بلکه دانسته های دیگران را به دانسته های خود  
 اضافه کنم.  
 - تحریف و تقطیع حقیقت را گناهی بزرگ شمارم و قلم بدان  
 نیالایم.  
 - آنچه را می دانم تجاهل نکنم و آنچه را نمی دانم از گفتن  
 نمی دانم شرم نکنم.  
 - حقگویی و تلخگویی را یکی نپندارم: هر سخن تلخی را حق  
 شمارم و هر سخن حقی را - که خود تلخ است - با تلخ گفتن،  
 تلختر نکنم.  
 - برای کسب شهرت ذره ای از حقیقت فاصله نگیرم.  
 - نکوهش دانش مندان را سخت تر از کیفر قدرتمندان بدانم.  
 - از تسبلی ذهنی دوری کنم و با پذیرش سخنها ی قالبی  
 و کلیشه های رایج، خود را از اندیشیدن معاف نکنم.  
 - تعصب نورزم و رخصت ندهم که دیگران نیز، حتی برای من،  
 تعصب بورزند.  
 - سخن کسی را به جای برهان قبول نکنم و به دیگری نیز  
 نقبولانم و خود نیز ادعای بدون دلیل نکنم.  
 - حق را بزرگتر از خود شمارم و از خود بزرگ بینی دوری  
 جویم و خود را معیار حق و باطل نپندارم و استبداد به رأی را  
 ناروا دانم.

باشم که سخنم در واقع صحیح باشد.  
 - کتمان حق و سکوت از حق را گناهی بزرگ شمارم و، هرگز،  
 بدان تن ندهم.  
 - علم را با حلم بیامیزم و رفق و مدارا پیشه سازم و شرح صدر  
 داشته باشم.  
 - علم را بزرگترین سرمایه دانم و آن را به پای سرمایه داران  
 نریزم.  
 - فهم حق را در انحصار خود و همفکرانم ندانم.  
 - آبروی همگان را محترم بشمارم و کسی را هتک نکنم.  
 - لغزش قلم را از لغزش زبان سهمگینتر بشمارم و در نوشتن به  
 خود سخت بگیرم.  
 - در بیان حق صریح باشم و مدهانه نکنم.  
 - سخن درست بگویم و درست، سخن بگویم و یا سخن نگویم.  
 - حق را به اشخاص نسنجم، بلکه اشخاص را به حق بسنجم.  
 - حقگرا باشم، نه شخصگرا.  
 - آنچه را می دانم بزرگ بشمارم و آنچه را نمی دانم خوار ندانم.  
 - خود را به ادب نفس بیارایم و زبانم را به دروغ و استهزا  
 و ناسزا و دیگر آفات نیالایم.  
 - با مغز دیگران نیندیشم و از تقلید دوری کنم. استقلال رأی  
 داشته باشم و از سر تحقیق سخن بگویم.  
 - همه حقیقت را بگویم، نه جزئی از آن را و، هرگز و هیچگاه،  
 جزئی از حقیقت را همه حقیقت وانمود نکنم.  
 - برای بزرگ نمودن خود، دیگران را کوچک نکنم.  
 - به دیگران، بویژه همگنان خود، حسد نورزم و عرصه رقابت  
 را از حسادت بپیرایم.  
 - برای به چنگ آوردن حقیقت به هر جایی چنگ اندازم  
 و سخت بکوشم.  
 - در مقابل کسی که زبانش بسته است، زبان را بسته دارم.  
 - خانواده و جامعه خود را معیار حق و باطل بشمارم.  
 - به درستی آنچه می نویسم یقین داشته باشم و از گمان  
 دوری گزینم.  
 - از حقیقت، بد دفاع نکنم و به باطل، بد حمله نکنم.  
 - چون سخن نسنجم، از جوابش نرنجم.  
 - با نگریستن به یک طرف یک موضوع، از نگریستن به طرف



- مدح و تملق نگویم و نشنوم.

- برای کسب قدرت و یا تقرب به ارباب قدرت و یا خوشداشت اهل قدرت از حقیقت فاصله نگیرم.

- اکثریت و اقلیت را معیار حق و باطل قلمداد نکنم. در پی حق باشم، گرچه پیروان آن در اقلیت باشند؛ و جانب باطل نباشم، گرچه جانبداران آن در اکثریت باشند.

- اگر لازمه حق گفتن، خُرد شدن باشد، به آن گردن نهم؛ اما اگر لازمه بزرگ شدن، باطل گفتن باشد، به آن تن ندهم.

- به سخن بنگرم، به سخنگو ننگرم.

- درباره هیچکس گزافه نگویم و کسی را به افراط نستایم و از بزرگان اسطوره نسازم و آنان را بزرگتر از آنچه هستند نشان ندهم.

- هیچ مقام و فضیلتی را، که خود کسب نکرده‌ام، انکار و از بزرگان سلب نکنم.

- با انگشت آلوده، بر عیب دیگران انگشت نگذارم و، مراقب باشم که، با انگشت بر عیب دیگران گذاشتن، انگشت خود را آلوده نکنم.

- عمومی کردن علم را با عامیانه کردن علم خلط نکنم و از عوامزدگی و عوامفریبی دوری جویم.

- برای دانا نمودن خود با داناتر از خود نستیزم.

- دل را با زبان و زبان را با عمل یکی کنم.

- برای احقاق حق، باطل نگویم و برای ابطال باطل، جز حق نگویم.

- انتقاد پذیر باشم و، فراتر از این، به انتقاد از خود پردازم و به اشتباه خود اعتراف کنم و آن را بنوشانم.

- اندیشه را با اندیشه پاسخ بگویم و از اُشتمم پرهیزم.

- از نو بودن سخنی نهراسم و آن را انکار نکنم؛ چنانکه کهن بودن نظری را دلیل درستی آن نشمارم.

- گفتم بر اندیشه‌ام پیشی نگیرد. اول ببندیشم، وانگهی بگویم؛ نه آنکه نخست سخن بگویم و سپس به آن ببندیشم.

- آنچه را نمی‌دانم، نگویم و هرچه را هم می‌دانم، نگویم.

- از ترس و طمع پرهیزم تا بتوانم حق بگویم.

- تقدّم فضل را در فضل تقدّم ندانم و حجاب معاصرت را به کنار زنم.

- درست سخن بگویم، درشت سخن نگویم.

- اندیشه درست را در حاصل ضرب اندیشه‌ها بدانم.

- در انتخاب یارد و قبول عقیده‌ای، سود و زیان شخصی خود را دخالت ندهم.

- با گفتن حق، اراده باطل نکنم.

- شجاعت علمی داشته باشم و از رد سخن رایج - که نادرست است - و قبول سخن نادر - که درست است - نهراسم.

- سخن دیگری را به خود، همچنین سخن خود را به دیگری، نسبت ندهم.

- از قلم بیشتر نسازم و کسی را با آن نیازارم.

- چنان نویسم که، لااقل، به یک بار خواندن بیرزد.

من، نویسنده مسلمان، با علم به اینکه

«مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ

عَتِيدٌ»، این سوگندنامه را - که بر پایه

آموزشهای اسلامی فراهم آمده و بیانگر

«آیین اخلاقی نگارش» است - پاس

می‌دارم و متعهد می‌شوم به آنچه

سوگند یاد کردم، جامه عمل پوشم.

وَاللّٰهُ عَلٰی مَا نَقُولُ وَكِيلٌ.

### تذییل و توضیح

سوگندنامه نویسندگان مسلمان، تعهدنامه نویسندگان به خداوند

دانا و شنواست که چگونه بنویسند و چنان ننویسند. درباره این

سوگندنامه تذکر نکاتی چند بایسته می‌آید که باختصار می‌گویم

و از خواننده این متن فروتنانه می‌خواهم که در آن تأمل کند. باری

نخواهم در این نوع گفتن بسی

که حرفی بس ارکار بندد کسی

یکم: سوگندنامه نویسندگان مسلمان، به طور ضمنی، بیانگر

«آیین اخلاقی نگارش» (و به عبارت دیگر «ادب نویسندگی»)

است. (۱) شگفت است که درباره «آیین نگارش»، فراوان سخن

۱. از این رو اگر کسی لازم نمی‌بیند که سوگند یاد کند تا بدین متن عمل کند، مطالعه آن را، بلکه دقیق شدن در آن را، رها نکند. چه، چنانکه اشارت رفت، این سوگندنامه مشتمل بر آیین اخلاقی نگارش (ادب نویسندگی) است و از هر نویسنده‌ای انتظار می‌رود که این اصول اخلاقی را بداند و به کار بندد. اضافه کنیم که از هر خواننده‌ای هم انتظار می‌رود که از نویسندگان انتظار داشته باشد که بدین اصول اخلاقی وفادار باشند.

دارند و اینان دست در مغز یک ملت، بلکه ملت‌ها. قصور و تقصیر آنان فراتر از این نیست که منجر به مرگ انسان می‌شود؛ اما قصور و تقصیر اینان منجر به مرگ انسانیت می‌شود. پس با نظر به اهمیت نویسندگی و خطیر بودن این حرفه، لازم بود که متنی به عنوان سوگندنامه نویسندگان فراهم شود و هر نویسنده‌ای بدان سوگند یاد کند و از این رهگذر ضمن آگاه شدن به وظایف خویش، متعهد به انجام آن گردد. الحمدلله الّذی هدینا لهذا.

**چهارم:** ممکن است گفته شود که سوگندنامه باید کوتاه باشد تا ممکن شود که چند نفر در فرصتی کوتاه (در یک جلسه)، آن را بخوانند و بدان سوگند یاد کنند، اما سوگندنامه حاضر بلند است و ممکن نیست که چند نفر در یک جلسه بتوانند به آن سوگند یاد کنند. خاطر نشان می‌کنیم که سوگندنامه حاضر به گونه‌ای فراهم شده که با خواندن بند اول آن - که کوتاه است - سوگند به سراسر متن محقق می‌شود. پس بدین جهت اشکالی بدین متن نیست. اما این بنده بعمد متن این سوگندنامه را مختصر نکرده و به کلی‌گویی نپرداخته است. چه، مقصود این بوده که نویسندگان به همه اصول و فروع و جزئیات اخلاق نگارش آگاه شوند و دقیقاً بدانند که باید چسان بنویسند و چگونه بنویسند. در اینجا کلی‌گویی (بیان اینکه نویسندگان باید حق بنویسند و از باطل دوری کنند و ...)، چندان کارآمد و مفید نیست. لازم است نویسندگان به یکایک وظایف خویش متفطن شوند و خوب بدانند که با این سوگند، عهده‌دار چه وظایفی می‌شوند.

**پنجم:** سوگندنامه نویسندگان مسلمان بر پایه آموزشها و ارزشهای اسلامی فراهم آمده و متکی به قرآن و حدیث است. می‌توان ببیند این سوگندنامه را شرح کرد و کتابی مفصل در شرح همه آن نگاشت. خوانندگان این متن مطمئن باشند که «آنچه را نمی‌دانم، نپذیرم و، نیز، انکار نکنم»، برگرفته از چند

گفته و مقاله و کتاب نوشته شده است، اما درباره «آیین اخلاقی نگارش»، بسیار کم سخن رفته و شاید هم بتوان گفت که سخن نرفته است. این در حالی است که «ادب نفس» مهمتر از «ادب درس» است و «آیین اخلاقی نگارش» مهمتر از «آیین نگارش» است و «سخن درست گفتن» مهمتر از «درست سخن گفتن».

این را نیز بگوییم که همه گناهان را به سه بخش می‌توان تقسیم کرد: گناهان فکری (چون کفر و شرک)، گناهان قلبی (چون بخل و حسد) و گناهان عملی (چون قتل و ظلم). شرط پرهیز از گناهان فکری، تقوای فکری است و شرط پرهیز از گناهان قلبی، تقوای اخلاقی و شرط پرهیز از گناهان عملی، تقوای عملی. از میان اقسام گناهان، گناه فکری بزرگتر و سهمگینتر از دیگر گناهان است؛ چنانکه از میان اقسام تقوا، تقوای فکری مهمتر از دیگر اقسام تقوا و رکن آنهاست. مقصود از بیان این نکته این است که بر هر نویسنده مسلمان فرض است که از گناهان فکری پرهیزد و خود را به تقوای فکری بیاراید. و سوگندنامه نویسندگان مسلمان، به طور ضمنی، بیانگر «اصول تقوای فکری» است و هر که آن را به کار بندد، تقوای فکری را رعایت کرده است.

**دوم:** تا آنجا که اینجانب می‌داند و کندوکاو کرده است، تاکنون متنی به عنوان سوگندنامه نویسندگان و یا سوگندنامه نویسندگان مسلمان و یا مانند آن، فراهم نشده است. متن حاضر نخستین نوشته‌ای است که در این باره فراهم آمده و لذا چندان انتظار نمی‌رود که کامل و جامع باشد. البته نویسنده در این باب بسیار تأمل کرده و کوشیده است که این سوگندنامه جامع ویژگیهای مهم یک نویسنده مسلمان باشد. حداقل اینکه متن حاضر می‌تواند دستمایه‌ای برای تدوین متنی کاملتر، و شاید هم مختصرتر و فشرده‌تر، باشد.

**سوم:** عجیب است که در جهان، از جمله در جهان اسلام، چندین سوگندنامه پزشکی فراهم شده و پزشکان موظفند که پیش از اشتغال بدین فن سوگند یاد کنند،<sup>(۱)</sup> اما تاکنون سوگندنامه نویسندگان فراهم نشده است. با اینکه حرفه نویسندگی مهمتر و خطیرتر از حرفه پزشکی است و حتی پزشکان نیز به این نکته معترفند. اشتغال پزشکان به جسم انسانها و اشتغال نویسندگان به روان آنهاست. آنان دست در نبض چند بیمار

۱. از جمله می‌توان به سوگندنامه بقراط و سوگندنامه مونپلیه و سوگندنامه عساف و سوگندنامه شورای نظام پزشکی فرانسه و سوگندنامه ژنو و سوگندنامه دانشکده پزشکی تهران اشاره کرد. سوگندنامه ژنو مصوب مجمع عمومی انجمن پزشکی جهانی در سپتامبر ۱۹۴۸ در ژنو است. سوگندنامه‌های فوق در کتاب ذیل آمده است: ابوتراب نفیسی، تاریخ اخلاق پزشکی (دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۱). ص ۱۸۶-۱۹۸.



آیه قرآن و چند حدیث است. تنها بخش دوم این بند (انکار نکردن آنچه نمی دانیم)، موضوع مقاله ای است از استاد مرتضی مطهری که در هشت صفحه به آن پرداخته است.<sup>(۱)</sup> نویسنده دیگری نیز در همین باره مقاله ای نوشته است در سی و شش صفحه و بتفصیل از آن سخن گفته و آیات و روایات متعددی در ذم انکار کردن ندانسته ها آورده است.<sup>(۲)</sup>

همچنین این بند سوگندنامه که «چون سخن نسجم، از جوابش نرنجم»، با الهام از این حدیث امیرالمؤمنین است:

مَنْ قَالَ مَا لَا يَنْبَغِي سَمِعَ مَا لَا يَشْتَهِي.<sup>(۳)</sup>  
هر که بگوید آنچه را سزاوار نیست، بشنود آنچه را خواستار نیست.

و نیز با الهام از این حدیث آن حضرت است:

نَكِيرُ الْجَوَابِ مِنْ نَكِيرِ الْخِطَابِ.<sup>(۴)</sup>  
ناخوشایند بودن جواب از ناخوشایند بودن خطاب است.

و نیز با الهام از این حدیث آن حضرت است:

لَا تَقُولَنَّ مَا يَسُوءُكَ جَوَابُهُ.<sup>(۵)</sup>  
مگو آنچه را جوابش ناخوشایند توست. و نیز با الهام از این حدیث آن حضرت است:

أَجْمِلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ.<sup>(۶)</sup>  
خطابتان را نیک کنید تا جواب نیک بشنوید.

و نیز با الهام از این حدیث آن حضرت است:

لَا تُسِئِ الْخِطَابَ فَيَسُوءَكَ نَكِيرُ الْجَوَابِ.<sup>(۷)</sup>

خطاب بد مکن که جواب بد ناراحتت کند.

چنانکه فردوسی گفته است:

نگر تا چه کاری همان بدروی

سخن هرچه گویی همان بشنوی

و نیز گفته است:

کسی کو خریدار نیکی بود

نگوید بدی تا بدی نشنود

و سعدی گفته است:

مگوی آنچه طاقت نداری شنود

که جوگشته گندم نخواهی درود

و نیز گفته است:

آن گوی که طاقت جوابش داری

گندم نبوی به خانه چون جوکاری

و نیز گفته است:

هر که سخن نسجد از جوابش برنجد.

و ناصر خسرو گفته است:

مگو ناخوش که پاسخ ناخوش آید

به کوه آواز خوش ده تا خوش آید

و نیز گفته است:

آنچه خواهی که مدریش مکار

وانچه خواهی که مشنویش مگوی

و صائب گفته است:

دهن خویش به دشنام میالا زنهار

کاین زر قلب به هر کس که دهی باز دهد

و عنصر المعالی گفته است:

خوب گوی تا خوب شنوی ... هرچه

بگویی ناچاره بشنوی ... و هرچه

بگویی از نیک و بد جواب چشم دار،

و هرچه نه خواهی که بشنوی مردمان را

مشنوان.<sup>(۸)</sup>

بس کنیم و دیگر بار یاد کنیم که پشتوانه این سوگندنامه

۱. مقاله «انکارهای بیجا»، چاپ شده در کتاب بیست گفتار.

۲. مقاله «درک کردن و رد کردن»، چاپ شده در کتاب کتاب پژوهی:

پژوهشهایی در زمینه کتاب و نقد کتاب، به قلم محمد اسفندیاری.

۳. جمال الدین محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم تصحیح

میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث). (چاپ سوم: دانشگاه تهران،

۱۳۶۶)، ج ۵، ص ۲۹۱، ح ۸۴۱۷

۴. همان، ج ۶، ص ۱۷۱، ح ۹۹۶۳

۵. همان، ج ۶، ص ۲۶۱، ح ۱۰۱۵۵

۶. همان، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۲۵۶۸

۷. همان، ج ۶، ص ۳۰۰، ح ۱۰۳۲۴

۸. این سخن عنصر المعالی در سه موضع قابوس نامه آمده است. جمله اول او

در باب ششم قابوس نامه جمله دوم در باب سیزدهم و جمله سوم در باب

بیست و نهم است.

**هفتم:** هر صنفی، اخلاقی ویژه دارد و شرط تقوای هر صنف، رعایت اخلاق ویژه آن است. در مثل اخلاق ویژه صنف فروشندگان این است که کمفروشی و گرانفروشی نکنند و ... و اخلاق ویژه صنف دیگر، چیز دیگری است. معیار تقوای هر صنف، رعایت اخلاق ویژه آن صنف است. می شود که فردی اخلاق عمومی اش پسندیده باشد، اما اخلاق صنفی اش ناپسند باشد؛ چنانکه گاه عکس این نیز صادق است. به هر حال اخلاق صنفی فراتر از اخلاق عمومی است و هر صنف را باید به اخلاق صنفی اش محک زد.

۱. از جمله رجوع شود به کتاب *احیاء علوم الدین* غزالی که بخشی از آن (الکتاب الزایع من ریع المهلکات ج ۳، ص ۱۱۷ - ۱۷۳)، به آفات زبان اختصاص دارد. غزالی در این کتاب بیست آفت زبان را شمرده و شرح کرده و روایات متعددی درباره آن آورده است. وی می گوید: «اعصی الاعضاء علی الانسان اللسان... و انه اعظم آلة الشيطان فی استغواء الانسان.» (ج ۳، ص ۱۱۷). یعنی زبان گناهکارترین عضو انسان و بزرگترین ابزار شیطان در گمراه ساختن اوست. همچنین به کتاب *المحجبة البيضاء*، از فیض کاشانی، رجوع شود که بخشی از آن (الکتاب الزایع من ریع المهلکات، ج ۵، ص ۱۹۰ - ۲۸۸) به آفات زبان اختصاص دارد. فیض نیز در این کتاب بیست آفت زبان را شمرده و شرح کرده و روایات متعددی درباره آن آورده و همان سخن غزالی را - که در فوق گذشت - تکرار و تأیید کرده است. همچنین به کتاب *جامع السعادات* نراقی رجوع شود که در جلد دوم آن به صورت پراکنده از آفات زبان بحث شده است. نراقی نیز می گوید: «هو [اللسان] اضر الجوارح بالانسان و اعظمها اهلاکاً له و آفاته اکثر من آفات سائر الاعضاء.» (ج ۲، ص ۳۳۹). یعنی زبان زیانبارترین عضو انسان و مهلکترین است و آفات آن بیش از آفات دیگر اعضای انسان است. همچنین به کتاب ذیل رجوع شود که مفصلترین کتابی است که درباره آفت زبان نوشته شده است: مهدی فقیه ایمانی. *نقش زبان در سرنوشت انسانها*، یا، *زبان بر سر دو راهی* (قم، مؤلف، ۱۳۶۹). در این کتاب - که مشتمل بر ششصد و پنجاه و چهار صفحه است - از یکصد و نود آفت زبان بحث شده است.

۲. مارتین لوتر کینگ در کتاب *ندای سیاه* (ترجمه منوچهر کیا، انتشارات لوکس، ص ۸) می گوید: «بسیاری از مردم مطالب چاپی را بعنوان حرف آخر و درست می پذیرند... حال آنکه به گفته ادوارد براون (به نقل از علامه قزوینی در کتاب *مقالات قزوینی*، انتشارات اساطیر، ج ۵، ص ۱۱۰۳): چاپ، چیزی نیست جز تکثیر یک نسخه و این عمل مکانیکی تکثیر نسخ، ابداً ایجاد اهمیتی به مندرجات آن نسخه نمی کند. اگر خودش فی نفسه اهمیتی نداشته باشد و یا مهم باشد، نه چاپ کردن آن بر اهمیت آن می افزاید و نه به حال نسخه خطی ماندن آن از اهمیت آن می کاهد... همچنین علامه شوشتری در کتاب *التجعة فی شرح اللمعة* (مکتبه الصدوق، ج ۱، ص ۳۶۱) می گوید: «لو بُنی علی ان یعمل بكل سواد علی بیاض فعلی الانسانية السلام فضلاً علی الاسلام.»

۳. ابوالفضل بیهقی. *تاریخ بیهقی*. تصحیح علی اکبر قیاض. (چاپ چهارم، نشر علم، ۱۳۷۴) ص ۹۱۲.

آموزشها و ارزشهای اسلامی است و نویسنده هنگام فراهم کردن این متن انبوهی از آیات و روایات و سخنان حکمت آمیز را مطرح نظر داشت.

**ششم:** در جای خود ثابت و روشن شده و مانیز خود می نگریم که آفات زبان بیش از آفات دیگر اعضای انسان است. (۱) اما این هم دانستی است که آفات قلم بیشتر از آفات زبان و سهمگینتر از آن است. توضیح مطلب اینکه اگر کسی به دیگری یک دروغ بگوید، «یک» دروغ گفته و یا اگر یک سخن باطل بگوید، «یک» گناه کرده است. اما اگر نویسنده ای یک دروغ و یا یک سخن باطل بنویسد، «یک» دروغ ننوشته و «یک» گناه نکرده است، بلکه هزاران دروغ نوشته و هزاران گناه کرده است؛ یعنی به تعداد نسخه های نوشته اش و یا به اندازه خوانندگانش. باری خطاها و گناهان هر نویسنده در تعداد نسخه های نوشته شده اش و یا در تعداد خوانندگانش ضرب می شود و، در واقع، بیشتر می گردد. پس اگر نویسنده ای یک دروغ یا مطلب باطلی در کتابش بیاورد و کتابش در بیست هزار نسخه چاپ شود، در واقع یک گناه نکرده، بلکه بیست هزار گناه کرده است. آری از این روست که می گویم آفات قلم بیشتر و سهمگینتر از آفات زبان است.

این را نیز نگفته نگذاریم که تأثیر قلم بیش از زبان است و مردم به آنچه می خوانند بیش از آنچه می شنوند اطمینان دارند. (۲) در نتیجه آفات قلم گمراه کننده تر از آفات زبان است. لذا به گفته مسعود سعد سلمان:

نبشتن ز گفتن مهتر شناس  
به گاه نوشتن به جا آر هوش  
به گفتن تو را اگر خطایی افتد  
ز بر بربط فزونت بمالند گوش  
و گر در نبشتن خطایی کنی  
سرت چون قلم دور ماند ز دوش

و به گفته بیهقی:

احتیاط باید کردن نویسندگان را در هر چه نویسند که از گفتار باز نتوان ایستاد و از نبشتن باز نتوان ایستاد و نبشته باز نتوان گردانید. (۳)



يَكْتُمُونَ. یعنی به زبانهایشان چیزی می گویند که در دلهایشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می کنند دانایتر است.

در سوره صف (۶۱)، آیه ۲ و ۳، آمده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؟ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. یعنی ای مؤمنان چرا چیزی می گویند که انجام نمی دهید؟ نزد خداوند بس منفور است که چیزی را بگویند که انجام نمی دهید.

در سوره بقره (۲)، آیه ۴۴، آمده است: أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ؟ یعنی آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خودتان را فراموش می کنید؟

در سوره بقره (۲)، آیه ۴۲، آمده است: وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ. یعنی حق را به باطل نیامیزید و آن را کتمان نکنید و حال آنکه می دانید.

در سوره ق (۵۰)، آیه ۱۸، آمده است: مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ. یعنی [انسان] هیچ سخنی نمی گوید مگر آنکه در کنار او نگهبانی حاضر است.

اینها کمی از بسی از آیات قرآن مجید است که اهل سخن را به سخته گویی دعوت می کند. بر نویسندگان مسلمان فرض است که این آیات را در گوش کنند و فراچشم دارند و با احتیاط بنویسند و بدانند که از کلمه کلمه کتابشان سؤال می شود. کوتاه سخن اینکه نویسنده مسلمان باید چنان بنویسد که گویی در پایان کتاب خویش می میرد. وَ لَتَنْتَظِرُنَّ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُ لِغَدٍ.

نویسندگی نیز اخلاقی ویژه دارد و شرط تقوای نویسندگان، رعایت «اخلاق نویسندگی» است و شرط رعایت اخلاق نویسندگی، علم به اخلاق نویسندگی است؛ آن هم علم تفصیلی. کلی گویی در اخلاق، بویژه اخلاق نویسندگی، چندان کارساز و سودمند نیست. نمی شاید توصیه هایی کلی به نویسندگان کرد و تنها از آنان خواست که حقیقرا باشند و راست و درست بنویسند، بلکه باید انگشت بز جزئیات نهاد و یکایک آفات نویسندگی و لغزشگاههای آن را برشمرد و به تفصیل از وظایف نویسندگان سخن گفت. دریغ که از سخن گفتن درباره اخلاق نویسندگی دریغ شده و به این مهم، اهتمام نشده و هر چه سخن گفته شده درباره آیین نویسندگی (ادبیات) است.<sup>(۱)</sup> تو گویی درست سخن نوشتن مهمتر از سخن درست نوشتن و مقدم بر آن است؛ حال آنکه عکس این است. از حافظ است:

گر انگشت سلیمانی نباشد

چه خاصیت دهد نقش نگینی

هشتم: در آیات و روایات متعددی به اهمیت سخن گفتن و آیین آن اشاره شده است. این دسته از آموزشهای اسلامی راهبر نویسندگان به سنجیده گویی است و همواره باید نصب العین آنان باشد. مناسب است، نقل شماری از آیات قرآن است تا نویسندگان نیک بنگرند که در برابر کلمه نوشته خویش مسؤول هستند و از آنان بدقت حسابرسی می شود.

در سوره احزاب (۳۳)، آیه ۷۰، آمده است: قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا. یعنی استوار سخن بگویند.

در سوره انعام (۶)، آیه ۱۵۲، آمده است: إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا. یعنی چون سخن گویند، عدالت بورزید.

در سوره بقره (۲)، آیه ۸۳، آمده است: قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا. یعنی با مردم نیک سخن بگویند.

در سوره طه (۲۰)، آیه ۴۴، خطاب به موسی و هارون آمده است که با فرعون: قُولَا لَهُ قَوْلًا لَئِنَّا. یعنی پس با او نرم سخن بگویند.

در سوره حج (۲۲)، آیه ۳۰، آمده است: وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ. یعنی از سخن باطل دوری کنید.

در سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۶۷، در مذمت اهل نفاق آمده است: يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا

۱. البته در سالهای گذشته در جهان بحثهایی درباره اخلاق روزنامه نگاری در گرفته است. از جمله می توان به متنی که ذیل عنوان «اصول بین المللی اخلاق حرفه ای در روزنامه نگاری» تهیه شده است، اشاره کرد. این متن شامل ده اصل و سه صفحه است و به کوشش هشت سازمان روزنامه ای منطقه ای و بین المللی در سال ۱۹۸۳ میلادی تهیه شد. متن یاد شده در کتاب ذیل آمده است. یونس سُکرخواه. خبر. (چاپ اول، تهران، مرکز گسترش آموزش رسانه ها، ۱۳۷۴). ص ۱۲۵ - ۱۲۸. درخور گفتن است که متن فوق مشتمل بر همه اصول اخلاقی در روزنامه نگاری نیست و بسا نکته های اصلی و اساسی ای وجود دارد که بدان اشاره نرفته است.

# گونه‌های کتاب‌خانه

پوری سلطانی و فروردین راستین

## کتاب‌خانه اختصاصی

۱- واحدی است از یک سازمان که هدف آن فراهم ساختن اطلاعات خاصی برای پیشرفت کار سازمان یا برای گروه محدودی می‌باشد. وظیفه این کتاب‌خانه‌ها عبارت است از:

۱) بررسی و ارزش‌یابی نشریات جاری، ارزش‌یابی تحقیقات انجام شده فعالیت‌های مقامات مخصوص. (۲) سازمان دادن اطلاعات چاپی و غیر چاپی مربوط. (۳) جمع کردن نشریات و اطلاعات از داخل و خارج کتاب‌خانه و انتشار این اطلاعات که اغلب به صورت چکیده، یادداشت و یا فهرست مندرجات نشریات و غیره است.

۲- کتاب‌خانه‌های اختصاصی بر حسب سیاست‌ها، روش‌ها و مجموعه‌های مختلفی که دارند به چند نوع تقسیم می‌شوند. مانند: کتاب‌خانه‌های شرکت‌های صنعتی، کتاب‌خانه‌های دولتی و سازمان‌های وابسته، کتاب‌خانه‌های انجمن‌های حرفه‌ای مانند کانون وکلا، مؤسسات تحقیقاتی مستقل، کتاب‌خانه‌های مؤسسات بازرگانی مانند بانک‌ها و جز آن. به‌طور کلی کتاب‌خانه تخصصی آن نوع کتاب‌خانه است که نه آموزشی باشد نه دانشگاهی، نه عمومی نه ملی.

مجموعه کتاب‌ها و دیگر مواد مشابه، اعم از چاپی و دیداری و شنیداری، که برای مطالعه، تحقیق و مراجعه به گونه‌ای منظم در محلی خاص گردآوری شده باشد، کتاب‌خانه نامیده می‌شود. کتاب‌خانه‌ها به چند بخش تقسیم می‌شوند و گونه‌های مختلفی دارند که در ذیل به معرفی اجمالی آن‌ها می‌پردازیم.

## کتاب‌خانه آکادمیک

کتاب‌خانه‌های دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسات دیگری که وابسته به مؤسسات آموزش عالی هستند یا بخشی از آن را تشکیل می‌دهند.

## کتاب‌خانه آموزشی

۱- محلی در مدرسه که دارای مجموعه‌ای از کتاب‌های تنظیم شده برای استفاده شاگردان و معلمان است، و به وسیله یک کتاب‌دار یا معلم اداره می‌شود.

۲- در یک دانشگاه، مجموعه‌ای از کتاب که از نظر موضوعی به مدرسه یا کالج به خصوصی وابسته است و یا به وسیله همان مدرسه یا کالج اداره می‌شود یا به صورت بخشی از کتاب‌خانه دانشگاه است.





### کتابخانه امانی

کتابخانه‌ای که کتاب را برای استفاده در خارج از کتابخانه امانت می‌دهد.

### کتابخانه ایالتی

در آمریکا، کتابخانه‌ای است که با بودجه ایالتی اداره می‌شود، و مسؤول جمع‌آوری و نگهداری اسناد ایالتی و فراهم آوردن مجموعه‌ای برای استفاده اعضای دولت است. مجموعه کتابخانه شامل تاریخ ایالت، کتاب‌های نویسندگان همان ایالت و روزنامه‌هایی است که در آن ایالت منتشر می‌شود. در بیش‌تر ایالات مجموعه کتابخانه شامل انواع کتاب‌هاست به نحوی که بتواند نیاز ساکنان همان ایالت را برآورده کند. کتاب‌ها با پست عادی یا سریع‌السیر (اکسپرس) برای ساکنان فرستاده می‌شود.

### کتابخانه برنامه‌ها (کامپیوتر)

مجموعه منظمی از برنامه‌های کامپیوتری آزمایش شده که استفاده عام داشته باشد، همراه با شرح و توضیحات لازم برای این‌که علاوه بر برنامه‌نویسی، دیگران نیز بتوانند از آن‌ها استفاده کنند.

### کتابخانه بریتانیا

تا سال ۱۹۷۳ انگلستان دارای کتابخانه ملی خاصی نبود و وظایف کتابخانه ملی را سازمان‌های گوناگونی از قبیل سازمان ملی کتاب‌شناسی، کتابخانه موزه بریتانیا، کتابخانه امانی ملی و غیره انجام می‌دادند. در سال ۱۹۷۳ قانون «کتابخانه بریتانیا» به تصویب رسید و کتابخانه از ادغام کتابخانه موزه بریتانیا، کتابخانه ملی مرکزی (National Central Library) و سازمان کتاب‌شناسی (BNB) و کتابخانه ملی امانی (National Lending Library) به وجود آمد. کتابخانه دارای سه قسمت مهم است: مرجع، امانت، خدمات کتاب‌شناختی. این قسمت‌ها از نظر جغرافیایی در یک محل قرار ندارند. به عبارت دیگر هنوز ساختمان یک پارچه‌ای برای کتابخانه ساخته نشده است.

### کتابخانه بیمارستانی

کتابخانه‌ای برای استفاده بیماران بیمارستانی و گاهی کارمندان آن که به وسیله خود بیمارستان با سازمانی علاقه‌مند یا کتابخانه عمومی اداره می‌شود. در انگلستان وزارت بهداشتی پول ثابتی برای هر تخت در مقابل این خدمت در نظر می‌گیرد.

### کتابخانه بین‌المللی جوانان

در سال ۱۹۴۹ در مونیخ تأسیس شد. هدف این کتابخانه تشویق و پرورش ذوقی کودکان و جوانان جهت ایجاد عادت به مطالعه در سراسر جهان گردآوری، سازمان‌دهی و اشاعه اطلاعات و اخبار مورد نیاز شاگردان و معلمان و برگزاری نمایشگاه‌هاست.

### کتابخانه تحقیقاتی

کتابخانه‌ای با مواد کاملاً اختصاصی که بتوان در یک زمینه خاص تحقیقات جامعی در آن انجام داد، مانند کتابخانه فنی یا کتابخانه‌های دانشکده‌ای.

### کتابخانه ثبت آثار

کتابخانه‌ای که یک یا چند نسخه رایگان از هر اثر طبق قانون از ناشر دریافت می‌دارد و کتاب را در دفتر معین ثبت و شماره‌گذاری می‌کند و تاریخ ثبت را معین می‌کند. این شماره یا تاریخ معمولاً در صفحه عنوان یا پشت صفحه عنوان قید می‌شود.

### کتابخانه جامع

کتابخانه‌ای که به موضوع خاص یا رشته مخصوصی محدود نشده باشد.

### کتابخانه دانشکده‌ای

کتابخانه‌ای در یک مدرسه عالی یا دانشگاه که شعبه‌ای از کتابخانه اصلی است و مجموعه آن محدود به یک موضوع یا گروهی از موضوع‌های خاص است.

### کتابخانه دانشگاهی

یک یا تعدادی کتابخانه که به وسیله یک دانشگاه برای استفاده دانشجویان و استادان همان دانشگاه تأسیس می‌شود و مدیریت و نگهداری آن نیز با دانشگاه است. این کتابخانه‌ها جزو کتابخانه‌های آکادمیک محسوب می‌شوند.

### کتابخانه دولتی

کتابخانه‌ای که با بودجه دولت مرکزی اداره می‌شود. کتابخانه‌های دولتی معمولاً سه دسته‌اند: کتابخانه ملی، کتابخانه وزارت‌خانه‌ها و کتابخانه‌های تحقیقاتی.

### کتابخانه زندان

کتابخانه‌ای است در زندان برای استفاده زندانیان. بودجه آن معمولاً از طرف دولت و به تناسب تعداد زندانیان تعیین می‌شود.

### کتابخانه سازمانی

کتابخانه‌ای که به وسیله یک مؤسسه خصوصی یا عمومی اداره می‌شود مثل کتابخانه زندان، کتابخانه بیمارستان.

### کتابخانه سیار

وسیله خوروی که به عنوان شعبه سیار کتابخانه‌ای برای حمل کتاب مجهز شده باشد. و معمولاً کتاب را به مناطقی که کتابخانه ثابت ندارد برای استفاده عموم می‌برد.

### کتابخانه شاخه

کتابخانه کمکی با ساختمان جداگانه دارای مجموعه‌ای بنیادی و ثابت از کتاب‌ها با کارمندان ثابت و ساعت‌های کار منظم.

### کتابخانه شخصی

کتابخانه‌ای که از بودجه عمومی استفاده نمی‌کند و به یک فرد تعلق دارد.

### کتابخانه شهرداری

کتابخانه عمومی که در محدوده شهر است و بودجه نگهداری و مدیریت آن با حکومت محلی است نه حکومت استان (ایالتی) و غیره.

### کتابخانه شهری

کتابخانه عمومی که به وسیله قدرت محلی اداره می‌شود و نه شورای منطقه (استان) و خدمات خود را به اهالی شهر ارائه می‌دهد.

### کتابخانه عمومی

کتابخانه‌ای که خدمات آن برای ساکنان یک اجتماع، بخش یا ناحیه رایگان باشد و تمام یا قسمتی از هزینه آن از بودجه عمومی مملکت تأمین گردد.

### کتابخانه فنی

کتابخانه‌ای که بیش‌تر مجموعه آن را کتاب‌های فنی تشکیل می‌دهد. اگر وابسته به کتابخانه عمومی باشد، ممکن است بخشی از کتاب‌های مرجع بوده و یا قسمت جدایی در ساختمان مرکزی و یا در ساختمان مجزایی باشد.

### کتابخانه کرایه‌ای

۱- کتابخانه‌ای که به وسیله یک شرکت تجاری اداره می‌شود و پولی در مقابل امانت کتاب می‌گیرد.

۲- بعضی اوقات به مجموعه‌ای از کتاب‌ها که به افراد کرایه داده می‌شود نیز کتابخانه کرایه‌ای می‌گویند.

### کتابخانه کودک

کتابخانه‌ای که منحصراً برای کودکان باشد. این کتابخانه‌ها معمولاً دارای بخش‌های امانت کتاب، مرجع و پاینده‌ها هستند.



ملی و آثار درجه یک کشورهای دیگر را به انضمام آثار خارج مربوط به کشور یا به زبان کشور به طور رایگان در اختیار مردم قرار دهد. از آنجا که این ایده آل برای یک کتابخانه واحد میسر نیست، در غالب کشورهای کتابخانه‌های ملی اختصاصی بوجود آمده است. مثل کتابخانه ملی پزشکی آمریکا و غیره. یکی از وظایف عمده کتابخانه ملی انتشار کتاب‌شناسی ملی است.

### کتابخانه منطقه‌ای

کتابخانه‌ای که به دلیل بزرگ بودن و داشتن منابع فراوان می‌تواند به سؤالات مرجع پاسخ بدهد، اطلاعات کتاب‌شناختی تهیه کند و آثار منابع کتابخانه‌ای را در یک مجموعه یا منفرداً برای گروهی از کتابخانه‌های کوچک‌تر شهری یا منطقه‌ای به نمایش بگذارد. این کتابخانه هم‌چنین خدمات مرسوم کتابخانه‌ای را به عموم مردم تأمین می‌نماید.

### کتابخانه واسپاری

کتابخانه‌ای که از هر ناشر طبق قانون یک یا چند نسخه از هر کتابی که منتشر می‌نمایند، برای نگه‌داری دائمی، دریافت می‌دارد.

### کتابخانه مدارس عالی

کتابخانه‌ای که به منظور برآوردن نیازهای دانشجویان و مدرسان یک مدرسه عالی یا پلی‌تکنیک به وسیله همان مدرسه تأسیس، اداره و نگه‌داری شود.

### کتابخانه مرجع

۱- کتابخانه‌ای که برای تحقیق و مشاوره سازمان یافته است و معمولاً چیزی به امانت نمی‌دهد. مجموعه این کتابخانه ممکن است جامع و کلی یا محدود به زمینه یا موضوع خاصی باشد.

۲- کتابخانه‌ای که نمی‌توان از آن کتاب به امانت گرفت و از کتابخانه خارج نمود.

### کتابخانه مرکزی

کتابخانه‌ای که مرکز اداری یک شبکه از کتابخانه‌ها باشد و مجموعه‌های اصلی و عمده کتابخانه در آنجا نگه‌داری شود.

### کتابخانه ملی

کتابخانه ملی، مادر کتابخانه‌های یک کشور است و در رأس همه آنها قرار دارد و به پیشرفت نظام کتابخانه‌ای کشور، به خصوص شبکه کتابخانه‌های عمومی کمک می‌کند. کتابخانه ملی معمولاً یک یا چند نسخه از کلیه آثار مکتوب و غیر مکتوب کشور مربوطه را برای ثبت، نگه‌داری و برگه‌نویسی دریافت می‌دارد، به همین دلیل کتابخانه ثبت آثار نیز (copyright library) هست. بودجه کتابخانه ملی از طریق دولت تأمین می‌شود و اداره آن با هیئت امناست. کتابخانه ملی می‌تواند کتاب‌های اضافی خود را بین کتابخانه‌های منطقه‌ای توزیع نماید و با بودجه خاصی برای این منظور در نظر بگیرد.

وظایف کتابخانه ملی در کشورهای مختلف، متفاوت است ولی به طور کلی کتابخانه ملی مسؤول نگه‌داری کلیه آثار فکری یک ملت است و باید غنی‌ترین مجموعه آثار مکتوب

# کتابخانه ملی قطر

## ساختمان

ساختمان کتابخانه از دو طبقه تشکیل شده که در آغاز به صورت حرف لاتین U ساخته شده بود تا از نور طبیعی و کافی برخوردار باشد و در سال ۱۹۸۸ م ضلع دیگر این ساختمان نیز تکمیل شد و اکنون ساختمان به شکل مربع می‌باشد که وسط آن فضای باز است.

این کتابخانه دارای بخش‌های مختلفی به این شرح است:

### ۱. مخزن خطی

این بخش در طبقه اول کتابخانه قرار گرفته و مقدار زیادی از نسخه‌های خطی نفیس را در خود داده است که قدیمی‌ترین آن‌ها به قرن هفتم قمری (سیزدهم میلادی) برمی‌گردد. بعضی از این نسخه‌ها بر روی پوست آهو نوشته شده است. مقداری از این نفایس اعم از قرآن‌های خطی نفیس و تذهیب کاری شده و کتاب‌های نادر در یک نمایش‌گاه دائمی، در معرض دید مراجعان گذاشته شده است. به علاوه، این مرکز فرهنگی اقدام به تهیه میکروفیلم از نسخه‌های خطی نادر از کتابخانه‌های مهم دنیا نموده است که بسیاری از آن‌ها به صورت نسخه عکسی، در اختیار محققان قرار داده می‌شود.

### ۲. تالارهای مطالعه

تالار اصلی این کتابخانه، به گنجایش تعداد صد نفر، در طبقه دوم ساختمان قرار گرفته است. برای دسترسی آسان به کتاب‌های مورد نظر، از روش قفسه باز استفاده می‌شود تا مراجع کنندگان بدون مراجعه به کتاب‌دار، از منابع مورد نیاز استفاده کنند. همه کتاب‌ها دارای کارت برگه‌های کتاب‌شناسی سه گانه (نام کتاب، نام مؤلف و موضوع) است که به صورت الفبایی در برگه‌دان‌ها چیده شده و در دسترس مراجعان قرار دارد.

● محقق دایرة المعارف کتابخانه‌های جهان، وابسته به کتابخانه حضرت آية الله العظمی مرعشی نجفی.

● میر محمد موسوی

کتابخانه ملی قطر از ادغام دو کتابخانه معروف قطر به نام‌های کتابخانه معارف و کتابخانه عمومی دو حه تشکیل شده است و هم اکنون با داشتن ۲۴۰۰۰۰ کتاب چاپی، ۱۸۲۱ نسخه خطی (۱۷۳۴ عربی، ۶۵ ترکی و ۲۲ فارسی)، ۳۰۰ قرآن خطی، ۳۶۶ میکروفیلم و ۱۱۷ نشریه، از مراکز مهم فرهنگی این کشور به شمار می‌رود.

### تاریخچه

این کتابخانه در سال ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۲ م توسط حاکم پیشین قطر، شیخ علی بن عبدالله آل ثانی، تأسیس شد و اکنون از راه‌های مختلف (خرید، مبادله، هدیه و قانون واسپاری) مجموعه‌های این مرکز رو به افزایش است و خدمات گوناگونی مانند اداره کتابخانه‌های عمومی کشور، کتابخانه‌های مدارس و انتشار کتاب را به عهده دارد و در دو شیفت، از ساعت ۷-۱۳ و ۱۵-۱۸ به اعضای کتابخانه، محققان و نویسندگان سرویس می‌دهد.



### کتابخانه‌های فرعی دارالکتب قطر

این کتابخانه برای این که بتواند محققان و فرهنگیان سطح کشور را زیر پوشش خود قرار دهد، اقدام به تأسیس کتابخانه‌هایی فرعی به صورت کتابخانه‌های عمومی در شهرهای مختلف قطر نموده که بدین شرح است:

۱. کتابخانه عمومی خور: واقع در دومین شهر قطر (خور) که در سال ۱۳۹۷ ق / ۱۹۷۷ م جهت استفاده عموم گشایش یافت.
۲. کتابخانه عمومی شمال: که در سال ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م افتتاح شد.

۳. کتابخانه عمومی خنساء، اولین کتابخانه مخصوص بانوان در دوحه است که در سال ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م گشایش یافته است و در بالا بردن سطح فرهنگ این قشر جامعه سهم به سزایی دارد.

۴. کتابخانه عمومی ریّان: این کتابخانه در شهر ریّان واقع شده و در سال ۱۹۸۲ م تأسیس شده است.

۵. کتابخانه عمومی علی بن عبدالله آل ثانی: این کتابخانه در نزدیکی دارالکتب قطر واقع شده و در سال ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م افتتاح شده است.

۶. کتابخانه عمومی وکره: این کتابخانه در شهر وکره قرار دارد و در سال ۱۹۸۵ م تأسیس شده است. هر کدام از این کتابخانه‌ها بیش از ۳۰۰۰۰ کتاب دارند.

### فهرستها:

نسخه‌های خطی این کتابخانه به مرور زمان فهرست‌نگاری شده و به چاپ رسیده که به این شرح است:

۱. فهرس المخطوطات الاصلیة بدارالکتب القطریة، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م. این فهرست در ۳۲ صفحه تنظیم شده است و علوم اسلامی را به ترتیب آورده است.
۲. فهرس المخطوطات المصورة علی میکروفیلم، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م. این فهرست در ۵۲ صفحه که شامل ۱۸۳ نسخه عکسی است.

۳. المخطوطات العربیة فی دارالکتب القطریة، عبدالبدیع

### ۳. بخش امانی

از بخش‌های شایان ذکر این مرکز، قسمت امانی این کتابخانه است؛ در این بخش، کتاب انتخابی به صورت امانت به مدت یک ماه، در اختیار اعضای کتابخانه، اداره‌های دولتی و کتابخانه‌های دیگر قرار می‌گیرد و این مدت قابل تمدید است. این کار، گام مهمی برای تحت پوشش قرار دادن اشخاصی است که نمی‌توانند در کتابخانه حضور یابند.

### ۴. بخش توزیع و تبادل

چون کتابخانه ملی قطر مسئول کتاب در قطر است، از این رو بخشی از کتابخانه به این منظور اختصاص داده شده و کتاب‌های منتشره توسط این کتابخانه، در داخل و خارج کشور، توزیع و مبادله می‌شود. کتاب‌های توزیع شده در هر روز، بیش از ۱۵۰ مجلد است.

### ۵. بخش نشریات

در این بخش از هر نشریه عربی و غیر عربی، یک نسخه نگه‌داری می‌شود که محققان می‌توانند، با استفاده از آرشیو این کتابخانه، نیازهای خود را برطرف کنند.

### ۶. بخش سمعی بصری

در این قسمت از کتابخانه، نوارهای صوتی و فیلم‌های علمی - فرهنگی برای بالا بردن سطح آگاهی اعضای کتابخانه، نگه‌داری می‌شود.

### ۷. بخش کودکان

بخشی از کتابخانه برای کودکان و نوجوانان است. در این بخش کتاب‌های مخصوص کودکان گردآوری شده و در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار داده می‌شود. دیگر بخش‌های کتابخانه عبارتند از: میکروگرافی، صحافی، مرمت نسخه‌های خطی و فهرست‌نگاری.

۵۳۴ + ۳۰۳ ج.

### منابع:

۱. اوراق الربيع في المكتبات والمعلومات، شعبان خليفه، قاهره، ۱۹۹۲ م، مج ۴ (بخش لاتين) pp. 85 - 86.
۲. تطور الكتب والمكتبات في قطر، شعبان خليفه، قاهره، ۱۹۹۰ م، ص ۷ و ۷۳ و ۹۵-۱۱۹.
۳. دار الكتب القطرية في ۲۲ عاماً، دار الكتب القطرية، دوحه، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م، ص ۱۸ به بعد.
۴. دار الكتب القومية، شعبان خليفه، قاهره، ۱۹۹۱ م، ص ۱۳.
۵. عالم الكتب (مجله)، «المخطوطات العربية و فهارسها»، عبدالله الجبوري، رياض، مج ۳، ع ۴ (۱۹۸۲ م)، ص ۷۰۲-۷۰۳ و «حركة النشر في قطر، يحيى الجبوري»، مج ۴، ع ۱ (۱۹۸۳ م)، ص ۳۸-۴۱.
۶. كتابخانه‌ها و مجموعه‌های عربي در جهان، فواد سزگين، ترجمه چنگيز پهلوان، تهران، ۱۳۶۶ ه. ش، ص ۲۵۷.
۷. لمحات من تاريخ الكتاب والمكتبات، عبداللطيف الصوفي، دمشق، ۱۹۸۷ م، ص ۳۴۹-۳۵۱.
۸. مجله معهد المخطوطات العربية، «المخطوطات العربية في دار الكتب القطرية»، عبدالديع صقر و مصطفى الاعظمي، قاهره، مج ۹ (۱۳۸۲ ه. ق / ۱۹۶۳ م)، ص ۳-۴۶ و مج ۱۰ (۱۳۸۴ ه. ق / ۱۹۶۴ م)، ص ۳-۳۶ و ۱۹۵-۲۲۲.
9. *The World of Learning*, 1993, p. 1201.
10. *World Guide to Libraries*, Vol. One, 1995, p. 454.
11. *World Survey of Islamic Manuscripts*, Vol. Two, 1993, pp. 639 - 644.

- صقر و محمد مصطفى الاعظمي، قاهره، ۱۹۶۴ م. اين فهرست در مجلدات ۹ و ۱۰ مجله معهد المخطوطات العربية آورده شده و ۵۵۳ نسخه را معرفي نموده است.
۴. فهرس مخطوطات دار الكتب القطرية: ۸۵-۱۹۶۲ م، ۱۹۸۵ م، ج ۲، تعداد ۱۸۱۹ نسخه را معرفي نموده است.
  ۵. المنتخب من مخطوطات دار الكتب القطرية، بيروت، ۱۹۸۶ م، ۱۸۴ ص.
  ۶. قائمات اسماء المخطوطات التركية الموجودة بدار الكتب القطرية، قطر، ۱۹۷۲ م.
- در ضمن برخی از کتاب‌های چاپی این کتابخانه نیز فهرست‌نگاری شده و به صورت موضوعی در چندین مجلد به چاپ رسیده که به این شرح است:
۱. فهرست دار الكتب القطرية، (کلیات)، دوحه، ۱۹۸۰ م، ۲۰۶ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۵۳۹ ج.
  ۲. فهرست دار الكتب القطرية، (فلسفه)، دوحه، ۱۹۸۳ م، ۴۴۸ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۱۲۸۱ ج.
  ۳. فهرست دار الكتب القطرية، (دینی)، دوحه، ۱۹۸۴ م، (ج ۲) ۷۸۰ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۲۷۹۴ ج.
  ۴. فهرست دار الكتب القطرية، (علوم اجتماعی)، دوحه، ۸۷-۱۹۸۶ م، (ج ۵) ۱۳۴۱ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۵۱۴۶ ج.
  ۵. فهرست دار الكتب القطرية، (لغت)، دوحه، ۱۹۸۸ م، ۲۹۰ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۱۱۳۹ ج.
  ۶. فهرست دار الكتب القطرية، (علوم)، دوحه، ۱۹۸۸ م، ۳۲۴ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۱۳۷۸ ج.
  ۷. فهرست دار الكتب القطرية، (علوم تطبیقی)، دوحه، ۱۹۸۸ م، (ج ۲) ۵۷۱ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۲۴۰۱ ج.
  ۸. فهرست دار الكتب القطرية، (هنر)، دوحه، ۱۹۸۸ م، ۲۲۱ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۹۹۶ ج.
  ۹. فهرست دار الكتب القطرية، (ادبیات)، دوحه، ۱۹۹۰-۱۹۹۱ م، (ج ۴) ۱۳۶۷ ص، کتاب‌های معرفي شده: ۶۵۶۹ ج.
  ۱۰. فهرست دار الكتب القطرية، (کتاب‌های غیر عربي)، دوحه، ۸۵-۱۹۸۴ م، ۲۲۴ + ۱۰۴ ص، کتاب‌های معرفي شده:



# گزارش سفر به ازبکستان

سید محمود مرعشی نجفی

کتابخانه و آن مرکز، لیست تعدادی از نسخه‌های خطی نفیس موجود در کتابخانه انستیتو را جهت تهیه تصویر و یا میکروفیلم تحویل گرفتیم.

آقای مظفر خیرالله اف دارای دکترای فلسفه شرق است. وی بر روی آثار فارابی و جهان‌بینی او کار کرده و آثاری را به زبان‌های روسی و ازبکی در مسکو و تاشکند به چاپ رسانیده است. وی از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۹ میلادی رئیس انستیتو فلسفه و حقوق آکادمی علوم ازبکستان بود و آن‌گاه ریاست انستیتو خاورشناسی ابوریحان را از سال ۷۹ تا ۱۹۸۴ برعهده داشته است. هم‌چنین به سمت رئیس بخش انستیتو فلسفه و حقوق و سرانجام از سال ۱۹۹۳ م مجدداً به ریاست انستیتو خاورشناسی ابوریحان برگزیده شد.

سپس عازم دیدار از انستیتو حمید سلیمان شدیم. این مرکز دارای هشت هزار نسخه خطی است که تا کنون دو جلد از فهرست نسخه‌های خطی آن چاپ شده و بقیه آن به صورت سه دفتر بزرگ دست‌نویس است که فقط نام کتاب و مؤلف و تاریخ کتابت و زبان هر نسخه را ثبت کرده‌اند و چون امکانات چاپ آن را ندارند طی یک قرارداد با مسؤولان آن مرکز مقرر شد این فهرست را کتابخانه ما چاپ کند، چون یکی از اهداف ما شناسایی منابع و نسخه‌های خطی اسلامی در گوشه و کنار جهان است.

آقای عبدالعزیز کامل اف، وزیر امور خارجه ازبکستان، از این جانب به منظور شرکت در سمینار بزرگداشت دو هزار و پانصدمین سال شهرهای «خیوه» و «بخارا»، دعوت کتبی رسمی کرد. این جانب ضمن قبول دعوت، متأسفانه به علت مشکلی که برایم پیش آمده بود موفق به شرکت در سمینار فوق نشدم، اما در روز ۷/۸/۷۶ جهت بازدید از شهرهای «خیوه» و «اورگنج» و بعضی مراکز دیگر، که در سفر اول به آن کشور موفق به بازدید از آن‌ها نشده بودم، به مدت یک هفته عازم آن دیار شدم. به هنگام ورود به «تاشکند» در فرودگاه مورد استقبال سفیر جمهوری اسلامی ایران و آقایان دکتر مظفر خیرالله اف، رئیس انستیتو نسخه‌های خطی ابوریحان بیرونی، و آقای پروفیسور ارون بایف، شرق‌شناس برجسته و عضو فرهنگستان علوم و وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چند تن دیگر از اعضای سفارت قرار گرفتیم و آن‌گاه به محل اقامت رهسپار شدیم.

## بازدید از دو انستیتو

صبح روز اول از انستیتو خاورشناسی «ابوریحان بیرونی» بازدید کردیم و با آقای دکتر پروفیسور مظفر خیرالله اف محی‌الدین اویچ، رئیس آن مرکز، و آقای پروفیسور اورانبایف و دیگر اعضای هیئت علمی ملاقات کردم. در پی تفاهم‌نامه بین

افتادم که به مدت هفت سال در این شهر اقامت داشته است. رودخانه معروف «جیحون»، که از کوه‌های بسیار مرتفع جمهوری تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد، از همین شهر عبور می‌کند و در نهایت به دریاچه «آرال» می‌ریزد. این رودخانه با بیش از دوهزار کیلومتر طول، بسیار پرآب و طولانی است و باعث رونق کشاورزی منطقه شده و بهترین پنبه جهان در این منطقه کشت می‌شود و یکی از محصولات استراتژیک ازبکستان به‌شمار می‌آید.

صبح روز بعد از شهر اورگنج با اتومبیل عازم شهر «خیوه»، که در سی کیلومتری آن قرار دارد، شدیم. شهر خیوه بسیار کوچک و کم‌جمعیت (حدود سی هزار نفر) است. یکی از آثار بسیار زیبا و تاریخی این شهر مجموعه ارک است که مرکب از چندین مدرسه، مسجد، مقبره و مناره است که خان‌های خیوه آن‌ها را در قرن‌های ۱۲ و ۱۳ ق ساخته‌اند. گویند این ارک دارای صد مدرسه کوچک و بزرگ بوده که به مرور ایام از میان رفته و هم‌اکنون یازده مدرسه آن برجا مانده است. در اطراف این ارک، که دارای دیوارهای بسیار بلند و برج و بارو است، ظاهراً خندق‌هایی قرار داشته که دشمن نتواند به آن نفوذ کند. وارد ارک که شدیم، نخست به مقبره پهلوان محمود، معروف به «پوریای ولی»، رسیدیم که دارای یک صحن بسیار کوچک و یک مقبره و گنبدکاشی فیروزه‌ای است. تندیس بزرگ فلزی از این پهلوان در نزدیکی درب ورودی ساخته‌اند که دارای عمامه‌ای بزرگ و محاسن و قبا‌ی بلند است.

در داخل این مقبره یکی از شاه‌کارهای کاشی‌کاری چشم‌را می‌نوازد که البته بیش‌ترین کاشی‌کاری‌های مجموعه ارک، کار استادان ایرانی است که به هنگام زندانی شدن آنان در این دیار به دستور خان‌های خیوه آن‌ها را انجام می‌دادند. در داخل مقبره پوریای ولی قبر محمدرحیم خان اول، خان بزرگ خوارزم، از اوایل سده ۱۳ ق قرار دارد که کاشی‌کاری‌های آن یکی از زیباترین کاشی‌کاری‌های جهان است. هم‌چنین در همین قسمت دو قبر کوچک با سنگ سیاه حجاری شده با خطوط نستعلیق قرار گرفته که مربوط به قبر «ابوالقاسی خان» و «انوشه خان» از دیگر خان‌های خیوه است.

در داخل محوطه این مجموعه قبور، در چهار گوشه آن، چهار

این قرارداد را این‌جانب و آقای دکتر عزیزخان قتیوماف پولادویچ امضا کردیم. ایشان از شخصیت‌های علمی و ایران‌شناسان برجسته ازبکستان است که در سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۰ م وزیر فرهنگ ازبکستان بوده و آثاری از ابن‌سینا و نیز غزلیات بابر و هزار و یک شب را به زبان ازبکی ترجمه کرده است. البته بیش‌ترین کار وی بر روی آثار «علیشیر نوایی» متمرکز بوده است. موضوع رساله دکترای او «محیط ادبی ناحیه خوقند در قرن ۱۹ میلادی» است. وی تاکنون دو بار به ایران سفر کرده است.

### موزه تیمور

در روز سوم اقامت در تاشکند از موزه تیمور، که سال قبل با ساختمان زیبایی افتتاح شده بود، بازدید کردیم. در این موزه ضمن دیدار با مسؤول آن (بوربای احمداف) با آقای عبیدالله اوائف یا عباداف، قائم مقام بنیاد امیر تیمور، که سال قبل در ۶۶۰ سالگی تولد امیر تیمور برقرار شده ملاقات نمودیم. او در سال‌های ۹۱ و ۹۲ میلادی مشاور امور مذهبی رئیس جمهوری ازبکستان بوده و آنگاه که کمیته امور دینی تشکیل گردید به‌عنوان قائم مقام آن کمیته برگزیده شد. وی تألیفاتی دارد؛ از جمله: ترجمه عجائب‌المقدور فی تاریخ تیمور، به ازبکی در دو جلد، و حالات بخاری و ترمذی و مسلم بن حجاج از مؤلفان صحاح شش‌گانه اهل سنت. تخصص وی درباره زمشخری، مفسر معروف، است.

### ارک تاریخی شهر خیوه

در سومین روز اقامت در تاشکند عازم شهر «اورگنج» شدیم. پس از دو ساعت پرواز با یک هواپیمای کوچک دوازده نفره وارد آن شهر شدیم. در فرودگاه مفتی شهر به گرمی از ما استقبال کرد و آنگاه ما را از فرودگاه تا شهر همراهی نمود و در اقامت‌گاهی اسکان داد. شهر اورگنج مرکز ایالت خوارزم است که قسمتی از این ایالت در حال حاضر در جمهوری ترکمنستان قرار گرفته است و شهر خیوه نیز جزء همین ایالت خوارزم می‌باشد. من چون در سال ۱۳۴۱ ش زندگی‌نامه ابن‌سینا را می‌نوشتم با این منطقه آشنایی داشتم و بی‌اختیار یاد بوعلی



دخمه کوچک به طول دو متر و عرض یک متر و یک درب چوبی مثبت کاری قرار دارد که مربوط به صوفیان و درویشانی است که چهل روز از آن خارج نشده و به اصطلاح چله نشینی می کردند. این چهار دخمه را مردم «چله خانه» می نامند.

از این مجموعه خارج شدیم و به بازدید مدرسه «شیر قاضی خان»، یکی از وزرای خان خویه، رهسپار شدیم. این مدرسه در اصل دو طبقه بوده و به مرور ایام طبقه فوقانی آن از میان رفته و هم اکنون طبقه تحتانی با ۲۵ حجره باقی مانده است. گویند اسرای ایرانی خراسانی که در این شهر زندانی بودند به دستور همین «شیر قاضی خان» این مدرسه را بنا کردند؛ چون او گفته بود که اگر این اسرای ایرانی مدرسه ای به نام من، مانند مدرسه «الله قلی خان» - که وصف آن را خواهیم گفت - بسازند آنان را آزاد می سازم، لذا اسرای ایرانی این مدرسه را بنا کردند و چون این شهر در منطقه بسیار سردسیر قرار دارد و در زمستان ها ادامه کار میسر نبوده است، ساختمان آن هفت سال به طول انجامیده و پس از اتمام کار در روز افتتاح این مدرسه، کارگرهای ایرانی اسیر بر بالای بام ایستاده بودند، «شیر قاضی خان» هم در حیاط مدرسه ایستاد و گفت: بایستی یک مدرسه دیگر هم همانند این مدرسه بسازید که آن گاه از شدت ناراحتی اسرای ایرانی از بالای بام با کلوخ خان را مورد حمله قرار دادند و خان هم دستور داد آن ها را قتل عام کنند و گویند آن قدر جسد در حیاط این مدرسه ریخته بوده است که تا مدت ها کسی نمی توانست به آن مدرسه برود.

سومین محل بازدید ما مقبره ای معروف به «مزار شریف» بود که مربوط به یکی از علمای خویه است که در سده ۱۲ و ۱۳ ق می زیسته. آن گاه به مدرسه «آتا جان بوی»، که مدرسه کوچکی است و حدود ۱۱۵ سال قبل بنا شده، رفتیم.

هم چنین مدرسه «اسلام خواجه»، که جنب مناره بسیار بلند و زیبای ارک قرار گرفته، دیدیم. این مدرسه یک طبقه است و اسلام خواجه آخرین امیر خوارزم بوده که در حدود نود سال قبل آن را بنا کرده است. این مدرسه دارای ۲۲ حجره به سبک مدارس قدیمی ایران است. در حال حاضر، حجره های این مدرسه را از داخل به یکدیگر راه داده اند و به یک موزه تبدیل شده است. در این موزه آثار فلزی مربوط به خان های خویه

و خوارزم و مقداری اسناد دست نویس و چند جلد کتاب خطی فارسی و عربی و ازبکی که چندان نفیس نیستند و نیز تعدادی قالیچه قدیمی قرار دارد.

از کارهای جالب معماری در این مدرسه آن که در زیر پایه ها و دیوارهای مدرسه به فاصله پنجاه سانتی متر از زمین تخته هایی به قطر ده سانتی متر قرار داده اند و گوشه های آن ها را با آهن بسته اند تا رطوبت زمین به بالای پایه و دیوارها نرسد و جالب این که رطوبت تازیر این تخته ها آمده و بالاتر نرفته است و در اکثر ساختمان های این مجموعه همین روند انجام شده است.

پس از آن از تعدادی مقابر بزرگان و علمای خویه در پشت آرامگاه پهلوان محمود بازدید کردیم و عکسی به یادگار گرفتیم. بعد، از مسجد جامع این مجموعه بازدید کردیم. در کنار این مسجد یک مناره مرتفع دیگری قرار دارد که از مناره اصلی که گفتیم کوتاه تر است و آجر و کاشی کاری آن، چشم آدمی را می نوازد و در قرن ۱۳ ق ساخته شده است. در این مسجد جامع که ستون و سقف آن چوبی است تعداد ۲۱۳ ستون کنده کاری چوبی است و یک کالسکه مربوط به آخرین خان خویه در کنار این مسجد قرار دارد. سمیناری که به مناسبت دوهزار و پانصدمین سال ساخت خویه برپا شده بود در همین محل برگزار گردیده بود. روبه روی این مسجد یکی از مدارس کوچک همان خان های خویه به نام مدرسه «مطران نوای» است که در حال حاضر به صورت موزه ملی در آمده است.

پس از آن از مدرسه «محمد امین» در نزدیکی همین مسجد جامع بازدید کردیم. محمد امین یکی از خان های خویه بوده است. این مدرسه در حدود ۱۹۰ سال قبل ساخته شده و یک طبقه است.

آن گاه به دیدن کاروانسرای خویه، که در همین مجموعه قرار دارد و این مجموعه را به بازار شهر متصل می سازد، رفتیم. در این کاروانسرا تعدادی فروشنده اجناس روز را به فروش می رسانند. روبه روی این کاروانسرا مدرسه «الله قلی خان»، یکی دیگر از خان های خویه، قرار دارد که از شاه کارهای معماری و کاشی کاری در قرن ۱۲ ق است. همان گونه که یاد آور شدیم تمامی این کاشی کاری ها کار استادان برجسته ایرانی است که یا اسیر بودند و یا آن ها را با زور یا اختیاری از ایران به منطقه

البته این مجموعه در آثار باستانی یونسکو ثبت است و یونسکو همه ساله مبالغی را جهت تعمیرات مجموعه اختصاص می‌دهد، اما کافی به نظر نمی‌رسد. در شهر «خیوه» آثار دیگری هم وجود دارد که کمی فرصت به ما اجازه بازدید نداد و به‌ناچار مجدداً به «اورگنج» برگشتیم.

### خرید کتاب

در این سفر مقداری کتاب به زبان روسی، که از بیش از یک صد سال قبل در «مسکو» و «سن پترزبورگ» و «تاشکند» در خصوص اسلام و ایران چاپ شده بود. برای تکمیل کتاب‌های روسی کتاب‌خانه خریدیم که از آن جمله‌اند:

- ۱- دائرة المعارف اتحاد شوروی در ۵۱ جلد به زبان روسی.
- ۲- دوره کامل آثار «بارتولد» در ۱۱ جلد به زبان روسی.
- ۳- دوره کامل آثار برتلس یا تاریخ تمدن ایران در ۴ جلد به زبان روسی.
- ۴- دوره کامل گراچوسکی در ۶ جلد به زبان روسی.
- ۵- دوره کامل استوری در ۳ جلد به زبان روسی.
- ۶- مهمان‌نامه بخارا و سه جلد اسناد سمرقند و شیوخ جویباری چاپ مسکو به زبان فارسی.
- ۷- مینیاتورهای آسیای مرکزی.
- ۸- قسمتی از الانساب سمعانی به زبان روسی.
- ۹- مقدمه ایران‌شناسی اورانسکی.
- ۱۰- تاریخ مسعودی به زبان روسی.
- ۱۱- تاریخ طبری به زبان روسی.
- ۱۲- القانون ابن سینا در ۱۱ جلد به زبان روسی - چاپ دوم.
- ۱۳- تمدن اسلامی آدام متر.
- ۱۴- مینیاتورهای با برنامه.

می‌آوردند. این نوع کاشی‌کاری، در جای دیگر کم‌تر یافت می‌شود؛ من تا کنون در جایی چنین کاشی‌کاری با سبک خاص ندیده بودم. این مدرسه به صورت مستطیل و در دو طبقه و به سبک خاصی است که در هیچ جا این سبک معماری وجود ندارد. در یک ضلع، قسمتی دارای چهار شبستان بلند و قسمتی چند حجره فوقانی و تحتانی و در ضلع مقابل، چهار درب ورودی کوچک که ورودی هشت حجره است و از گوشه داخل آن به قسمت فوقانی متصل می‌شود. من مدتی در این مدرسه ایستادم و تأسف خوردم که چرا به این آثار بسیار زیبا آن‌گونه که باید توجه نمی‌شود و مردم به آن بی‌تفاوت‌اند.

مراسم میهمانی ۲۵۰۰ ساله خیوه با حضور وزیر خارجه ازبکستان و والی منطقه و میهمانان داخلی و خارجی در حیاط این مدرسه برگزار شده است. من از کاشی‌کاری‌های این مدرسه تعداد زیادی عکس گرفتم. میل داشتم بیش‌تر از این مدرسه بهره ببرم، اما چون فرصت کم بود، به ناچار خارج شدم و به بازدید مدرسه «ابوالقازی خان» جنب کاروان‌سرای خیوه پرداختم. این مدرسه در دو طبقه و به صورت مربع ساخته شده است و متأسفانه در حال ویرانی است و هیچ‌گونه تعمیراتی هم در آن صورت نگرفته است. سر در ورودی این مدرسه کاشی‌کاری و درب‌های آن‌کنده کاری و فرسوده شده است.

سرانجام به بازدید مدرسه «محمد امین بهادر»، که از همه مدارس موجود در این ارک بزرگ‌تر است، رفتیم. این مدرسه به صورت مربع و در دو طبقه است. چهار گوشه آن از قسمت بیرونی چهار مناره دارد که سرهای آن از بام طبقات فوقانی حدود پنج متر بلندتر است و روی آن کاشی فیروزه‌ای است و حدود هفتاد حجره دارد و نسبتاً سالم‌تر از دیگر مدارس مانده است.

در جلوی درب ورودی این مدرسه یک مناره بسیار قطور و نسبتاً کوتاه با کاشی‌کاری فیروزه‌ای قرار دارد که ندانستم فلسفه این مناره چیست؛ مأذنه که نیست چون اتاقکی بر بالای آن وجود ندارد، ظاهراً سمبل این مجموعه باشد.

با تأسف فراوان از بی‌توجهی مسئولان، اشخاص سودجو مقداری از زمین‌های ارک را تصرف کرده و حتی به خانه‌های مسکونی تبدیل نموده‌اند و از این جهت رو به ویرانی است.



# آشنایی با بخش فهرست نویسی کتاب های چاپی

نورالدین علی لو\*

در سال ۱۳۷۱ ش بخش فهرست نویسی واحد اطلاع رسانی، با مسؤولیت حجة الاسلام مقدم و زیر نظر ریاست و تولیت محترم کتابخانه، حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی - دامت افاضاته - آغاز به کار کرد. شیوه جدیدی که در این بخش مورد عمل واقع می شود بحث و شرح مفصلی را می طلبد که در شماره های بعدی بیان خواهیم کرد.

هم اکنون به فضل و یاری خداوند متعال و توجه خاص مقام محترم تولیت، علاوه بر کتاب های وارده روزانه، قریب به هشتاد درصد از کتاب های مخزن بزرگ این مرکز افتخار آمیز نیز فهرست نویسی شده است. امیدواریم در آینده نزدیک و قبل از انتقال به ساختمان جدید تمامی کتاب های مخزن فهرست شوند.

## معرفی اجمالی شیوه جدید فهرست نویسی کتابخانه

قبل از بیان شیوه کار و مدخل های کار برگه لازم است معنای دو واژه فهرست نویسی و فهرست نویسی را بیان کنیم.

**فهرست نویسی:** کتاب داری که شکل های شناسه را تعیین می کند و توصیف های کتاب شناختی برای یک فهرست تهیه می نماید و در بسیاری از کتابخانه ها، کتاب ها را رده بندی

یکی از بخش های واحد اطلاع رسانی کتابخانه حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى - قدس سره الشریف - بخش فهرست نویسی کتاب های چاپی است. در این بخش کتاب های چاپی - اعم از سنگی و جدید - به زبان های عربی، فارسی، ترکی و ... فهرست می شود.

## سابقه فهرست نویسی در کتابخانه

تقریباً در سال ۱۳۵۳ شمسی که ساختمان فعلی کتابخانه افتتاح شد، فهرست نویسی کتاب های چاپی هم زمان با فهرست نویسی کتاب های خطی آغاز گشت. مرحوم حجة الاسلام شیخ حسن نوری، قریب به پانزده سال زحمت فهرست نویسی کتاب های چاپی را به عهده داشت.

شیوه فهرست نویسی در آن زمان به طور سنتی بود، در هر فهرست برگه چهار مدخل اصلی وجود داشت و توصیف کتاب بر روی کارت هایی به شکل ذیل انجام می گرفت:

- نام کتاب:..... مسلسل
- مؤلف:..... قفسه
- موضوع:.....
- چاپ:..... ردیف
- ملاحظات:..... شماره

\* محقق و فهرست نویس کتابخانه حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى.



می‌کند و سرعنوان‌های موضوعی به آن‌ها می‌دهد.<sup>(۱)</sup>

فهرست‌نویسی: فرآیند آماده‌سازی یک فهرست یا تعیین شناسه‌ها برای یک فهرست به معنای وسیع کلمه. به عبارت دیگر، تمام فرآیندهایی که برای تهیه و نگه‌داری یک فهرست انجام می‌شود، شامل رده‌بندی و تعیین سرعنوان‌های موضوعی به معنای اخص، شامل تعیین شکل‌های شناسه و فراهم کردن توصیف‌های کتاب‌شناختی برای یک فهرست.<sup>(۲)</sup>

روش کار بدین صورت است که پس از تحویل گرفتن کتاب‌ها از مخزن چاپی کتاب‌خانه یا از بخش آماده‌سازی در دو مرحله اقدام به فهرست‌نویسی آن‌ها می‌شود:

۱- نوشتن اطلاعات توصیفی و تحلیلی در کاربرگ‌های طراحی شده.

۲- بازنگری کاربرگ‌های فهرست‌نویسی شده توسط گروه دیگر از فهرست‌نویسان.

کاربرگ‌ها بعد از بازنگری جمع‌آوری و به ترتیب الفبای عناوین برگه‌آرایی شده و بعد به اپراتورهای بخش کامپیوتر تحویل داده می‌شود تا به ترتیب، اطلاعات کتاب‌شناختی کتاب‌ها، وارد دستگاه شود. کاربرگ‌ها در یک ورق دورو طراحی شده که نمونه آن همراه با توضیح مختصری درباره مدخل‌های مربوط ذیل‌آیین می‌شود.

### شرح مدخل‌ها

مدخل‌های ذیل با استفاده از کتاب‌های کتاب‌داری مانند: اصطلاح‌نامه کتاب‌داری، قواعد فهرست‌نویسی و ... شرح داده می‌شود.

۱. فروست: عبارت از عنوان مشترکی است برای یک سلسله آثار تک نگاشته که به وسیله تنالگانی منتشر می‌شود یا تعدادی از آثار جداگانه که معمولاً از نظر موضوع و سایر جهات با هم بستگی دارند و به دنبال هم و به وسیله یک تنالگان انتشار می‌یابند و دارای یک عنوان مشترک هستند. فروست نیز بر اصلی و فرعی تقسیم می‌شود.

۲. عنوان: مشخص کننده هر اثر را عنوان می‌گویند.

۳. پدیدآور: شخص یا گروهی که مسئولیت مستقیم اثر به

عهده اوست.

۴. نقش: تألیف، تصنیف، اهتمام، کوشش و ...

۵. شناسه افزوده پدیدآوران: کسانی که در به وجود آمدن

اثر به نوعی نقش داشته باشند. همانند معلق، مصحح، محشی، محقق، تخریج، شارح، مترجم و ...

۶. شناسه افزوده عناوین: شامل عنوان دیگر، برابر، داخلی،

اصلی، عطف، صحافی، کامل، عوض شده، نیمه عنوان، عنوان لاتین و ... می‌باشد.

۷. تکرار نام پدیدآور یا پدیدآوران: تکرار نام کسانی که

مسئول محتوای اثر هستند، همراه با بیان مسؤولیت هر کدام.

۸. وابسته: آثاری که با اثر دیگری ارتباط داشته باشد، اما از

اثر اصلی مستقل منتشر شده باشد؛ مانند تکمله‌ها، ذیل‌ها و ...

۹. اثر: کلمه مضاف که مضاف‌الیه آن پدیدآور اثر وابسته

است و در مقابل اثر نام آن نوشته می‌شود.

۱۰. نوع وابستگی: مثل تکمله، تذییل و ...

۱۱. تاریخ تألیف.

۱۲. شابک: شماره استاندارد که در سال ۱۹۶۹ م سازمان

بین‌المللی استاندارد ای. اس. بی. به‌منزله راه حل برای تعیین

هویت هر جلد کتاب پیش‌نهاد کرده است و به دنبال آن یک

آژانس بین‌المللی برای شماره‌گذاری کتاب به وجود آمد. این

شماره استاندارد در کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌برگه‌ها نیز درج

می‌شود. این شماره از دو شماره که روی هم چهار جزء را تشکیل

می‌دهند درست شده است: جزء اول مشخص کننده زبان یا نقطه

جغرافیایی، جزء دوم معرف ناشر، سوم شماره ترتیب کتاب در

انتشارات یک ناشر خاص و جزء چهارم عامل کنترل کننده ارقام

فوق به وسیله کامپیوتر است.

۱۳. ناشر: اعم از شخص یا شرکت حقوقی یا تنالگانی.

۱۴. محل نشر: شهر یا کشوری که کتاب در آن‌جا منتشر

می‌شود.

۱۵. سال نشر: سالی که کتاب چاپ و منتشر می‌شود.

۱۶. چاپ‌خانه: کارگاه چاپ کننده کتاب.

۱. اصطلاح‌نامه کتابداری، پوری سلطانی و فروردین راستین.

۲. همان.



می شود.

۳۷. رده کتابخانه: شماره موضوع کتابخانه.

۳۸. رده دیوئی: شماره موضوع دیوئی.

۳۹. رده کنگره: شماره موضوع کنگره.

۴۰. عناوین داخلی یا ریز موضوعات و پدیدآور آن‌ها.

۴۱. یادداشت: مطالب لازم و ضروری خارج از مدخل‌ها که

از طرف فهرست‌نویس توصیه و قابل یادآوری باشد.

۴۲. نام فهرست‌نویس همراه با تاریخ آن.

۴۳. نام بازنگر همراه با تاریخ آن.

۴۴. نام کاربر همراه با تاریخ آن.

در پایان لازم به یادآوری است که این گزارش غیر از

فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی و کارهای جنبی دیگر است؛ از

جمله تهیه و نوشتن مستند مشاهیر - که تا کنون بیش از ۶۰۰۰۰

هزار مستند سازی شده - و فیش‌برداری موضوعی و آموزش

دادن به کارورزان معرفی شده از دانش‌گاه‌ها و مراکز دیگر کشور

است.

۱۷. نوبت چاپ: شماره اولین یا چندمین چاپ کتاب.

۱۸. ویرایش‌گر: کسی که کتاب را ویرایش می‌کند.

۱۹. نوبت ویرایش: شماره اولین یا چندمین ویرایش کتاب.

۲۰. زبان اصلی، فعلی، واسطه: زبان اصلی همان زبانی است

که نویسنده اول نوشته و فعلی زبانی است که کتاب در دست

فهرست اکنون به آن زبان می‌باشد و زبان واسطه زبانی است که

کتاب نخست به آن زبان ترجمه شده است.

۲۱. ارزش: از نظر نفیس بودن، ضاله و ممنوعه بودن از

دیدگاه ارزشی کتابخانه.

۲۲. محتوی: شامل نقشه، جدول، تصاویر، عنوان، اشکال

و ...

۲۳. کتاب‌نامه: منابع، مراجع، مآخذ و کتاب‌شناسی اثر که

مورد استناد مؤلف، محقق و ... قرار می‌گیرد.

۲۴. واژه‌نامه: واژه‌نامه‌هایی که در آخر کتاب چاپ می‌شود.

۲۵. نوع چاپ: سنگی، عکسی، فلزی، چوبی، افست،

گراوری و ...

۲۶. قطع و اندازه: رحلی، وزیری، رقعی، جیبی، خشتی،

سلطانی، جانمازی و ...

۲۷. بها: قیمت پولی کتاب.

۲۸. کاغذ: اسیدی، فرسوده، آفت‌زده، معمولی و ...

۲۹. تعداد جلد یا عنوان و جزء.

۳۰. نسخه: نمونه‌ای از یک اثر چاپی در کتابخانه و تعداد

آن‌ها.

۳۱. صفحه: شماره آخرین صفحه از کتاب.

۳۲. شماره ثبت: شماره مخصوصی که به ترتیب وصول

آن‌ها اختصاص داده شده.

۳۳. شماره مسلسل: سریال کتاب.

۳۴. محل استقرار: قفسه، ردیف، شماره کتاب که در آن جای

می‌گیرد.

۳۵. موضوع: نشان‌گر مطالب، به صورت استاندارد.

۳۶. مندرجات: این در مواردی است که منتخب آثار یک

مؤلف یا اثر درباره موضوع‌های متفاوت و یا در یک جلد آثار

چندی درج شده باشد؛ اعم از چاپ و صحافی و یا هر جلدی از

یک دوره عنوان خاص داشته باشد که به ترتیب آن‌ها درج

## اخبار کتابخانه

انجام برساند چندین سال به طول می‌انجامید؛ ضمن آن‌که هزینه‌های بسیاری را دربرداشت.

ضمناً تعدادی از متخصصان بخش مرمت مرکز جمعة الماجد که همراه مسؤولان خود از کتابخانه بازدید نمودند به مدت دو هفته از تجربیات همکاران شاغل کتابخانه در بخش مرمت

### تجدید تفاهم‌نامه کتابخانه

### با مرکز فرهنگ و میراث جمعة الماجد دبی



هنگام امضای تفاهم‌نامه میان کتابخانه و مرکز فرهنگی جمعة الماجد

به دعوت مسؤولان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آقای شیخ جمعة الماجد، مؤسس و رئیس مرکز فرهنگ و میراث جمعة الماجد، واقع در دبی (امارات عربی متحده) سفر چند روزه‌ای را در آبان ماه به ایران اسلامی کرد. در این سفر ضمن عقد تفاهم‌نامه با چند مرکز فرهنگی بزرگ کشور، تفاهم‌نامه موجود را که چند سال قبل با این کتابخانه برقرار ساخته بود، مجدداً در نه ماده تجدید نمود. وی ضمن بازدید از بخش‌های مختلف کتابخانه از گسترش چشم‌گیری که از سفر اول خود تا این زمان داشته است، ابراز

شگفتی کرد و به روح بنیان‌گذار کتابخانه درود فرستاد.

در پی سفر ایشان کتابخانه موفق شد از بیش از دو هزار نسخه خطی، که آن مرکز از کشورهای مختلف جهان عکس‌برداری نموده است، میکروفیلم تهیه کند و در آرشیو خود قرار دهد که اگر کتابخانه رأساً در نظر داشت این کار را به

سود جستند و نیز آنان از متخصصان آن مرکز تجربیاتی را اخذ کردند. در نظر است تعدادی از همکاران در آینده نزدیک به منظور آشنایی با بخش مرمت آن مرکز به همراه رئیس کتابخانه به دبی سفر کنند.



## تفاهم نامه همکاری فرهنگی میان کتابخانه عمومی آية الله العظمى مرعشى نجفی و مرکز فرهنگ و میراث جمعة الماجد دبی - امارات عربی متحده

**ماده پنجم:**  
طرفین در برگزاری دوره های آموزشی و تشکیل میزگردها  
و جلسه های فکری و فرهنگی در موضوعات مورد علاقه دو  
طرف همکاری و مساعدت لازم را مبذول خواهند داشت.

**مقدمه:** با توجه به علایق  
دینی، تاریخی، جغرافیایی،  
فرهنگی و اجتماعی موجود بین  
دو طرف و علاقه شدید آنها به  
بسط و توسعه این علایق از طریق  
همکاری های فرهنگی اسلامی  
و تبادل فکری و اطلاعاتی و ارائه  
خدمات برجسته به دانش مندان  
و محققان به آسان ترین شیوه  
و تمایل طرفین در اجرای فرمان  
الهي «تعاونوا على البر و التقوی»  
که ثمرات مفیدی برای هر دو  
طرف در پی خواهد داشت،  
تصمیم به انعقاد این تفاهم نامه به  
شرح ذیل گرفته شد.

### ماده اول:

طرفین کتابها و نشریه های  
خود را با یکدیگر مبادله خواهند نمود.

### ماده دوم:

طرفین در اجرای پروژه های تحقیقاتی و مطالعاتی  
و ترجمه کتابها و نشریه ها و چاپ و نشر و تحقیق درباره  
کتاب های خطی مورد علاقه دو طرف مشارکت خواهند داشت.

### ماده سوم:

طرفین در زمینه مبادله فیلم و میکروفیلم و فتوکپی  
نسخه های خطی و اسناد و مدارک و انتقال تجربیات در زمینه  
ترمیم و نگهداری نسخه های خطی به صورت یکسان و پایاپای  
با یکدیگر همکاری می نمایند

### ماده چهارم:

طرفین می توانند در زمینه انتقال تجربیات کارشناسی در  
زمینه علوم کتابداری و تکنیک اطلاع رسانی کتابخانه های  
یکدیگر را یاری کنند.

### ماده ششم:

طرفین در اعزام هیئت های فرهنگی و علمی به منظور  
بازدید از فعالیت های یکدیگر در مناسبت های فرهنگی دو  
طرف کوشش خواهند نمود.

### ماده هفتم:

طرفین در پرتو تجربیات، کوشش های لازم را به منظور  
تصحیح و تکمیل این تفاهم نامه مبذول خواهند داشت.

### ماده هشتم:

این تفاهم نامه از تاریخ امضا لازم الاجرا است و چنانچه هر  
یک از طرفین تمایل به فسخ این تفاهم نامه داشته باشد  
می بایست شش ماه قبل قصد خود را با دادن اطلاعیه کتبی به  
طرف دیگر اعلام نماید.

### ماده نهم:

پس از لغو و یا تغییر این تفاهم نامه برنامه های کاری



کاردار سفارت ایتالیا و آقای پروفیسور بیه مونتسه وابسته فرهنگی سفارت و استاد زبان فارسی دانشگاه رم،  
در دیدار از کتابخانه و ملاقات با متونی آن

۳) طرف ایرانی متعهد شد نسبت به بازآموزی یک نفر جهت دوره تکمیلی مرمت نسخ خطی و آموزش یک نفر جهت آشنایی با شیوه کتاب‌داری نسخ خطی در قم، طرف از یکی را مساعدت نماید. ۴) طرفین تعهد نمودند تا نسبت به برگزاری نمایش‌گاهی از تصاویر نسخ خطی مورد درخواست طرف دیگر در تاشکند و قم همکاری نمایند.

۵) طرف از یکی تعهد نمود تا نسبت به تکمیل فرم اطلاعاتی دایرة المعارف کتاب‌خانه‌های جهان اسلام که توسط طرف ایرانی تهیه می‌شود اقدام نموده، سعی نماید کتاب‌خانه‌های دیگر ازبکستان را نیز برای تکمیل این فرم ترغیب نماید.

۶) دو طرف تلاش می‌نمایند تا زمینه حضور محققان یکدیگر را در مراکز خود تسهیل نموده و امکانات لازم را برای استفاده ایشان فراهم آورند.

۷) طرفین تعهد کردند تا یکدیگر را برای سمنارها و کنگره‌های داخلی خود دعوت نموده و نسبت به مبادله اطلاعات و اخبار این همایش‌ها اقدام نمایند.

۸) طرفین توافق کردند که درباره مسائل دیگر مربوط به تحقیقات نسخ خطی در آینده مذاکراتی انجام پذیرد.

۹) هزینه‌های انجام این توافقات در هر مرحله براساس امکانات و موافقت طرفین مشخص و انجام می‌گردد.

۱۰) این توافق‌نامه در دو نسخه و به زبان فارسی و ازبکی تهیه شده و به امضای طرفین رسیده و هر یک در حکم واحد است.

### قرارداد همکاری

براساس این قرارداد مقرر شد نام‌گویی دست‌نویس‌های موجود در انستیتوی «حمید سلیمان» آکادمی علوم جمهوری ازبکستان توسط کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی در جمهوری اسلامی ایران (شهر قم) به چاپ رسد.

### شرایط کار

۱- انستیتو موظف است کپی سه جلد دفاتر ثبتی خود را در

مشترک مصوب که به مرحله اجرا گذاشته شده است، تا پایان مراحل کار ادامه خواهد یافت.

این تفاهم‌نامه در شهر قم روز پنجشنبه ۱۳۷۶/۸/۲۲ برابر با ۱۹۹۷/۱۱/۱۳ در سه نسخه به زبان‌های فارسی و عربی تنظیم و به امضای طرفین رسیده است.

### توافق‌نامه همکاری فرهنگی

میان کتابخانه عمومی آية الله العظمی مرعشی نجفی

و انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی

به منظور گسترش مطالعات و تحقیقات مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان و در پی دیدار رسمی حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمود مرعشی



آقای شاه محمود، از برجسته‌ترین مینیاتورست‌های جهان از کشور ازبکستان، در هنگام آموزش مرمت اسناد و کتاب‌های خطی

نجفی از انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی توافق‌نامه ذیل میان کتاب‌خانه عمومی حضرت آية الله العظمی مرعشی نجفی واقع در شهر قم و انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی واقع در شهر تاشکند منعقد گردید.

۱) طرفین تعهد نمودند نسبت به مبادله میکروفیلم نسخه‌های خطی موجود در گنجینه‌های خود براساس درخواست رسمی طرف مقابل طبق قوانین هر مرکز اقدام نمایند.

۲) طرفین تعهد نمودند تا از این پس یک نسخه از کلیه آثار که راجع به نسخ خطی است و در مراکز خود آن را به چاپ می‌رسانند برای مراکز دیگر ارسال نمایند.



در مجموعه کتاب‌های خطی خریداری شده سه ماهه پاییز نسخه‌های نفیس و بسیار کهن به چشم می‌خورد که چند نمونه آن بدین قرار است:

- ۱- نهج البلاغه در قطع کوچک جیبی کتابت سال ۷۰۳ ه. ق.
- ۲- مشارق الانوار النبویة فی صحاح الاخبار المصطفویة، کتابت سال ۷۴۰ ه. ق.
- ۳- تفسیر معالم التنزیل بغوی، کتابت ۷۴۱ ه. ق.
- ۴- تفسیر کشف زمخشری، کتابت ۷۴۴ ه. ق.
- ۵- شرح قاضی عضد بر مختصر اصول ابن‌حاجب، کتابت ۷۶۴ ه. ق.
- ۶- المنتقى فی الاحکام از ابن تیمیة، کتابت ۷۳۶ ه. ق.
- ۷- شرح شاطیبة، کتابت ۷۴۶ ه. ق.

اختیار آقای مرعشی قرار داده تا برای حروف‌چینی در ایران همراه خود ببرد.

- ۲- آقای مرعشی موظف است تا پس از دو ماه از نماینده انستیتو برای نظارت بر چاپ به مدت یک هفته دعوت نموده و پس از چاپ تعداد یک صد نسخه از سوی ایشان به انستیتوی حمید سلیمان اهدا شود.
- ۳- کلیه هزینه‌های چاپ و انتشار بر عهده آقای مرعشی خواهد بود.
- ۴- پیش‌گفتار کتاب بر عهده آقای «عزیز قیوم‌اف» و مقدمه به عهده آقای «مرعشی» خواهد بود.
- ۵- قرارداد در دو نسخه فارسی و ازبکی که هر دو سندیت دارد تهیه شده است.

### تازه‌های کتاب

در پاییز سال جاری چهار عنوان کتاب از سوی کتابخانه آية الله العظمى مرعشى نجفی منتشر شد که مشخصات آنها چنین است:

۱. مثنوی ملاصدرا، به کوشش مصطفی فیضی، ۲۱۶ص، وزیری. ۵۰۰ریال.
۲. تحفة لب اللباب، ضامن بن شدقم حسینی مدنی، تصحیح سید مهدی رجائی، ۴۰۰ص، وزیری. ۱۲۰۰۰ریال.
۳. مرآة الکتب، ثقة الاسلام تبریزی، تصحیح محمدعلی حائری، ۴۶۴ص، وزیری. ۱۵۰۰۰ریال.

۴. میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان، ۸۱۶ص، وزیری. ۲۵۰۰۰ریال.

### خرید کتاب

در پاییز سال جاری تعداد بیست عنوان کتاب خطی به کتابخانه هدیه شده است و تعداد ۴۰۹ جلد کتاب خطی، که اکثر آنها نفیس‌اند، برای کتابخانه خریداری شده است که ۲۸۰ جلد آن از کتابخانه مرحوم حجة الاسلام حسینی، ساکن اصفهان، است و از وراثت آن مرحوم خریداری شده است.



مهمانان برجسته از کشور یمن، در دیدار از کتابخانه

۸- کتاب النظامیة فی العلوم الحسائیة، از مؤلف مجهول به فارسی، نسخه منحصر به فرد بسیار نفیس، کتابت سده هفتم ه. ق.

۹- یک نسخه قرآن کریم، مذهب بسیار عالی - خط نسخ ترکستانی - دارای چهار سرلوح زیبا در قطع رقعی، کتابت اوایل سده ۱۳ ه. ق.

### کتابخانه، نهاد عمومی

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۷۶ به تصویب رسید که: «از تاریخ تصویب این قانون، عنوان

بخش‌های دیگر کتاب‌خانه، چون گنجینه کتب عکسی، میکروگرافی، فهرست‌نویسی و ... هر بیننده‌ای را به شور و شغف و شگفتی می‌آورد. بازتاب کمی از این شور و شغف بینندگان کتاب‌خانه، در دفتر یادبود کتاب‌خانه ضبط و ثبت شده و به تدریج در این مجله، منعکس می‌شود.

اینک یادآور شویم که در پاییز سال جاری ۶۴ دیدار فردی و گروهی از کتاب‌خانه انجام شد که از این میان، ۱۶ دیدار آن داخلی و ۴۸ دیدار آن خارجی بود. اغلب دیدارکنندگان از استادان دانشگاه‌ها

و دانش‌جویان و دانش‌وران و شخصیت‌های حقوقی بودند که جمع تعداد آنها به حدود هزار و پانصد نفر می‌رسد.

در این جا اسامی پاره‌ای از شخصیت‌های علمی و حقوقی و گروه‌های پژوهشی که در پاییز سال جاری از کتاب‌خانه دیدار کرده‌اند، آورده می‌شود.

دکتر عبدالرحمان فرفور (قائم مقام مرکز جمعة الماجد، از کشور امارات عربی، دبیر)، سید حمود بن عباس المؤید (نائب مفتی عام یمن)، جمعة الماجد و همراهان (امارات عربی دبیر)، احمد سمیعی گیلانی

(عضو فرهنگستان)، عین‌الدین راوی (مفتی بزرگ روسیه و امام جمعة مسکو)، امام عمر الشریف (استاد دانشگاه گینه بیسائو)، رئیس مجلس اسلامی گامبیا، دکتر علی اشرف صادقی (عضو فرهنگستان)، دانش‌جویان دانشگاه امام صادق (ع)، سید مرتضی محطوری (مدیر مرکز بدر علمی و استاد دانشگاه صنعا)، شیخ محمد یحیی سالم عزان (مدیر مرکز النور)، افسران نیروی دریایی سپاه، استادان و دانش‌جویان تربیت معلّم قم، دکتر ابوالقاسم گرجی (استاد دانشگاه تهران)، اعضای مؤسسه فلسفه مسکو، خانم میری دلماس مارتی (استاد دانشگاه در فرانسه)، کتاب‌داران استان زنجان، دکتر دنائو واریاله (کاردار و دبیر اول سفارت ایتالیا)، ژان مارک سورل (استاد دانشگاه در فرانسه)، محققان بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دکتر عبدالله جاسبی (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی).

شورای هم‌آهنگی تبلیغات اسلامی و هم‌چنین کتاب‌خانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (قم) به فهرست نهادهای عمومی غیردولتی، موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، مصوب ۱۳۷۵/۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی افزوده می‌شود.»

این قانون در تاریخ ۷ آبان ۱۳۷۶ به تأیید شورای نگهبان رسید و از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهوری برای اجرا ابلاغ شد.



اعضای انستیتو فلسفه مسکو

## دیدار از کتاب‌خانه

صدها دوستدار کتاب از گوشه و کنار ایران، و حتی از چهار سوی جهان، در هر ماه آهنگ دیدار از کتاب‌خانه حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی می‌کنند؛ باشد که آنچه را شنیده‌اند، به دیده بنگرند و از نزدیک به دیدن هزاران کتاب خطی و چاپی نفیس و چگونگی نگاه‌داری آنها توفیق یابند. هیچ ماهی سپری نمی‌شود مگر این‌که خیل عظیمی از شخصیت‌های علمی و حقوقی رهسپار قم می‌شوند و از پی زیارت حضرت فاطمه معصومه - س - آهنگ دیدار از کتاب‌خانه‌ای می‌کنند که به یمن وجود آن حضرت پی افکنده و آوازه آن عالم‌گیر شده است.

مشاهده کتاب‌های نفیس خطی و چاپی این کتاب‌خانه، چگونگی نگاه‌داری و آسیب‌زدایی از آنها، و نیز ملاحظه

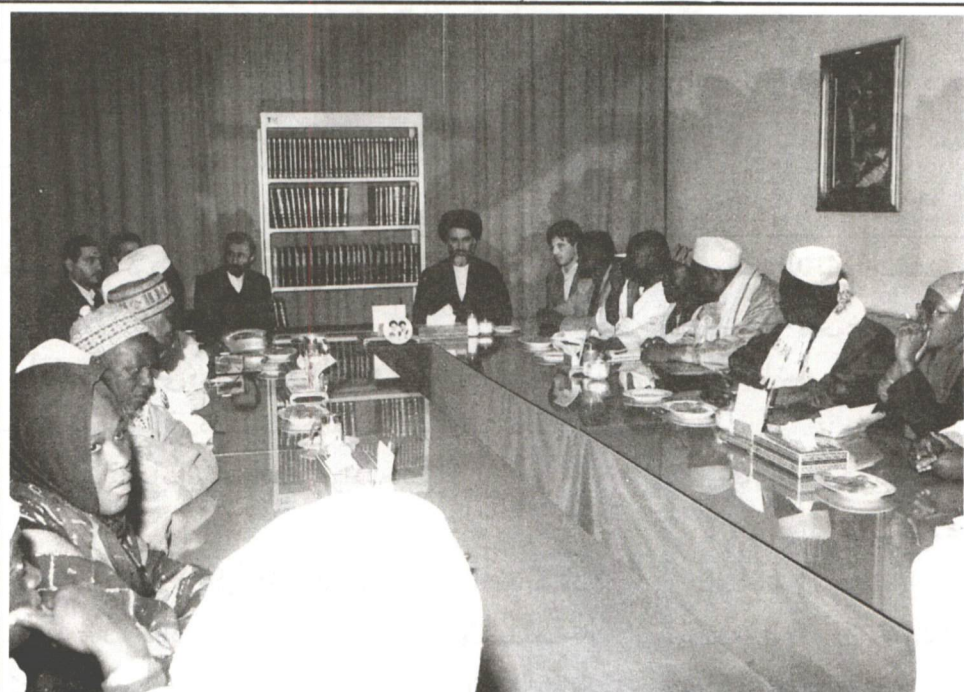


## بازتاب دیدار

آقای محطوری، مدیر مرکز بدرالعلمی و استاد

دانشگاه صنعا: خداوند متعال توفیقی نصیب من کرد تا از جمهوری اسلامی ایران و هم‌چنین شهر مقدس قم، شهر علم و علما، و آثار گرانبهایی که عالمان دینی بنیان نهادند، دیدن کنم؛ خصوصاً از کتابخانه حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى - اعلی الله مقامه - و هم‌چنین دیدن دکتر سید محمود مرعشى. آن‌چه را که در این کتابخانه دیدم باعث شگفتی من و همراهانم شد که عظمت آن در کلام ننگجد و در توصیف نیاید؛ چیزی که نه چشم دیده و نه گوش شنیده. عجیب‌تر آن که این

درپاییز سال جاری، تنی چند از شخصیت‌های علمی، سیاسی و حقوقی، از داخل و خارج کشور، از کتابخانه حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى دیدار کردند. با عنایت به فزونی دیدارکنندگان، اسامی عده‌ای از آنها در پیش درج شد. در ذیل، اظهارات برخی از دیدارکنندگان از کتابخانه - که همگی بیانگر شیدایی آنان است - آورده می‌شود.



مهمانان گینه و گامبیا در دیدار با متولی کتابخانه

عبدالرحمن فرفور، قائم مقام مرکز جمعة الماجد: به فضل خدا پس از شش سال، مجدداً زیارت کتابخانه نصیب ما شد؛ کتابخانه‌ای که حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى با زحمات طاقت‌فرسا آن را تأسیس کرده‌اند. هم‌چنین مکان ساختمان جدید را دیدم که دکتر سید محمود مرعشى آن را بسیار جالب بنا کرده بودند. خداوند به ایشان توفیق بیش‌تری عنایت فرماید که در این راه باهمت والا

گام برمی‌دارد؛ همت ایشان همانند همت امراء است و این ساختمان جدید نیز بنایش «اسس علی التقوی» و مفید برای جهانیان است. امید که تا ابد پایید و برگ زرینی در نامه اعمال ابوی گرامی‌شان باشد.

مجموعه با تحمل گرسنگی و از اجرت نماز و روزه و بسیار موارد دیگر انجام گرفته است. این معجزه زمانه است که خداوند به دست این‌گونه علما محقق می‌سازد. ما باید به این بزرگان تاسی کنیم.

\*

\*

دکتر ابراهیم بیکزاده، عضو هیئت علمی و معاون پژوهشی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی: باید به این همت والا احترام گذارد و در مقابل عظمت آن سر تعظیم فرود آورد، تا سرمشق دیگران نیز شود.

\*

دکتر ابوالقاسم گرجی، استاد ممتاز دانشگاه تهران: الحق کتابخانه‌ای بسیار عظیم و ثمین و کاملاً مجهز به وسایل مدرن و پیشرفته است. از خداوند - جلت عظمته - غفران الهی را برای مؤسس این مجموعه عظیم فرهنگی و توفیق سعادت و پیشرفت روزافزون را خواهانم.

\*

آقای سید محمد آل سید غفور: سعادت و توفیق پیشرفت و عظمت و شوکت کتابخانه و علو درجات برای مؤسس کتابخانه را از خداوند متعال خواستارم.

\*

پروفسور عبدالسلام حسین اف، متخصص تاریخ فلسفه اجتماعی در مسکو: برای ماباعث خوش حالی است که وارد شهر قم، که شهر روحانیت است، شدیم و از کتابخانه‌ای به این عظمت دیدن کردیم.

\*

آقای صادقی، از مسؤولان و یکی از رهبران شیعیان افغانستان: کتابخانه کم نظیری است، این دیدار در تاریخ مسافرت‌هایم به یاد ماندنی خواهد ماند.

\*

آقای خلیلی، یکی از رهبران شیعیان افغانستان: خداوند متعال، سعادت را نصیب کرد تا از ایران مخصوصاً قم و کتابخانه مرجع بزرگ شیعیان حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) دیدن کنم. این مرد بزرگ با زحمات طاقت فرسا و خارق‌العاده‌ای این مجموعه را تشکیل داده و در حد جهانی رسانده‌اند. من با دیدن این مجموعه عظیم بر خود می‌بالم. خداوند ایشان را با پیامبر اکرم (ص) محشور فرماید.

\*



مهمانان روسی در دیدار از کتابخانه

سعدالدین حسینی، پژوهش‌گر مصری: این کتابخانه، بوی خوش اسلام را مثل مناره‌ای به سوی آسمان کشیده تا تمامی مسلمین از آن استفاده کنند.

\*

آقای محمدرضا سنگری، نویسنده: توصیفی رسا و گویا برای این کتابخانه عظیم و شکوه‌مند نیافتم، اما این کتابخانه را «جغرافیای معرفت عشق» می‌نامم؛ چراکه تنها عشق می‌تواند پشتوانه جمع‌آوری این مجموعه گران‌سنگ گردد.

\*

آقای حسن ذوالفقاری، نویسنده: چشم‌هایم را شستم، تصورم عوض شد. با دو چشم خویش معنای بزرگی و شوکت و عظمت را با تمام وجود در این کتابخانه دیدم و دیده‌ها بردل نشست. جهد و جدّ و تلاش خستگی‌ناپذیر را ستایش می‌کنم و بر دستان پرتوان خادمان فرهنگ بوسه می‌زنم.



**خواهران دانشجوی تانزانیایی: فرصت بزرگی برای ما دست داد تا از کتابخانه عظیمی دیدن کنیم. استفاده از شیوه‌های پیشرفته در این کتابخانه برای ما جالب بود. امیدواریم که هرچه بیش‌تر در جهان گسترش یابد و به تمامی اهداف عالی خود نایل آید.**

\*

**آقای جمعة الماجد، رئیس مرکز فرهنگی جمعة الماجد امارات: خداوند مؤسس کتابخانه را غریق رحمت کند. ساختمان جدید کتابخانه را که مشاهده کردم به شگفت آمدم، چون با دقت بسیاری آن را بنا کرده‌اند و با امکانات و تکنولوژی جدیدی رو به پیشرفت است. خداوند توفیقات دست‌اندرکاران آن را افزون فرماید.**

\*

**آقای ناصر خام آدم، پژوهش‌گر مصری: برای من که هنوز دانش‌جوی کوچکی هستم بازدید از این کتابخانه عظیم و باشکوه و گنجینه علمی - تاریخی آن، که در اثر زحمات و تلاش مؤسس کتابخانه برجای مانده، خاطره به یاد ماندنی و بسیار ارزش‌مندی است.**

\*

**آقای مهدی پور، پژوهش‌گر: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء»، کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی اعجازی است از توانایی‌های اشرف مخلوقات، خداوند به ما توفیق ادامه راهشان را عطا فرماید.**

\*

**شیخ عین‌الدین راوی، امام جمعه مسکو: از طرف تمامی مسلمانان روسیه از کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بازدید کردم. برای بنده و همراهان بسیار عجیب بود. خداوند، اجر بزرگی جهت احیای اندیشه و فرهنگ اسلامی به ایشان عنایت فرماید.**

\*

**آقای احمد عرفانی‌فر، سرپرست دانشجویان المپیاد فیزیک و ریاضی ایران: توفیق شامل حال شد تا با دیدن قسمت‌های مختلف**



دیدار آقای عین‌الدین راوی، مفتی بزرگ روسیه و امام جمعه مسکو، از کتابخانه

کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی - ره - اطلاعات مفیدی را در این زمینه کسب کردیم. بر ما فرض است تا از زحمات مدیریت محترم و کلیه پرسنل تشکر کنیم.

\*

**مسئول گردهم‌آیی پرورشی ایران: عظمت این کتابخانه ما را به شگفتی واداشت. برپایی و استمرار آن جز با اخلاص و ایثار ممکن نیست. به روان پاک آن مرحوم درود**

**دکتر عبدالله جاسبی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی: دیدن کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی - ره - این جانب را به یاد عظمت تاریخی و اسلامی شهر مذهبی قم انداخت. جا دارد این مجموعه عظیم را به مردم فرهنگ دوست ایران و جهان شناساند تا به گوشه‌ای از عظمت تمدن بزرگ اسلامی پی ببرند.**

\*

می فرستم و برای دست‌اندرکاران این مجموعه گران‌سنگ  
آرزوی توفیق روزافزون را داریم.

این مجموعه عظیم فرهنگی، جزای خیر عنایت فرماید.

\*

### دکتر حمید فرزام، عضو فرهنگستان زبان و ادب

فارسی: ضمن تشکر از  
تولیت و مسؤولین، به‌راستی  
کتاب‌خانه‌ای دیدنی است. نه  
تنها این مجموعه عظیم  
فرهنگی که از ذخایر اسلام  
است در ایران بی‌نظیر است،  
بلکه بدون اغراق در جهان نیز  
کم‌نظیر است. توفیق هرچه  
بیش‌تر را برای مسؤولان این  
کتاب‌خانه از خداوند بزرگ  
مستلت می‌نمایم.

\*

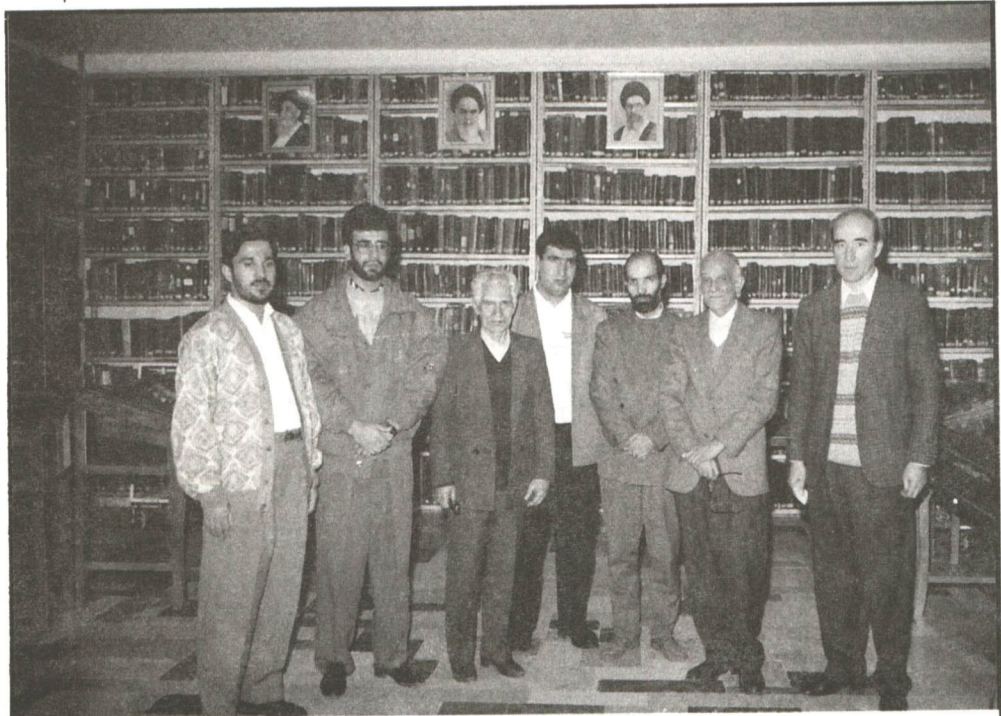
### آقای احمد سمیعی گیلانی، عضو فرهنگستان

زبان و ادب فارسی: بازدید  
از کتاب‌خانه خلد آشیان آیه‌الله

العظمی مرعشی نجفی برای این حقیر حادثه‌ای بود غیر‌باور.  
آثار همت آن مرجع‌گران‌قدر جهان تشیع، در این کتاب‌خانه  
کم‌نظیر و از جهات متعدد بی‌نظیر بود. استفاده از آخرین  
دست‌آوردهای فنی و اصول کتاب‌داری برای حفظ و حراست  
این مؤسسه فرهنگی سزاوار تقدیر است. خداوند به همه برادران  
که خادمان فرهنگ غنی اسلامی هستند اجر شایسته عطا فرماید.

\*

آقای رمضان‌علی کاویان، از فرهنگستان زبان  
و ادب فارسی: دیداری که از کتاب‌خانه آیه‌الله العظمی  
مرعشی نصیب این‌جانب شد آرزوی دست‌نیافتنی و غیرقابل  
باور بود. از تمامی برادران که در این مجموعه همکاری می‌کنند  
قدردانی می‌شود.



چند تن از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دیدار از کتاب‌خانه

آقای جالو و میهمانان گینه و گامبیا: برای جهان اسلام  
و جمهوری اسلامی ایران بسیار مایه مباهات است که توانسته  
است کتاب‌خانه‌ای با این عظمت، که من در طول نیم‌قرن در  
سراسر جهان مشاهده کرده‌ام، به پاکند. این کتاب‌خانه میراث  
فرهنگی مهمی در جهان اسلام است. امیدوارم که همواره رو به  
پیشرفت باشد.

\*

دکتر علی اشرف صادقی، عضو فرهنگستان زبان  
و ادب فارسی: کتاب‌خانه مرحوم آیه‌الله العظمی مرعشی  
نجفی بی‌تردید از مجهزترین و غنی‌ترین کتاب‌خانه‌های ایران  
است. در تمامی قسمت‌ها اعم از نسخه‌های خطی، عکسی،  
چاپی، میکروفیلم، آفت‌زدایی و مرمت نسخه‌های خطی با  
دستگاه‌های پیشرفته نظیری برای آن در خاورمیانه نیز نمی‌توان  
یافت. به همت والای بانی این مؤسسه، که حافظ میراث فرهنگی  
اسلامی ما ایرانیان است، درود می‌فرستم و از خداوند متعال علو  
درجات ایشان را خواهانم. خداوند به گردانندگان و مسؤولان



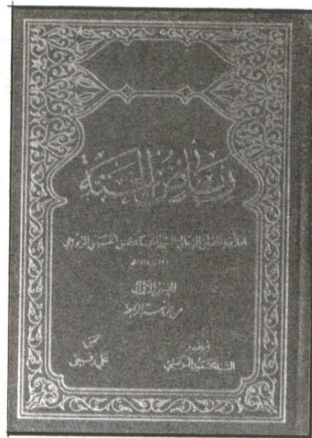
# تأملی در ریاض الجنه

محمد صحتی سردرودی

و بیش تر است. ریاض الجنه در حقیقت شاه کار علامه زنوزی شمرده می شود و با توجه به این که این اثر سیصد و اندی سال پیش، با نبود ابتدایی ترین امکانات تحقیقی، آن هم با آن طول و تفصیل، نوشته شده، باید گفت راستی که کاری بوده کارستان و زنوزی زحمت زیاد و طاقت فرسایی را برای تهیه و تدوین آن به جان خریده است و باری را که باید گروهی از پژوهش گران به دوش می کشیدند، وی به تنهایی آن را به سر منزل مقصود رسانیده است.

محمدعلی صفوت سخنی درباره ریاض دارد که می تواند ارزش آن را بیش تر بنمایاند، وی می نویسد: «ریاض الجنه... به ظن قوی اولین دائرة المعارف اسلامی است [که] در میان ملل اسلام و اغلب ممالک مسیحی [همانندش نیست و] در آذربایجان... نگارش یافته است.»<sup>(۲)</sup>

اما با این همه، این اثر گران بار چنان که می بایست شناخته



محمدحسن حسینی زنوزی. ریاض الجنه. قسمت اول از روضه چهارم، تحقیق علی رفیعی. چاپ اول: قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۰. ۶۲۸ ص، وزیری.

علامه زنوزی (۱۱۷۲-۱۲۱۸ ق) متخلص به «فانی»، در زنوز - از توابع مرند - زاده شد. مراحل مقدماتی و بخشی از سطوح را در حوزه های تبریز و خوی پیمود. در ۱۱۹۵ ق از خوی به عراق

کوچید و در شهر کربلا مأواگزید. هشت سال متمادی در حلقه درس و بحث اساتید بزرگ آن روز کربلا، چون محمدباقر بهبهانی، میرزا مهدی شهرستانی و سید علی طباطبایی، معروف به «صاحب ریاض»، شرکت جست. در سال ۱۲۰۳ ق به ایران بازگشت و دو سال نیز در حوزه مشهد مقدس سرگرم تکمیل معلومات خویش شد. در ۱۲۰۵ ق به حوزه اصفهان راه یافت و پس از چند صباحی دوباره به زادگاه خود، «خوی»، بازگشت و همان جا روزگارش را با تحقیق و تألیف سپری ساخت تا درگذشت.<sup>(۱)</sup>

از ایشان آثار پر بار و ماندگاری به جای مانده است که بیش از همه از سه اثر او، یعنی «بحر العلوم»، «دیوان» و «ریاض الجنه»، یاد می شود که در این میان ریاض را روایتی برتر

۱. آذر تفصلی و مهین فضالی جوان، فرهنگ بزرگان، (چاپ اول: مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش)، ص ۱۴۸؛ علی صدرانی خویی، سیمای خوی، ص ۱۵۲؛ محمدعلی صفوت تبریزی، داستان دوستان، ص ۸ و ...  
۲. علی صفوت تبریزی، داستان دوستان، ص ۸

کتاب انجام داده است، نمی‌کاهد. جای تأسف بسیار است که گویا دنباله کار گرفته نشده است و در شش سال گذشته فقط جلد اول از روضه چهارم چاپ شده و باقی آن از آراسته شدن به زیور طبع محروم مانده است. در پایان یادآوری می‌شود که ریاض الجته در هشت بخش بلند و به ترتیب زیر است:

روضه اول: تاریخ چهارده معصوم (ع) و شهرهای مذهبی - اسلامی، مثل: بیت المقدس، بیت الله الحرام، مدینه، مشهد، سامرا، کاظمین و کربلاست در ۲۸ قسمت. روضه دوم: درباره شیاطین، اشرار، کفار و ... است در هفت قسمت.

روضه سوم: در مورد زمین و آسمان، عوالم غیب و اقالیم سبعة و ... در ۲۵ قسمت.

روضه چهارم: درباره شرح احوال و آثار دانش‌مندان مسلمان و به ترتیب الفبایی است که کتاب مورد بحث تنها قسمت اندکی از آن است که منتشر شده است و به ترتیب عناوین (ابراهیم بازوری - احمد بحرانی) را که شامل ۱۴۵ دانشور مسلمان می‌شود در خود جای داده است.

روضه پنجم: ویژه شاعران و ادیبان است که در دو بخش «ادبا و شعرای عرب» و «شعرا و ادبای غیر عرب» نوشته شده است.

روضه ششم: درباره پادشاهان مشهور و سلسله سلاطین معروف است که حاوی تاریخ جهان پیش و پس از اسلام است. روضه هفتم: در تاریخ و ترجمه وزیران و امیران مشهور و شرح حال کاتبان و خوش‌نویسان است.

روضه هشتم: گلستانی است رنگارنگ که از هر چمن‌گلی و از هر باغ میوه‌ای را می‌توان در آن یافت؛ از داستان‌های جذاب، لطایف روایی و ادبی گرفته تا اصطلاحات علوم و فنون گوناگون، معماهای فکری و هنری که به صورت نظم و نثر و به عربی و فارسی نوشته شده است.

نشده است، تنها خواصی از پژوهش‌گران بزرگ و پرتلاش به این دفینه پنهان دست یافته و دیگران از آن بی‌بهره ماندند، چراکه گستره کار در ریاض تا آنجا بود که کم‌تر کسی همت تحقیق و تصحیح آن را - که گفته می‌شود سر به ده‌ها جلد خواهد زد - درخود می‌دید.

چنان بود که پس از گذشت سه قرن از تاریخ تألیف آن فقط نسخه‌های خطی متعددی از آن در برخی کتاب‌خانه‌ها نگه‌داری می‌شد... تا این که بالاخره با پیش‌نهاد بزرگ کتاب‌شناس معاصر و گوهرشناس بی‌نظیر، مرحوم آیه الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی - قدس سره - استاد علی رفیعی رنج این کار سترگ را به جان خرید و برای نخستین بار قسمتی از روضه چهارم - از روضه‌های هشت‌گانه - آن را تحقیق کرد و منتشر ساخت.

محقق محترم سعی و تلاش فراوانی در تحقیق این اثر کرده است که مادر این جاقط به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- مقدمه مفصل و مفیدی را در دیباچه کتاب نوشته‌اند که حاوی اطلاعات بسیاری درباره علامه زنوزی، آثار، خاندان و فرزندان وی است که به این جامعیت و گستردگی در جای دیگر یافت نمی‌شود.

۲- زیر هر عنوانی که مؤلف فصلی را در زندگی‌نامه شخصیتی گشوده است، محقق در میان دو قلاب تاریخ ولادت و وفات شخصیت مورد بحث را به دو صورت قمری و میلادی اضافه کرده است.

۳- برای هر عنوان در پاورقی، فهرست ممتد و مفیدی از منابع به دست داده است که در موارد فراوانی، بسیار بیش‌تر و کارآمدتر از متن کتاب است.

۴- اشخاصی که مؤلف تنها نامی از آن‌ها را در ضمن مباحث آورده و به حیات آن‌ها نپرداخته است، اگر در قسمت‌های دیگر کتاب آورده باشد، محقق در پاورقی با تعیین فصل و باب به آن جارجاج داده و اگر در قسمت‌های دیگر نیز نیآورده باشد، محقق خود در پاورقی پس از گزارش مختصر و مفیدی از زندگی‌نامه آن شخص، فهرستی از منابعی را که به این کار پرداخته‌اند، به دست داده است.

فشرده سخن این که محقق، ارزش کتاب را دوچندان و فواید آن را صدچندان کرده است. اگر در اندک موارد جزئی هم اشکال و تسامحی به نظر آید به هیچ وجه از ارزش کار سترگی که محقق



# درنگی در

## مثنوی ملاصدرا

علی اصغر حقدار

و کشف حقایق و علم حضوری نایل آمد.<sup>(۱)</sup> آوازه شهرت آخوند، کم کم عالم گیر شده و به دنبال تأسیس مدرسه خان در شیراز و درخواست والی فارس، ملاصدرا به وطن خود بازگشت و در مرحله سوم زندگی اش تا پایان عمر به تعلیم و تدریس افکار و یافته های متعالیه خود اشتغال ورزید. ملاصدرا در طول عمر هفتاد ساله خود موفق به تألیف کتاب های ارزنده ای در حکمت و فلسفه شده و شاگردان

نامداری هم چون فیض کاشانی و فیاض لاهیجی و حسین تنکابنی و ... را تربیت نمود و در سال ۱۰۵ ق در بازگشت از هفتمین سفر خانه خدا در بصره به جوار حق تعالی شتافت.<sup>(۲)</sup>

ملاصدرا بر پایه افکار فلاسفه و عرفای پیش از خویش و براساس تعالیم دینی که در آیات الهی و روایات پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) آمده بود، موفق به پی ریزی مکتب فلسفی خود شده و آن را در مقابل نحله های فلسفی پیشین «حکمت متعالیه» نامید. استاد سید جلال الدین آشتیانی درباره فلسفه ملاصدرا می نویسد:

«قبل از ملاصدرا بین متصدیان معرفت حقایق و محققان از اهل افکار و انظار و آرا و متخصصان در علوم حقیقیه از عرفا

مثنوی ملاصدرا. به کوشش مصطفی فیضی. چاپ اول: قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۶. ۲۱۶ص، وزیری.

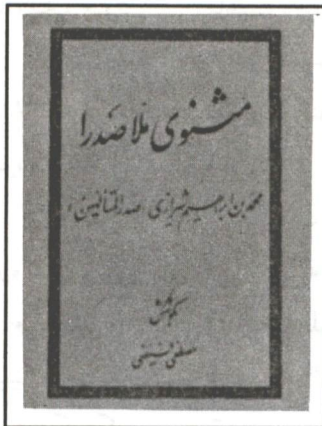
محمد بن ابراهیم شیرازی، ملقب به صدرالمتألهین و مشهور به ملاصدرا، در حدود سال ۹۷۹ یا ۹۸۰ ق در شیراز دیده به جهان

گشود. وی به واسطه استعداد فوق العاده ای که از او ان کودکی داشت، از تحصیل و تعلیم شایسته ای برخوردار شد و بعد از طی مراحل مقدماتی برای تکمیل تحصیلات خود عازم اصفهان گردید.

صدرالدین در اصفهان، نخست نزد شیخ بهاء الدین عاملی (شیخ بهائی) به تحصیل علوم نقلی پرداخت تا به حدی که به کسب اجازه و درجه اجتهاد نایل گشت. سپس به شاگردی

میرداماد درآمد و رموز حکمت را در طی سالیانی در محضر وی آموخت. وی بعد از تکمیل تحصیلات خود در علوم صوری و در اثر تعلیمات عرفانی و مخالفت عده ای از علمای ظاهرین ناچار شد اصفهان را ترک کند و برای تزکیه نفس و سیر و سلوک به قریه «کهک» در نزدیکی قم پناه برد.

دوران خلوت گزینی و سلوک معنوی صدرالمتألهین هفت سال و بنابه قولی پانزده سال به طول کشید و بالاخره به شهود



۱. اسفار اربعه، ج ۱، ص ۸

۲. مقدمه دکتر سید حسین نصر بر رساله سه اصل ملاصدرا، ص ۶.

اصالت یکی از دو حیثیت به معنای تحقق خارجی آن و اعتباریت دیگری که نسبت و واقعیت خارجی به آن عرضی باشد، برای اولین بار توسط میرداماد مطرح شد و به واسطه انگاره‌های اشراقی، وی قائل به اصالت ماهیت و اعتباریت وجود شد. ملاصدرا در ابتدای تحصیل خود پیرو استاد بوده، ولی در سیر تکامل علمی خویش قائل به اصالت وجود شده و آن را بر پایه دلایل محکمی به اثبات رسانید.<sup>(۲)</sup>

قبل از ملاصدرا مسئله به شکل ابتدایی ذیل زیادتی وجود بر ماهیت در خارج مطرح بود که نظر عده‌ای از مشایبان بوده و ایرادات شیخ اشراق بر اصالت وجود - به آن معنا که از زیادتی در خارج مورد نظر بود - ناظر به توالی فاسده قائل به زیادتی بوده و اصالت یکی از دو حیثیت (وجود، ماهیت) که از زمان صدرالمتألهین مورد بحث واقع شده، در آن زمان مطرح نبوده است. صدرالمتألهین در بیان نظریه خود گوید: «وجود سزاوارترین چیزی است به تحقق در خارج؛ زیرا ماسوای وجود به سبب وجود متحقق و موجود در اعیان و در اذهان است. پس اوست که به وسیله او هر صاحب حقیقتی به حقیقت خویش می‌رسد، پس چگونه وجود امری اعتباری است چنان که آنان که از مشاهده وجود محجوب مانده‌اند چنین تصور کرده‌اند. و نیز به این علت که وجود، مجعول بالذات است نه آن چه که به نام ماهیت نامیده می‌شود».<sup>(۳)</sup>

وی سپس برآهینی را در اصالت وجود و اعتباریت ماهیت تقریر می‌کند که بعضی از آن‌ها تأسیسی بوده و برخی دیگر حلی.<sup>(۴)</sup>

با اثبات اصالت وجود که سنگ بنای افکار ملاصدرا به شمار می‌رود و به همین خاطر در میان بعضی از اندیشه‌مندان، حکمت متعالیه به فلسفه وجودی نامیده می‌شود، مسئله تشکیک در وجودات<sup>(۵)</sup> به صورت جدیدی طرح و حل شده و بحث از تقسیم وجود به رابط و محمولی<sup>(۶)</sup>، واجب و ممکن<sup>(۷)</sup>، قوه

و مشایخ صوفیه، و فلاسفه مشا و اشراق، اختلاف نظر عمیق وجود داشت و هر یک از این فرق به اثبات طریقه خود و نفی ممشای دیگران می‌پرداخت... ملاصدرا به واسطه غور در کتب فلسفی، اعم از اشراقی و مشایی، و تدرّب در علوم اهل کشف و احاطه بر مآثورات وارده در شریعت حقه محمدیه و سیر کامل در افکار افلاطونیان جدید و قدیم و بالجمله اطلاع کافی از جمیع مشارب و افکار، خود مؤسس طریقه‌ای شد که بر جمع مشارب و مآرب فلسفی ترجیح دارد. افکار عمیق شیخ الرئیس و سایر اتباع مشا و آرای افلاطونیان جدید و تحقیقات عمیق و ژرف متصوّفه، آرا و افکار حکمای اشراقی و رواقی در کتب تحقیقی او هضم شده است و سعه افکار و تحقیقات او همه را فرا گرفته...»<sup>(۱)</sup>

بنابراین، منابع و مآخذ افکار آخوند را می‌توان در چهار مبدأ اساسی جست و جو کرد:

۱- فلسفه مشا، به خصوص افکار ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ) که به صورت ترکیبی از فلسفه یونان و آرای نو افلاطونی در میان اندیشه‌مندان مسلمان منشأ فلسفه مشایی اسلامی را تشکیل می‌داد.

۲- حکمت اشراق که در قرن ششم به دست شیخ شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ هـ) با انتقاد از فلسفه مشا و بر پایه اندیشه‌های فلسفی حکمای ایران باستان به وجود آمده بود.

۳- مکتب عرفانی محیی‌الدین عربی (۵۶۰-۶۳۸ هـ) که در بردارنده جنبه‌های نظری یافته‌های شهودی بوده و شکل تکامل یافته‌ای از تصوّف را عرضه داشته بود.

۴- تعالیم اسلام که در منابع دینی به آن‌ها اشاره شده و در حقیقت اساس حکمت را در میان مسلمانان تشکیل می‌دادند.

ملاصدرا بعد از کاوش در افکار فلسفی پیشینیان، اساس «حکمت متعالیه» را در دو اصل محوری و مبنایی بنیان کرد که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- اصالت وجود: هر چیز واقعیت‌داری به تحلیل ذهنی دارای دو حیثیت بوده که از آن‌ها به وجود و ماهیت تعبیر شده است. حیثیت وجودی وجه مشترک اشیا را تشکیل داده و حیثیت ماهوی سبب تمایز شیء‌ای از شیء دیگر بوده و غیر از حیثیت وجودی است. در میان فلاسفه توجه به دوران امر بین

۱. مقدمه استاد آشتیانی بر «الشواهد الزبویة»، ملاصدرا، ص هفده و یک.
۲. رسالة المشاعر (با شرح لاهیجی)، ص ۱۴۶.
۳. الشواهد الزبویة، ص ۶.
۴. رك: اسفار اربعه، ج ۱؛ رسالة المشاعر، ص ۴۸ و دیگر کتب ملاصدرا.
۵. هستی از نظر فلسفه و عرفان، سید جلال‌الدین آشتیانی، ص ۱۳۴.
۶. اسفار اربعه، ج ۱، ص ۳۲۷.
۷. همان مأخذ، ص ۸۳.



مصحح به استناد اشعار فیض کاشانی مکان فوت ملاصدرا را بر خلاف مشهور، شهر نجف اشرف اعلام داشته است. خاندان ملاصدرا و بزرگان علمی این خاندان علم و دانش تا زمان معاصر، از مطالب تاریخی مهم در این مقدمه به شمار می‌روند که به این شکل مرتب و منظم در نوشته دیگری مندرج نبوده است و از مزایای چاپ جدید مثنوی ملاصدرا است.

مجموعه اشعار ملاصدرا در قالب مثنوی بیانگر مباحث و مسائلی درباره چگونگی آفرینش و نعت پیامبر و ائمه، سیر و سلوک معنوی و مذمت اهل ریا می‌باشد. در قسمت دیگری از اشعار، ملاصدرا اندیشه‌های فلسفی و اعتقادات دینی خویش را در خصوص علم الهی، علم مکاشفه‌ای، عالم ارواح و غایت ایجاد اشیا، که از مباحث اصلی الهیات عقلانی به شمار می‌روند، به شکل منظوم بیان داشته است. وصف نفس ناطقه و قوای نفسانی، و قیامت و حشر آخرت که مسائلی از فرجام‌شناسی فلسفی در حکمت متعالیه صدرالمتألهین محسوب می‌شوند، ابیاتی از اشعار را شامل می‌شوند.

ملاصدرا با بیان اهل کشف و اوصاف آنان مثنوی خود را ختم نموده و به سبک حکمای الهی نظیر ابن سینا و شیخ اشراق، طریق فلسفی را توأم با سلوک عرفانی ساخته و هر کدام از اینان را بدون دیگری ناقص دانسته است.

و فعل، اثبات حرکت جوهری<sup>(۱)</sup> و مبحث علت و معلول و سنخیت آن‌ها<sup>(۲)</sup> در امور عامه و انیت صرفه حق تعالی<sup>(۳)</sup> و وحدت حقیقه حق<sup>(۴)</sup> در الهیات خاصی و هم‌چنین معاد جسمانی<sup>(۵)</sup> و تجرد خیال به نحوه ابتکاری<sup>(۶)</sup> در علم النفس فلسفی چهره تازه‌ای به خود گرفته‌اند.

**۲- حرکت جوهری:** فلاسفه قبل از ملاصدرا حرکت را در چهار مقوله عرضی کم، کیف، وضع و این قائل بودند و به واسطه اشکالی که از ناحیه موضوع حرکت متوجه آرای آنان بوده، حرکت در مقوله جوهر را منکر شده بودند. صدرالمتألهین براساس تقسیم موجود از حیث این که موجود است به وجود ثابت و وجود سیال، حرکت را از خواص موجودات جسمانی دانسته و حرکت مقولات عرضی را نیز از حرکت در جوهر ناشی دانست، همان طور که عرض از لحاظ وجودی همه وابسته به جوهر است.<sup>(۷)</sup>

از دیگر ابتکارات صدرالمتألهین می‌توان مسائل زیر را نام برد:

۱- اتحاد عاقل و معقول

۲- اثبات تجرد برزخی قوه خیال

۳- اقامه برهان بر معاد جسمانی

۴- ثبوت جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس

ملاصدرا در کنار تألیف و نگارش آثار مهم در فلسفه اسلامی چون «اسفار اربعه»، «شواهد الربوبیه»، «المبدأ والمعاد» و «شرح هداية الاثیریة» به تنظیم مطالب ذوقی نیز عنایت داشته و مجموعه‌ای از اشعار خویش را با مضامین عرفانی و حکمی برای طالبان علوم فلسفی به یادگار گذاشته است. رباعیات ملاصدرا چندین سال پیش به همت سید حسین نصر به همراه رساله سه اصل به چاپ رسیده<sup>(۸)</sup> و اکنون با تلاش و سعی جناب آقای فیضی کاشانی از نواده‌های دختری ملاصدرا، مثنوی ملاصدرا در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

چاپ جدید مثنوی ملاصدرا از یک مقدمه مفصل (مصحح) و حدود ۲۱۵۰ بیت تشکیل شده است. مصحح در مقدمه خود، مطالبی در بیان زندگی ملاصدرا و نحوه تحصیل و تدریس وی به استناد آثار تاریخی و رجالی فراهم آورده است. در بخش دیگری از مقدمه، افکار ملاصدرا در خصوص معاد جسمانی، حرکت جوهری و مسائل دیگر فلسفی شرح شده و در پایان

۱. همان مأخذ، ج ۳، ص ۲ و ۶۱.

۲. همان مأخذ، ج ۲، ص ۲۷.

۳. اسفار اربعه، ج ۶، ص ۴۸.

۴. هستی از نظر فلسفه و عرفان، ص ۲۲۷.

۵. شرح بر زاد المسافر، سید جلال‌الدین آشتیانی.

۶. الشواهد الربوبية، ص ۱۹۷.

۷. اسفار اربعه، ج ۳، ص ۶۱.

۸. رساله سه اصل به انضمام منتخب مثنوی و رباعیات، صدرالدین شیرازی، به اهتمام حسین نصر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ ش.

# دعا

## در فرهنگ اسلامی

محمّد بدیعی

در آن هم انس حاصل می‌شود و هم شناخت؛ هم روح پالایش می‌شود و هم ایمان تقویت؛ هم دل خرسند می‌گردد و هم خرد شاداب؛ آدمی به تمامیت خویش در محضر ربوبی حاضر شده و همه وجود خود را در صحنه پرفشای نیایش عرضه می‌دارد. به واسطه مکانت ملکوتی دعا و نیایش و تأکید منابع اسلامی بر مداومت راز و نیاز انسان با خدا، مشایخ علوم الهی و سالکان وادی معرفت، آثار و تألیفاتی در ادعیه فراهم نموده و صحیفه‌هایی را با خطوط نورانی نیایش‌ها گرد آورده‌اند و در پیرامون آن با تنوع موضوعات عدیده، بحثها پیش کشیده‌اند؛ «مفتاح الفلاح»، «عدة الداعی» و «فلاح السائل» نمی‌از باران رحمت آور ادعیه مأثوره است که در طول قرن‌ها از طرف علمای ربانی و مشتاقان مقام کبریایی به رشته تحریر کشیده شده و متحیران و متدینان را در سلوک الی الله ره گشا بوده است.

مؤلف محترم کتاب نور علی نور (در ذکر و ذاکر و مذکور)، استاد علامه آیه‌الله حسن زاده آملی نیز به واسطه انس با منابع دینی و تعلیم و تربیت عارفانه، برای سهل الوصول کردن دستیابی به مأثورات وارده، به تنظیم و تبویب دُز احادیث و غُز روایات نیایشی پرداخته و فصولی را در آداب طلب از خداوند و اسرار ادعیه، با تکیه بر آیات قرآنی فراهم کرده است.

در میان آموزه‌های اسلامی، دعا و نیایش از جای‌گاه ویژه‌ای برخوردار است. انسان موحد و متدین، آنگاه که در مقام بندگی سر بر آستان کبریایی حق تعالی فرود می‌آورد، در مقام نیایش برآمده و خاکساری خویش را به نمایش می‌گذارد. مراسم عبادت، که جزیی از نیایش را فراهم می‌کند، مطابق دستورات دینی باید خاضعانه و خالصانه باشد و خداوند را با نام‌های بهتری طلب کرد. از سوی دیگر ذکر نام‌های الهی و راز و نیاز بنده با معبود خود، اختصاص به اوقات و ایام خاصی نداشته و هر لحظه و در هر مقامی که اراده بنده درخواست کند، مقام الهی برای مکالمه انسان‌ها و دریافت گفتار آنان گشوده است. بنابراین ذکر الهی و نیایش، صمیمانه‌ترین محاوره شخصی انسان با خدا بوده که باب گفتگوی انسان و خدا را افتتاح می‌کند. انسان در دعا، خدا را طرف خطاب قرار می‌دهد و چشم امید به استجابت خداوند دارد. خداوند نیز آماده پاسخ دادن را با کلمه «استجابت» بیان نموده و به این صورت دوطرفه بودن دعا و نیایش را یاد آور می‌شود: «و قال ربکم ادعونی استجب لکم» (مؤمن / ۶۰). بر این اساس است که اولیاءالله گفته‌اند: «دعا سیر شهودی و کشف وجودی اهل کمال و تنها رابطه انسان با خدای متعال است».

به گفته یکی از دانش‌وران: دعا و نیایش، قبل از آنکه ابراز زندگی باشد، ابزار بندگی است و بیش از آنکه خواهش تن را ادا کند، حاجت دل را روا می‌کند و برتر از آنکه سفره نان را فراخی بخشد، گوهر جان را فربهی می‌دهد. از آنجا که دعا فقط صحنه خواندن خدا نیست و سخن گفتنی دوسویه و دیالوگ است که



حضرت امام علی نقی (ع) در ولایت و بیان مقام انسان کامل ولی، عدیل یکدیگر در این دو اصل توحید و ولایت است.

فصل سوم درباره این است که خداوند در هر چیزی به کم اکتفا و حد برای آن معین فرموده است، مگر در ذکر و دعا. دستورات دینی، مانند نماز، روزه، زکات، حج و ... هرکدام دارای حد معینی است، ولی درباره ذکر فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا اذکروا لله ذکرًا کثیراً». سپس در ادامه این فصل چنین آمده است: سعی کن که ذکر را قلب بگوید، که عمده حضور قلب است، وگرنه ذکر با قلب ساهی پیکر بی روان و کالبد بی جانست... مطلب مهم در ذکر قلبی این است که بدانی همان طور که طفل در مدت دو سال از شنیدن کلام و اراده تکلم کم کم به نطق می آید و گویا می شود، قلب سالک صادق هم بر اثر مداومت در حضور و انصراف فکر به قدس جبروت و دوام ذکر حق، به نطق می آید که حتی ذکر قلب شنیده می شود.

در ادامه این فصل چندین حدیث در فضیلت ذکر و دوام آن از غرر احادیث و ذرر کلمات اهل بیت (ع) بیان شده و در پایان آمده است: الفاظی که ذکر در ضمن آن متحقق است بسیار است، نهایتش ارباب حال کلمه لا اله الا الله را اختیار کرده اند بنابراین چند وجه.

فصل چهارم درباره بیان عدد مأثوره در ادعیه و اذکار است و این گونه آغاز شده است: در بعضی از ادعیه و اذکار بیان عدد دعا و ذکر و یا عدد ایام آنها از معصوم صادر شده است. در حفظ عدد سهل انگاری نشود، با اینکه اعمال مستحبه اند و هیچ نحوه تخطی و مداخله در آن روان نبود، چه عمل به دستور عددی خود یک نحو تأدیب و تعویذ نفس است.

سپس در ادامه این فصل احادیثی نقل شده که در اینجا فقط به ذکر یک حدیث کوتاه از امام صادق (ع) اکتفا می شود: بدانید اسماء الله به منزله دفائن اند و عدد به منزله ذراع آن مساحت، اگر ذراع کمتر فرانهی به دفین نرسی و اگر زیاده بگیری نیز نرسی، بلکه درگذری.

اوقات و امکان دعا، عنوان پنجمین فصل کتاب است که ابتدا درباره وقت دعا به اهمیت شب برای عبادت پرداخته و چنین آمده است: اما شب هنگام، انزوای از خلق و انقطاع از مشاغل روز است که انسان را به خلوت و وحدت می کشاند، و خلوت و وحدت به توحّد می رسانند، و تا انسان به توحّد نرسیده است به ادراکات عقلی و سیر انفسی نائل نمی گردد که تعلق با تعقل جمع نمی شود. و ما هرچه را که ادراک می کنیم از حیث احدیت وجودی خود ادراک می کنیم نه با تفرّع بال.

کتاب نور علی نور در یازده فصل تقسیم بندی شده است: فصل اول در بردارنده منتخبی از آیات قرآنی است که در باره ذکر و دعا نازل شده اند. در آغاز فصل چنین آمده است: شایسته است که انسان یک دوره قرآن کریم را به این عنوان قرائت کند که اسمایی را که خداوند خویشتن را بدانها وصف می فرماید و نیز آنچه ملائکه او را بدانها ندا می کنند و نیز دعاهای انبیا و اولیا را که در پیش آمد شداید اوضاع و احوال از زبانشان نقل شده که خدای تعالی را به اسمی خاص و دعایی مخصوص خوانده اند، انتخاب کند.

بدیهی است که نمونه آن شداید احوال برای دیگران به فراخور قابلیت و شرایط زمانه پیش می آید که آنها نیز باید خداوند را بدان اسم و دعا و ذکر بخوانند.

در ادامه این فصل آمده است: این کمترین توفیق یافت که یک دوره قرآن کریم را به همان نحو که گفته شد قرائت و چهل مورد را ذکر کند.

سپس به ذکر چهل مورد پرداخته و در لابلای آنها به بعضی از لطایف نکات به عنوان تبصره اشاره شده که بسیار خواندنی است. اکنون مناسب است یکی از آیات چهل گانه را یاد کنیم که درباره دعای حضرت یونس و معروف به ذکر یونس است: «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین». در باره این آیه آمده است: هرکس برای نجات از غم به ذکر یونس ذا کر باشد، مشمول رحمت و کذلک ننجی المؤمنین می شود.

فصل دوم در بیان سر این است که ادعیه مأثوره حائز لطایفی خاص اند که در روایات یافت نمی شود.

لطایف شوقی و عرفانی و مقامات ذوقی و شهودی که در ادعیه نهفته است در روایات وجود ندارد، زیرا در روایات مخاطب مردمند و با آنان محاوره داشته اند و به فراخور عقل و فهم و ادراک و معرفت آنان با آنها تکلم می کردند، نه به کنه عقل خودشان هرچه را که گفتنی بود.

اثمه اظهار (ع) در ادعیه و مناجاتها با جمال و جلال و حسن مطلق و محبوب و معشوق حقیقی به راز و نیاز بودند، لذا آنچه در نهانخانه سر و نگارخانه عشق و بیت المعمور ادب داشتند به زبان آورده اند.

سپس به عنوان مثال چنین آمده است: دعای عرفه حضرت امام سیدالشهداء (ع) در توحید و دعای زیارت جامعه کبیره

سنوح احوال دعوات و دیگری در بیان نحوه افاضه القاء است. در مورد مطلب اول آمده است: در کتب و رسائل ارباب سیر و سلوک اخباری از سنوح احوال خودشان در اثناء سیر و سلوک خبر می دهند. مثلاً در تحفة الملوک سید بحر العلوم فرماید: و از جمله آثار، به صدا آمدن قلب است و در مبادی، آوازی مانند آواز کبوتر و قمری از او ظاهر شود و بعد صدایی چون انداختن مهره در طاس. غرض این است که آگاهی بدین گونه احوال رهنرت نشود که باید برای تو هم پیش آید، زیرا همان طور که چهره ها مختلف اند، استعدادها نیز مختلف اند، لذا واردات قلبی و استفاضه از فیض الهی گوناگون است.

سپس درباره مطلب دوم چنین بیان شده است: القاءات و تمثلاتی که به تو روی می آورد، همه درونی اند نه بیرونی. و آنچه بر تو فائض می شود در تو فائض می گردد. پس بدان که در تحصیل علوم و معارف و اعتلای به مقام قرب و لقاء الله به انتظار اینکه چیزی از خارج حقیقت تو در آید نباشی، بلکه آن علوم و معارف و تمثلات آنها همه در تو تحقق می یابد.

ادب مع الله، عنوان فصل دهم است که به هفت قلم آراسته شده است: قلم اول اینکه در دعا و ذکر حضور قلب داشته باشد، دوم اینکه بدون اذن و امر به تصرف در برنامه های نظام تکوینی تصرف نکند. سوم اینکه دعا و عبادت حبی باشد نه برای ظهور کرامات و ... یعنی از او جز او را نخواهد که این عبادت احباب و احرار است. چهارم اینکه خدا را به اسمای حسنی بخواند. پنجم در موضوع وقایه است، یعنی عبد خود را وقایه حق سبحانه قرار دهد تا به تقوای خواص متصف شود و بدین معنی متقی گردد. ششم عدم اعتدای در دعاست، یعنی داعی در طلب از حدّ دعا تجاوز نکند. هفتم تعظیم اسماء الله است مطلقاً، چه به حسب لفظ و چه به حسب توجه و نیت.

فصل یازدهم و پایانی کتاب درباره تبیین سر استجابت دعاست و اینکه از اسباب مؤثر بوده و مخالف سنت جاریه الهی نیست. سپس به رفع موانع طلب از مقام الهی پرداخته و یک دوره کامل بندگی و دلبردگی به رشته تحریر کشیده شده است. بخش دوم کتاب، اضافات و توضیحات است که شامل ترجمه آیات، روایات، ادعیه و اقوال حکما و عرفاست، به علاوه برخی توضیحات لازم از مؤلف محترم.

سپس درباره مکان دعا آمده است: بدان که امکانه راهم چون اوقات تأثیری خاص است و روایات در این باب نیز بسیار است. بلکه ارباب عزائم و مباشران اعمال غریبه از اوفاق و غیره در جمالی مکانی خاص می گزینند و در جلالی مکانی خاص، چنانکه مثلاً در جوامع روایی آمده است که فرایض را در یک محل مخصوص و معین منزل بخوانید، یعنی برای خود مصلاّی خاصی را برای ادای فرایض قرار دهید و در وقت احتضار شما را در آنجا گذارند که موجب تخفیف شداید و غمرات موت است؛ ولی نوافل را در اماکن متعدد بخوانید که برای شما شاهد باشند.

در فصل ششم طهارت داعی بازگو شده و آمده است: شرط مهم تأثیر اذکار و ادعیه طهارت انسان است و صرف لقلقه لسان موجب قساوت و بُعد هم می شود، زیرا که ذکر عاری از فکر است؛ یعنی قلب بی حضور است و قلب بی حضور چراغ بی نور است و شخص بی نور از ادراک حقایق دور است.

در فرازی دیگر از این فصل آمده است: مهم ترین شعب تزکیه، تطهیر سر و ذات انسان از شک و ریب در ایمان بالله است که بانور معرفت از ظلمات اوهام و وساوس به در آید و به جلّیت توحید حقیقی متجلی گردد و همت بگمارد که انسان قرآنی شوی که «لا یمسّه الا المطهرون».

احتراز از دعای ملحون در فصل هفتم مورد بحث واقع شده است. دعای ملحون یعنی عدم رعایت اعراب الفاظ ادعیه و اذکار و عبارت دعا را صحیح و درست نخواندن، زیرا با اختلاف اعراب کلمات، در معانی آنها تعبیر حاصل می شود و لفظ ملحون موجب نفرت طبع سامع می گردد و خلاصه دعای ملحون به سوی خدا بالا نرود.

فصل هشتم درباره دعای مأثور و غیرمأثور است. مأثور آن است که از پیغمبر (ص) و امام (ع) منقول است. و خواندن غیرمأثور - خواه خود انشاء کند و یا دیگری - جایز است و کسی آن را حرام ندانسته و مانع نشده است. و سیره علما بر این ساری است و آن را روا دارند. نتیجه مستفاد از بحثهای این فصل برای اهل بصیرت و مستبصرین بسیار گرانقدر است. علاوه بر اینکه ذیل احادیث مذکور سرتی مستتر برای اهل سر است و اشارات قرآنی نیز بسیار است.

فصل نهم درباره دو مطلب است: یکی در بیان اختلافات



## نامه‌ها

حضرت حجة الاسلام و المسلمین مرعشی نجفی  
متولی محترم و ریاست کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله  
العظمی مرعشی نجفی

با سلام و احترام، بازگشت به نامه شماره ۲۳۰۲ مورخ  
۱۳۷۶/۵/۱۸ از این که مفتخرم فصلنامه خبری آن کتابخانه عظیم  
و شریف را به طور مرتب دریافت می‌دارم بر خود می‌بالم، به ویژه  
از مطالعه ویژه نامه مربوط به حضرت ابوی - که بنده دینداری  
خویش را مدیون سالیان متمادی حضور در مجالس روضه منعقد  
در ماه محرم در حسینیه آن عالم گران سنگ و مؤانست در محافل  
خصوصی و عمومی درس ایشان می‌دانم - بسیار لذت بردم  
و عبرت آموز یافتم.

از خداوند متعال توفیق حضرت عالی را در مسیر در پیش  
گرفته شده، خواهانم.

محضر حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید  
محمود مرعشی نجفی دامت برکاته

سلام علیکم

بازگشت به نامه شماره ۴۰۶۷ مورخ ۷۶/۸/۱۴، ضمن قدردانی  
و تشکر فراوان از الطاف مبذوله، علو درجات علامه کبیر مرحوم  
آیه الله العظمی نجفی مرعشی - قدس سره - و دوام و بقای  
کتابخانه بزرگ آن حضرت و مزید تأییدات و توفیقات  
جناب عالی و کلیه متصدیان و مسؤولان کتابخانه را از درگاه  
قادر متعال خواهانم. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سید علی شفیعی

نماینده خوزستان در مجلس خبرگان رهبری

جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید محمد  
مرعشی نجفی دام عزه

رئیس محترم کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی

سلام علیکم

با احترام و عرض ارادت، ضمن تقدیم سلام و صلوات به  
روح مطهر حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره  
شریف - بازگشت به نامه شماره ۳۷۶۴ مورخ ۷۶/۸/۱۱ بدین  
وسیله از ارسال یک نسخه فصلنامه خبری شهاب تشکر

حضور محترم جناب حجة الاسلام و المسلمین حضرت آقای دکتر  
سید محمود مرعشی نجفی دامت توفیقاته

ضمن اهدای تحیات و سلام و عرض امتنان

با تشکر فراوان و وصول یک نسخه فصلنامه خبری ۱۳۷۶  
کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - به  
همراه ویژه نامه ای که به مناسبت هفتمین سالگرد ارتحال حضرت  
آیه الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - انتشار یافته است، به  
عرض می‌رساند این هر دو نشریه حاوی مطالب ارزنده بسیار  
مفیدی است که اهل تحقیق از داشتن آن ناگزیرند. حقاً و انصافاً  
از جهت اشتغال بر اطلاعات و فهرست‌های کتب خطی و نفائس  
کتابخانه‌های کشورهای همجوار و مطالب خاص کتابخانه  
آیه الله العظمی مرعشی - ره - در خور تحسین و تبجیل است.

تأییدات حضرت مستطاب عالی را از خداوند متان آرزو دارم.

احمد احمدی بیرجندی

جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید محمود

مرعشی دامت افاضاته

با عرض سلام و تحیت شماره ۲ سال سوم فصلنامه مبارکه  
«شهاب» دریافت و زیارت گردید، از لطف و محبت جناب عالی  
سپاس گزارم. گرچه هر یک از مراجع گذشته - رضوان الله علیهم -  
دارای آثار گران بها و خدمات ارزنده برای اسلام و مسلمین  
و حوزه‌های علمیه بوده‌اند، ولی خدمت بزرگ و یادگار علمی  
و افتخار آمیز آیه الله العظمی نجفی مرعشی - نورالله مضجعه  
الشریف - با امکانات موجود و موقعیت حوزه علمیه در جهان  
شیعه دارای برجستگی و عظمت خاصی است که برای همه فضلا  
و دانش پژوهان و در همه تاریخ از جلوه و درخشش ویژه‌ای  
برخوردار است و این هم از الطاف خداوند است که به جناب عالی  
توفیق عنایت فرموده تا در گسترش این سفره عمیم و ادامه  
اهداف عالی آن نادره عصر تلاش نموده و هر روز شاهد ثمره‌ای  
شیرین تر و میوه‌ای تازه تر باشیم.

ادام الله توفیقاتکم

محمد صادق نجمی

و قدردانی می‌شود.

کوشش‌های بی‌دریغ دست‌اندرکاران تهیه و نشر آن مجموعه بیانگر احساس وظیفه در قبال حفظ دست‌آوردهای نظام اسلامی و تلاش در جهت بهبود کیفی رسانه‌های فرهنگی است.

خداوند به شما جزای خیر عنایت فرماید و روح مطهر آن مرجع عالی‌قدر را مشمول رحمت و اوسع خود قرار دهد.

محسن صیاف‌زاده

کارشناس مسؤول روابط عمومی و اسناد

اداره کل آموزش و پرورش استان قم

حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمود مرعشی

نجفی دامت برکاته

تولیت و ریاست محترم کتاب‌خانه بزرگ حضرت آیه‌الله

العظمی مرعشی نجفی

سلام علیکم

احتراماً عطف به مرقومه شماره ۳۹۰۹ مورخ ۷۶/۸/۱۲ از بذل

محبتی که با ارسال نسخه‌ای از فصلنامه خبری شهاب مرحمت فرموده‌اند صمیمانه تشکر و سپاس‌گزاری می‌نمایم.

از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم تا به حضرت‌عالی، که با همت و عزمی گرفته از احساس وظیفه و اشتیاق به اسلام در حفظ و حراست و توسعه و ترویج این میراث اسلامی اهتمام می‌فرمایند، توفیق بیش‌تری کرامت فرماید و بی‌تردید دعای والد بزرگوار و شریف - رضوان‌الله تعالی علیه - جناب‌عالی را در تحقق این مهم پشتوانه‌ای بی‌نظیر خواهد بود. با احترام.

و من الله التوفیق

سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) / سید رضا نیری

### کتاب‌خانه شهاب شریعت

وارد که شدم با مشاهده مرقد مطهر و بی‌آلایش «شهاب شریعت» و وصیت او برقراردادن قبر شریف‌اش زیر پای طالبان علم، مبهوت شدم و خود را در مقابل این همه عظمت، کوچک دیدم.

مرا به قلب کتاب‌خانه‌ای که گنجینه بی‌بدیلی است از حاصل عمر هزاران فقیه و محقق، هدایت نمودند.

قبلاً وضو ساخته بودم، زیرا قدم در دنیای علم و ایمان می‌نهادم و بوی عشق و ایثار و معنویت را حس می‌کردم؛ مگر می‌شود در محضر علما بی‌وضو حاضر شد.

دوست داشتم با پای برهنه سفرم را شروع کنم، اما نشد. وارد گنجینه که شدم خود را در مقابل صدها مجتهد و فقیه و دانش‌مند، از هر ملت و دین و مذهبی، دیدم.

ملا صدرا را دیدم، گاهی فلسفه را هجی می‌کرد و زمانی مثنوی‌اش را می‌سرود، علامه مجلسی را مشاهده نمودم در حال نوشتن بحار الانوار، که الحق چراغ راه شاگردان مکتب جعفری است. شیخ بهایی و خطوط زیبایش که فریاد برآورده بود که علم رسمی باید با ایمان آمیخته شود و الا همه‌اش قیل و قال است. شیخ طوسی با تقریرات عالمانه‌اش، علامه حلی که داشت قواعد و تحریرش را به طالبان علم و فضیلت اهدا می‌کرد.

حکیم نظامی گنجوی در حال سرودن پنج‌گنجش، و بیت زیبای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هست کلید در گنج حکیم» هر پژوهنده‌ای را مجذوب می‌نمود.

شهید مصطفی را زیارت نمودم با تفاسیر الهی و امام‌گونه‌اش. سادات گروه گروه می‌آمدند تا نسیبشان را با ائمه از بزرگ مردی که بر «ستیغ نور» نشسته بود، بپرسند.

عده‌ای جفر می‌خواندند، گروهی به دنبال فلسفه، دسته‌ای قرآن و تفسیر، جمعی هندسه و نجوم و سیاستون آمده بودند ببینند که خلیج همیشه فارس با تاریخ گره خورده است. در گوشه‌ای مسیحیان، انجیل به دست، دعا می‌خواندند، بودائیان هم چنین، زرتشتیان نیز؛ همه و همه از تمامی ادیان و از هر مکتب و مذهبی.

گروهی از برونی آمده تا شیعه بودن سلطان‌شان را جشن بگیرند و بیت زیبای مولانا را در خاطره‌ها زنده کنند که:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

از گامبیا، گینه، پاکستان، اندونزی، ایتالیا و فرانسه و ... همه نور هدایت می‌خواستند و بر این عقیده بودند که این نور از ام‌القرای اسلام و دیار شهیدان پرتوافشانی می‌کند، کار او را معجزه می‌دانستند و با دیدن این همه تلاش متحیر مانده بودند و در باورشان نمی‌گنجید که مدیری روحانی توانسته است دین و تکنولوژی را با هم درآمیزد.

همه می‌پرسند چگونه گردآوری نمود؟ در جواب می‌شنوند، شب‌ها نخوابید، روزها روزه داشت، نماز خواند، زندان رفت، ولی نگذاشت کتاب را زندانی کنند، زیرا می‌خواست علم و ایمان زنده بماند.

گرچه وقتم تمام شده بود، اما دل نمی‌کندم. ولی به ناچار بیرون رفتم، زیرا گروه بعدی جهت ورود آماده می‌شد.

در کنار مرقد بزرگ مرد علم و ایمان ایستادم و به روان پاکش درود فرستادم و دانستم که خود قصیده‌ای است طولانی. بیرون رفتم، اما این بار بدون دل.

علی مصباح



